

استاد شهید

مرتضی مطهری

زندگی‌نامه و اندیشه‌های

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : زندگی نامه و اندیشه های استاد شهید مرتضی مطهری/حسین اسحاقی ؛ تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

مشخصات نشر : قم: دفتر عقل،مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، 1387ش.

مشخصات ظاهری : 136ص.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ 323

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

شماره کتابشناسی ملی : 1688143

ص:1

اشاره

ص:2

زندگی نامه و اندیشه های استاد شهید مرتضی مطهری

کد: 323

نویسنده: سیدحسین اسحاقی

ویراستار: ابوذر هدایتی

تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ناشر: دفتر عقل

چاپ: زلال کوثر

نوبت چاپ: اول / 1387

شمارگان: 1400

بها: 17000 ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

تلفن: 2919670 _ 0251 نمابر: 2915510

تهران: جام جم، ساختمان شهید رهبر، طبقه زیرزمین

تلفن: 22014738 نمابر: 22164990

پست الکترونیکی: Email: info@irc.ir سایت اینترنتی: www.irc.ir

شابک: 0-89-2761-964-978ISBN: 978-964-2761-89-0 \

فهرست مطالب

ص:5

ص:6

ص:8

ص:9

ص:10

ص:11

دیباچه

در طول تاریخ زندگی بشر، چهره های درخشانی ظهور کرده اند که همچون مشعل فروزان، فرا راه زندگی مردمان را روشن ساخته و آنان را به سوی هدف های متعالی رهنمون شده اند. مردان بزرگی در بستر تاریخ به پاخاسته و با هموار ساختن مسیر تکامل انسان، پرچم کرامت و عزت انسانی را بر فراز قله های دانش و ایمان به اهتزاز درآورده اند.

آشنایی با شیوه زندگی مردان بزرگ، انسان را در پیمودن راه کمال و فضیلت، مصمم می سازد و پویندگان راه انسانی زیستن را همتی بلند می بخشد تا راه سلوک خالصانه آنان را بپیمایند. یکی از این بزرگ مردان، استاد مرتضی مطهری، فرزند راستین اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است که هم عزت خون شهیدان راه حق را پشتوانه شخصیت کم نظیر خود داشت و هم کرامت اندیشه و قلم علمای ربانی را. بنابراین، شایسته است جنبه های وجودی او، در مقام شخصیتی اسلامی و انسانی بررسی شود؛ زیرا جامعه

اسلامی، قدردان شخصیت علمی، فرهنگی و نقش تاریخی وی است و جا دارد با موشکافی همه جانبه زندگی این استاد فرزانه، زمینه شناخت او و پیروی از این اسوه علم و تقوا برای همگان فراهم آید. این نوشتار می کوشد تا گام های نخستین را به این منظور بردارد. در پایان، از پژوهشگران ارجمند جناب آقای اسماعیل پرور و آقای سیدحسین اسحاقی که در تهیه و تنظیم نوشتار حاضر کوشیده اند، سپاس گزاریم و امید است از مطالب این مجموعه، برنامه ریزان و برنامه سازان در تهیه برنامه هایشان بهره گیرند.

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

گروه تاریخ و مناسبت ها

اداره کل پژوهش

پیش گفتار

امروز در شرایطی که انقلاب اسلامی ایران در آستانه چهارمین دهه حیات طیبه خود قرار دارد، برای پاسداری از این حرکت بزرگ الهی و حفظ دست آوردهای ارزشی آن، بیش از هر چیز باید به تبیین «مبانی فرهنگی و ریشه های عقیدتی و مکتبی» این انقلاب اندیشید و برای آشنایی نسل جوان با این مبانی و علل واقعی پیدایش این نهضت بزرگ اسلامی تلاش کرد. بدون تردید تا زمانی که گرایش به اسلام و ارزش های والای آن، فضای سیاسی _ اجتماعی جامعه را فرا گرفته و معنویت و اخلاق اسلامی، رنگ و بوی الهی به این فضا بخشیده باشد، جریان توفنده انقلاب از هر خطر و آسیبی در امان خواهد ماند. در مقابل، هر زمان که مردم به ویژه جوانان در وجود خود، نوعی بیگانگی با ارزش های دینی احساس کنند و گرایش آنان به اصول مکتب، کم رنگ شود، باید نخستین نشانه های خمودگی انقلاب را به تماشا نشست.

تبیین مبانی فکری و ریشه های عقیدتی و مکتبی انقلاب، به شناخت کامل شخصیت ها و عالمان بزرگ و مجاهدی بستگی دارد که برای

استخراج و استنباط این مبانی از منابع نورانی دین یعنی قرآن و احادیث معصومان علیهم السلام، در تلاشی شبانه روزی، عمر خود را به پژوهش در حوزه های علوم دینی گذرانده اند؛ آنها که به فرموده امام خمینی رحمه الله :

در طول تاریخ اسلام و تشیع، مهم ترین پایگاه اسلام در برابر حملات و انحرافات و کجروی ها بوده و در همه عمر خود تلاش نموده اند تا مسائل حلال و حرام الهی را بدون دخل و تصرف ترویج نمایند.(1) آنان که تا کشف حقیقت تفقّه به پیش تاختند و برای قوم و ملت خود منذران صادقی شدند که بند بند حدیث صداقتشان را قطرات خون و قطعات پاره پاره پیکرشان گواهی کرده است. آن حماسه سازان همیشه جاوید روحانیت که رساله عملیه خود را به دم شهادت و مرکب خون نوشته اند و بر منبر هدایت و وعظ و خطابه به ناس، از شمع حیاتشان، گوهر شب چراغ ساخته اند.(2)

بر این اساس، برای پاسداری از انقلاب و حفظ دست آوردهای ارزشی آن باید حماسه سازان علمی و فرهنگی این انقلاب را به خوبی شناخت و همراه با محصولات فکری و آثار پژوهشی شان، به نسل فعال و جوان کشور معرفی کرد. در این میان، شناخت ابعاد وجودی و معرفی آثار و دیدگاه های استاد بزرگوار و عالم مجاهد، شهید مرتضی مطهری می تواند گامی اساسی در این راه باشد.

بنا به گفته همه تاریخ شناسان انقلاب به ویژه رهبر فرزانه و معظم مان، استاد مرتضی مطهری از معدود شخصیت هایی است که آثار گران مایه او،

1- . صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی رحمه الله، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، 1361، ج 7، ص 273.

2- . صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی رحمه الله، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، 1361، ج 7، ص 274.

مبنای فکری نظام جمهوری اسلامی به شمار می رود و قلم و زبان او آموزنده و روح بخش است. موعظه ها، ارشادها و دیدگاه های علمی و نظری اش که از قلبی سرشار از ایمان و عقیده به خدا برخاسته، برای همه گروه های مردم، سودمند و باارزش است.

این عالم دین شناس و دردآشنا که بسیار فراتر از زمان خود می اندیشید، در طول عمر با برکت خویش، با بهره گیری از ره توشه های اسلام ناب، تحلیل های علمی، سیاسی و اجتماعی راه گشایی به جامعه علم و اندیشه پیش کش کرد که زمینه های ایجاد تحول بزرگ اجتماعی را فراهم ساخت و جامعه دینی را از یک سونگری، سطحی نگری، تعصب های بی جا و سستی و بی توجهی نجات داد. در نهایت نیز ظرفیت عمومی مردم را برای همراهی با امام امت و پی گیری جدی تر هدف ها و آرمان های مقدس انقلاب بیشتر کرد.

شایسته است که امروز بار دیگر توصیه امام راحل درباره ایشان را در نظر آوریم که فرمود:

من به دانشجویان و طبقه روشن فکران متعهد توصیه می کنم که کتاب های این استاد عزیز را نگذارند با دسیسه های غیراسلامی فراموش شود. (1)

در حال حاضر، ثمره زندگی علمی و معنوی شهید مطهری در فضای علمی و فرهنگی جامعه ما به خوبی محسوس است و بسیاری از استادان، دانشجویان و طلاب علوم دینی، در راه آشنایی با مبانی فکری و دیدگاه های

1- . صحیفه نور، ج 12، ص 188.

فلسفی، کلامی، اخلاقی و اجتماعی استاد و ترویج اندیشه های انقلابی اش می کوشند. در شرایط کنونی که جامعه ما با برخی چالش های فکری روبه رو است، بیش از پیش به آشنایی با دیدگاه های این فیلسوف عالی مقام و عالم متعهد و دردآشنا نیاز داریم تا به این وسیله، ریشه های واقعی انقلاب را بهتر بشناسیم و در پاسداری از آرمان های مقدس انقلاب و تداوم بخشیدن به این حرکت بزرگ اسلامی موفق تر باشیم.

نوشتار حاضر نیز با همین هدف، زندگی شهید مرتضی مطهری را از جنبه های گوناگون شرح می دهد و نظر بزرگان را درباره این شخصیت وارسته، همراه با آثار قلمی، علل شهادت و برخی خاطره های شنیدنی از آن شهید عزیز به مشتاقان تقدیم می کند.

فصل اول: زندگی استاد

1. ولادت

در سیزدهم بهمن 1298 خورشیدی، در روستای فریمان از استان خراسان، در خانواده ای مذهبی، کودکی دیده به جهان گشود که تقدیر الهی بر آن بود تا کوکب هدایتی شود در شب جهل و ظلمت. او بعدها راهنمای حقیقت جویان و حق پرستان شد و در تاریک ترین دورانی که از همه سو به اسلام یورش آورده بودند، به پاسداری از دین خدا برخاست. این ستاره درخشان هدایت را که در خانواده شیخ محمد حسین مطهری طلوع کرد، «مرتضی» نام نهادند تا حکایتگر روش پسندیده او در زندگی باشد.

2. کودکی و نوجوانی

مرتضی را در پنج سالگی برای فراگیری قرآن و دیگر آموزش های ابتدایی، به مکتب خانه فرستادند. از علاقه زیاد او به مکتب خانه نقل شده است که در شبی مهتابی، نزدیک صبح به خیال اینکه صبح شده است، دفتر و کتاب خود را برمی دارد و به سوی مکتب خانه حرکت می کند و چون مکتب خانه بسته است، پشت در آن به خواب می رود.

در حدود دوازده سالگی، شور و عشق و علاقه اش به اسلام و علوم دینی، او را به رفتن به حوزه مصمم می سازد. ناصحان دنیابین و به اصطلاح خیرخواهان، به پند و اندرز او می پردازند تا او را از این اندیشه منصرف سازند؛ غافل از اینکه دست دیگری در کار است. اصرار او بر تصمیم خویش و حمایت های پدر و دایی اش، بر رأی دیگران چیره شد و با رضایت آنها، پای در این راه خطیر نهاد.

مرتضی مطهری در سال 1311 هنگامی که سیزده ساله بود، وارد حوزه علمیه مشهد شد و تحصیل مقدمات علوم دینی را آغاز کرد. از همان اوان ورود به حوزه، اندیشه های خداشناسی، سخت او را به خود مشغول ساخت، به گونه ای که خواب و استراحت را از او گرفته بود. خود وی دراین باره می گوید:

تا آنجا که من از تحولات روحی خودم به یاد دارم، از سیزده سالگی این دغدغه در من پیدا شد و حساسیت عجیبی نسبت به مسائل مربوط به خدا پیدا کرده بودم. پرسش ها البته متناسب با سطح فکری آن دوره، یکی پس از دیگری بر اندیشه ام هجوم می آورد. چنان در این اندیشه ها غرق بودم که شدیدا میل به تنهایی در من پدید آمده بود. در آن وقت نمی خواستم در ساعات فراغت، به موضوع دیگری بیندیشم. در واقع، اندیشه در موضوع دیگر را پیش از آنکه مشکلاتم در این مسائل حل گردد، بیهوده و اتلاف وقت می شمردم. (1)

1- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری به روایت جمعی از یاران و فضلا، تهران، نشر ذاکر، 1366، ج 1، 2 و 3، ص 12.

مطهری از همان ابتدا علاقه شدیدی به فلسفه داشت و هدف خود را بررسی اندیشه فیلسوفان و اندیشمندان قرار داد. ایشان دراین باره می گوید:

مقدمات عربی یا فقهی و اصولی و منطقی را از آن جهت می آموختم که تدریجا آماده برای اندیشه فیلسوفان بزرگ در این مسئله بشوم. دقیقا به یاد دارم که در آن سنین که میان سیزده تا پانزده سال بود، در میان آن همه علما و فضلا و مدرسین حوزه علمیه مشهد، فردی که بیش از همه در نظرم بزرگ جلوه می نمود و دوست داشتم به چهره اش بنگرم و در مجلسش بنشینم و قیافه و حرکاتش را زیرنظر بگیرم و آرزو می کردم که روزی به پای درسش بنشینم، مرحوم «آقامیرزامهدی شهیدی رضوی»، مدرس فلسفه الهی در آن حوزه بود. آن آرزو محقق نشد؛ زیرا آن مرحوم در همان سال ها درگذشت. (1)

3. ورود به حوزه علمیه قم

مرتضی مطهری پس از حدود چهار سال تحصیل در حوزه علمیه مشهد، در سال 1315 راهی حوزه علمیه قم شد و با کسب فیض از محضر استادان بزرگ، بر اندوخته علمی و معنوی خود افزود و تحصیلاتش را در علوم و فنون مختلف اسلامی ادامه داد. یکی از عوامل مهم در شکل گیری شخصیت استاد مطهری، بهره مندی ایشان از نعمت وجود استادان عالی مرتبه است. وی در فقه و اصول، شاگرد آیت اللّه بروجردی بود و درس اخلاق را نیز نزد امام خمینی رحمه الله آموخت. او درباره درس اخلاق امام خمینی رحمه الله می فرماید:

درس اخلاقی که به وسیله شخصیت محبوبم گفته می شد [و] درحقیقت، درس معارف و سیروسلوک بود، نه اخلاق به مفهوم خشک علمی؛ مرا

1- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری به روایت جمعی از یاران و فضلا، تهران، نشر ذاکر، 1366، ج 1، 2 و 3، صص 16 و 17.

سرمست می کرد. بخش مهمی از شخصیت فکری و روحی من در آن درس و سپس در درس های دیگری که در طی دوازده سال از آن استاد الهی فرا گرفتم، انعقاد یافت و همواره خود را مدیون او دانسته و می دانم. راستی که او «روح قدسی الهی» بود.(1)

فلسفه را نزد علامه طباطبایی رحمه الله فرا گرفت و از محضر بزرگانی چون حاج میرزا علی آقای شیرازی و آیت اللّه سیدمحمد محقق داماد و آیت اللّه حجت تبریزی رحمه الله بهره برد.

مطهری پس از شانزده سال حضور در حوزه علمیه قم، به دلیل مشکلات زندگی به تهران بازگشت. وجود ایشان در تهران نیز منبع فیض و سبب نشر معارف اسلامی در محیط دانشگاه شد.

4. شروع فعالیت های علمی استاد در دانشگاه

استاد مطهری در سال 1331 از قم به تهران رفت و فعالیت های علمی خود را از همین سال آغاز کرد. نخست به تدریس در مدرسه سپهسالار پرداخت.(2) آن گاه به مدرسه مروی رفت که تدریس ایشان در این مدرسه، تا سه سال پیش از شهادت ادامه داشت.

یک سال پس از ورود به تهران، کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم را نگاشت که نقش این کتاب در خنثی کردن تبلیغات مارکسیستی حزب توده در آن زمان، بر کسی پوشیده نیست. پس از چندی نیز کتاب داستان راستان را

1- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری به روایت جمعی از یاران و فضلا، تهران، نشر ذاکر، 1366، ج 1، 2 و 3، صص 18 و 19.
2- . امروز به نام خود ایشان است.

منتشر کرد.

استاد فعالیت علمی خود را از سال 1334 در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران آغاز کرد و تدریسش را با وجود مشکلاتی که رژیم شاه و برخی استادان وابسته برای ایشان به وجود می آوردند، به مدت بیست و دو سال ادامه داد.

5. پیشینه مبارزاتی استاد

استاد با مجامع اسلامی و کانون های مذهبی مانند انجمن اسلامی مهندسان، انجمن اسلامی پزشکان و انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران که تازه تأسیس شده بوده اند، همکاری می کرد و حتی در تأسیس برخی از آنها نقش داشت.

استاد در جریان قیام 15 خرداد 1342، به علت ارتباط نزدیک با گروه های مختلف جامعه، به هدایت قیام مردم تهران پرداخت. رژیم به دنبال سخنرانی مطهری بر ضد شخص شاه در شب پانزده خرداد، ایشان را در همان شب دستگیر و زندانی کرد. به دنبال فشار علما و مردم بر رژیم، دولت مجبور شد ایشان را پس از 43 روز آزاد کند.

پس از جریان 15 خرداد و آزادی امام خمینی و استاد مطهری و دیگر علما، هیئت های مؤتلفه اسلامی پدید آمدند. هیئت های مؤتلفه شامل هیئت های مذهبی بود و از نیروهای مخلص، فداکار و تابع ولی فقیه تشکیل شده بود که از امام خمینی رحمه الله خواسته بودند برای هدایتشان در فکر و عمل، نمایندگانی معیّن کند. حضرت امام نیز استاد مطهری را که از قبل با این هیئت ها مرتبط بود، به عنوان یکی از نمایندگان خود معرفی کرد. تأکید

استاد بر این بود که این هیئت ها از نظر فکری و آشنایی با معارف اسلامی، درست پرورش یابند. به همین دلیل، کلاس هایی را برای آموزش آنها، از آن جمله درباره سرنوشت و قضا و قدر برپا کرد که نتیجه آن، بعدها به صورت کتاب انسان و سرنوشت منتشر شد.

همچنین، استاد مطهری را باید از پیش تازان مبارزه با صهیونیسم در ایران دانست. سخنرانی های آتشین و اثرگذار ایشان بر ضد صهیونیسم و دعوت مسلمانان به یاری رساندن به ملت مظلوم فلسطین، هنوز در گوش ها طنین انداز است. استاد چنان با صهیونیست ها مخالف بود که در هر زمان مناسب، فریاد حق طلبانه خویش را در این مورد سر می داد. نطق تاریخی استاد بر ضد صهیونیسم در عاشورای سال 1390 ه . ق (اسفند 1348) در حسینیه ارشاد که به دستگیری ایشان انجامید، فراموش ناشدنی است. وی در بخشی از این سخنرانی می گوید:

یکی از قضایایی که کارنامه قرن ما را تاریک می کند، این قرنی که به دروغ، نام حقوق بشر، نام آزادی و نام انسانیت بر آن گذاشته اند، همین قضیه فلسطین است. این یک مسئله دودوتا چهارتاست و اگر کسی نگوید، گناه کرده است. من اگر نگویم، والله مرتکب کبیره شده ام و هر خطیب و واعظی اگر نگوید، مرتکب گناه شده است. گذشته از جنبه اسلامی، قضیه فلسطین مربوط به یک ملت است که به زور از خانه اش بیرون شده است. (1)

6. تلاش های فرهنگی و اجتماعی

با تبعید امام خمینی رحمه الله به ترکیه و وحشت شدیدی که از سرکوب قیام

1- . مرتضی مطهری، حماسه حسینی، تهران، صدرا، 1363، ج 2، ص 166.

15 خرداد در دل مردم افتاده بود، استاد مطهری به فکر زمینه چینی برای حرکت های بعدی افتاد. بنابراین، به تدوین ایدئولوژی اسلامی به زبان روز و به صورت متقن پرداخت و به نیروسازی برای نهضت اسلامی همت گماشت. ایشان در این راه، مردانه وارد میدان شد و سخنرانی های خود را در مجامع اسلامی اعم از مسجدها و انجمن های اسلامی مهندسان، پزشکان و دانشجویان افزایش داد. موضوع های این سخنرانی ها نیز به گونه ای انتخاب شده بود که هر یک، مشکلی از مشکلات فکری جامعه را حل کند و گوشه ای از چهره زیبای اسلام را نمایان سازد. هدف استاد از راه اندازی این سلسله فعالیت ها، نشان دادن چهره واقعی اسلام به مردم و محکم کردن پایه های فکری انقلاب بود.

استاد مطهری در سال 1346 با همکاری عده ای دیگر، مؤسسه «حسینیه ارشاد» را پی ریزی کرد. این مؤسسه، پایگاه خوبی برای آشنا کردن مردم به ویژه نسل جوان با اسلام راستین و کارهای فرهنگی موردنظر استاد بود. او به آینده درخشان و نتایج شگفت این مؤسسه برای زمینه سازی ظهور انقلاب اسلامی، سخت دل بسته بود. با این حال، آرزوهای استاد برآورده نشد و وی به دلیل برخی مشکلات، سرانجام در سال 1347 مجبور به استعفا از هیئت مدیره مؤسسه شد. نتیجه همکاری ایشان با حسینیه ارشاد، مجموعه سخنرانی هایی است که بعدها به کتاب هایی چون عدل الهی، خدمات متقابل اسلام و ایران و جاذبه و دافعه علی علیه السلام تبدیل شد. همچنین، بخش زیادی از کتاب های حماسه حسینی و گفتارهای معنوی، متن سخنرانی های استاد در حسینیه ارشاد است که پس از شهادت ایشان به چاپ رسید.

استاد در سال 1348، سخنرانی هایی را در انجمن اسلامی پزشکان ایراد کرد که حاصل آن، کتاب مسئله حجاب است. همچنین، مطالب کتاب های علل گرایش به مادی گری، امدادهای غیبی در زندگی بشر و سیری در نهج البلاغه، سخنرانی هایی بود که استاد در مجامع مختلف بیان کرده بود و بعدها گردآوری و منتشر شد.

رژیم شاه، حسینیه ارشاد را در سال 1350 تعطیل کرد و هر چند استاد مطهری از عضویت در هیئت مدیره این مؤسسه استعفا داده بود، دستگیر و چند روز زندانی شد. بعد از تعطیلی حسینیه ارشاد، پایگاه استاد به مسجد «الجواد» منتقل شد. ایشان اداره و امامت جماعت این مسجد را بر عهده گرفت و نشست های تفسیر قرآن و بحث های علمی دیگر را در آن برپا می کرد. پس از چندی رژیم شاه مسجد الجواد را تعطیل کرد و استاد سخنرانی های خود را بیشتر در مسجد «جاوید» و مسجد «ارک» برگزار می کرد. کتاب انسان کامل، محصول سخنرانی های ایشان در مسجد جاوید تهران است. سرانجام، رژیم، استاد را در سال 1354 ممنوع المنبر کرد.

از رخ دادهای مهم سال 1350 در زندگانی استاد مطهری، آغاز پیوند عرفانی ایشان با آیت الله سید محمدحسین تهرانی، صاحب کتاب امام شناسی است. استاد ده سال از آیت الله تهرانی بزرگ تر بود، ولی ایشان را به عنوان پیر طریقت و مربی نفس می شناخت و برای خودسازی، از ایشان مدد می گرفت و این پیوند تا هنگام شهادت استاد ادامه داشت. درسی که باید از این عمل استاد بیاموزیم، این است که انسان همیشه باید به خودسازی بپردازد و استاد شهید که از محضر استادان بزرگی بهره برده بود، باز در 52

سالگی خود را در اختیار طایر قدسی قرار می دهد و به خودسازی رو می آورد. البته شاید فشارهای روحی ناشی از مسائل حسینیه ارشاد نیز در این اقدام استاد مؤثر بوده باشد. به هر حال، استاد در یکی از نامه هایش می نویسد:

اضافه می کنم که الان در شرایط روحی متفاوتی با آن وقت هستم و تجربه های خاص هم دارم که در آن وقت نداشتم، اما شرایط روحی ام که میل ندارم با احدی در میان بگذارم، این است که در حال حاضر تمایل شدیدی در من پیدا شده به اینکه به روح خود بپردازم و خودم را اصلاح کنم و خودم را تحت تربیت روحی بعضی از افرادی که به آنها اعتقاد دارم قرار دهم و بدین جهت و برای اجرای چنین برنامه ای، نیاز شدیدی به آرامش دارم و مایل نیستم در کاری که برایم جنجال بیهوده، نه مبارزه منطقی که آن داستان دیگری است، داشته باشد، شرکت کنم.

7. درگیری های فکری استاد با گروه های انحرافی

تلاش های ایدئولوژیک استاد مطهری، در سال 1354 دوچندان می شود. در این سال «سازمان مجاهدین خلق ایران» که ایدئولوژی خود را بیشتر بر پایه جدایی از روحانیت گذاشته بود، ظهور کرد. دیدگاه این سازمان، تنها بر پایه جهان بینی به ظاهر علمی استوار بود و محروم از جهان بینی فلسفی و الهی بود. استاد مطهری در ابتدای پیدایش این سازمان، ایدئولوژی و اندیشه های آن را ساختگی و مباین با اسلام ارزیابی کرد و از انحراف بیشتر فکری و عملی آنها در آینده خبر داد. به دلیل ضعف اندیشه فلسفی سران این سازمان، کم کم گرایش به مارکسیسم در افراد آن دیده شد. در این زمان

استاد شهید به شدت از آینده نهضت اسلامی هراسان بود که مبادا تلاش های ملت مسلمان به سود کمونیست ها تمام شود و خون مبارزان مسلمان، درخت حکومت کمونیستی را آبیاری کند. بنابراین، برای خنثی سازی القائات مسموم آنها کوشید. سرانجام، پیش بینی استاد درباره سازمان یاد شده تحقق یافت و آن سازمان در سال 1354 با چاپ کتابی به نام مواضع ایدئولوژیک تغییر ایدئولوژی خود را از اسلام به مارکسیسم به طور رسمی اعلام کرد. ازاین رو، استاد مطهری تلاش های ایدئولوژیک خود را با نوشتن کتاب و برگزاری نشست های درس فلسفه اقتصاد و فلسفه تاریخ در خانه خود و بر پایی جلسه های پراکنده بیشتر کرد و وظیفه خود را در ارائه ایدئولوژی اسلامی به زبان روز و در امان داشتن انقلاب اسلامی از کج روی ها، به خوبی به انجام رساند.

در سال 1355، رژیم شاه، استاد را به بهانه درگیری با استاد کمونیست دانشکده الهیات، بازنشسته و ایشان را از رفتن به دانشگاه محروم کرد.

ذکر خدمات استاد شهید مطهری در دانشکده الهیات، فرصتی بسیار را می طلبد، ولی همین قدر می توان اشاره کرد که آمدن استاد از حوزه علمیه قم به دانشکده الهیات، درحالی که استاد مبرز حوزه به شمار می رفت و سخن از مرجعیت ایشان در آینده بود، گویای بزرگی روح استاد و فداکاری بزرگ ایشان است. استاد شهید برای آنکه با نسل جوان پیوند داشته باشد و رسالت خود در زمینه اصلاح جامعه را به انجام برساند، از مقام ها گذشت و به تدریس پرداخت. می گویند استاد هیچ اصراری بر تدریس در دوره های عالی نداشت و درحالی که برخی شاگردانش در دوره های فوق لیسانس و دکترا

تدریس می کردند، ایشان برای نیرومند کردن پایه های فکری دانشجویان، در سال های اول و دوم دوره لیسانس تدریس می کرد.

به هر حال، افراد بسیاری در این دانشکده به همت آن استاد فرزانه تربیت شدند و 22 رساله دکترا و بیست رساله فوق لیسانس، به راهنمایی و همکاری استاد گردآوری شد. از افراد مشهوری که رساله دکترای خود را زیرنظر استاد شهید نوشتند، می توان شهید دکتر بهشتی و شهید دکتر باهنر را نام برد.

8. فعالیت های سیاسی و گسترش ارتباط ایشان با امام خمینی رحمه الله

در تمام مدتی که امام خمینی رحمه الله در تبعید به سر می برد، استاد مطهری پیوند خود را با امام حفظ کرده بود و بارزترین نماینده امام در ایران به شمار می رفت. در سال 1355، پس از اینکه رژیم شاه ایشان را به دلیل درگیری با استاد کمونیست از رفتن به دانشگاه محروم کرد، استاد توانست با وجود مشکلات بسیار، خود را به نجف برساند و به دیدار امام برود و با ایشان درباره وضع حوزه علمیه قم و دیگر مسائل نهضت اسلامی سخن بگوید.

از رخ دادهای دیگر این سال در زندگانی استاد مطهری، بنیان گذاری «جامعه روحانیت مبارز تهران» با همکاری چند تن از روحانیان است. استاد احساس کرده بود که روحانیان تهران به تشکیلاتی نیاز دارند و بر این باور بود که این گونه تشکل ها باید در شهرستان ها نیز ایجاد شود.

پس از شهادت فرزند برومند امام، آیت الله حاج سید مصطفی خمینی و آغاز دوره جدید نهضت اسلامی، استاد مطهری فعالانه به عنوان بازوی توانای حضرت امام خمینی رحمه الله در داخل کشور، در پیشبرد این نهضت الهی کوشید. حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی دراین باره گفته است:

مرکز هدایت انقلاب در داخل کشور و هماهنگی آن با رهبری حضرت امام، منزل استاد مطهری بود. (1)

پس از اعتصاب کارکنان صنعت نفت و کمبود شدید مواد سوختی در کشور، طرح تأمین مواد سوختی را استاد مطهری به حضرت امام خمینی رحمه الله پیشنهاد کرد و امام پذیرفت که هیئتی برای مذاکره با کارکنان صنعت نفت به جنوب سفر کند.

این امر، از ابتکارهای استاد مطهری به شمار می رود. در آن روزها، حتی برخی انقلابیون نیز تحت تأثیر اندیشه های مارکسیستی، معتقد بودند برای آنکه مردم به نقطه انفجار برسند، بهتر است نفت داخلی تأمین نشود و این امر به سود نهضت اسلامی است. ولی استاد مطهری که اسلام شناسی حقیقی بود و کج روی فکری را به خوبی درک می کرد، این نظر را رد و چنین استدلال کرد:

اولاً انقلاب به معنی انفجار ارزشی ندارد، اگر آب وعلف یک گوسفند را هم ندهند، به دادوفریاد می پردازد. انقلابی ارزش دارد که از روی آگاهی و اراده باشد. انقلاب به معنی انفجار، همان است که موردنظر

1- . سایت تبیان: ww.tebyan.net/contemporary/2008/4/30/65188.html

مارکسیست هاست و ازاین رو، آنها هرگونه اصلاحی در اثنای انقلاب را مردود می شمارند و آن را سبب تأخیر در پیروزی انقلاب می دانند. انقلاب از نظر آنها مانند آن است که دیگ پر از آب دربسته ای را آن قدر حرارت بدهند تا فشار بخار آب موجب انفجار دیگ گردد؛ ثانیا در صورت تأمین نفت داخلی، رهبری امام جنبه اثباتی نیز به خود می گیرد و عملاً ایشان اداره کشور را به عهده می گیرند. به تعبیر دیگر تاکنون دستورهای امام جنبه نفی و تخریب وضع موجود را داشته است؛ ولی این اقدام سبب می شود رهبری ایشان جنبه اثباتی و ساختن نظام آینده و خارج کردن کار از دست رژیم شاه را نیز پیدا کند.

بنابراین استاد طرح مذکور و هیئتی را که می بایست به جنوب کشور سفر کنند، به حضرت امام پیشنهاد داد که امام پذیرفت. (1)

9. استادان شهید مطهری

از نوشته های استاد مطهری بر می آید که پدر پرهیزکار و بزرگوارشان، بنای استوار شخصیت ربانی ایشان را پی ریزی کرده است و پس از او، از محضر یازده نفر از عالمان راستین و فقیهان نامدار بهره فراوان برده است که عبارتند از:

1. رهبر انقلاب، امام خمینی رحمه الله

2. آیت الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی رحمه الله

3. علامه طباطبایی رحمه الله

4. آیت الله میرزا علی آقا شیرازی

1- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، صص 148 و 149.

ص:31

5. آیت الله محمدتقی خوانساری

6 . آیت الله سید محمد حجت

7. آیت الله سید صدرالدین صدر

8 . آیت الله محمد داماد

9. آیت الله میرزا مهدی آشتیانی

10. آیت الله حاج آقا حسین بروجردی

11. آیت الله سید احمد خوانساری

استاد مطهری در گفتار و آثار خود عمده آموزه ها و پیشرفت های خود را مدیون پدر بزرگوار، رهبر فقید انقلاب، علامه طباطبایی، آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله شیرازی می دانست و بارها به نیکی از آنان یاد می کرد. (1)

10. نگاشته ها و آثار تألیفی استاد

اشاره

استاد شهیدمرتضی مطهری، در طول عمر گران مایه و پربرکت خویش، آثار و تألیف های بسیاری بر جای گذاشت. نکته مهم درباره این آثار، گستردگی دامنه مباحث طرح شده در آنهاست که همچون شخصیت خود استاد، جنبه های گوناگون دارد و هیچ گاه به موضوع ویژه ای محدود نشده است.

استاد همواره کوشید تا مقتضیات زمان و نیازهای مخاطبان و به ویژه نسل جوان را در نظر بگیرد و همانند فرمانده باتجربه ای که در میدان جنگ به سر می برد، روش عملکرد و شکل فعالیت های علمی و فرهنگی خود را

1- . کریم جوانشیر، نامداران راحل، تبریز، اختر، 1379، ص 260.

متناسب با شیوه های هجوم دشمن و با هدف دفاع از مرزهای عقیده و اندیشه های ناب اسلامی، رسم کند. بنابراین، در آثار تألیفی این دانشمند بزرگ اسلامی، هم کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم به چشم می خورد که به منظور تبیین مبانی ژرف و بسیار سنگین فلسفه اسلامی نوشته و هم کتاب داستان راستان که در شرایط فرهنگی بسیار دشوار آن روز، برای تغذیه فکری کودکان و نوجوانان مسلمان نگاشته شده است.

به بیان دیگر، شهید مطهری پیش از آنکه خود را وقف رشته خاص علمی، مانند فلسفه، کلام یا علوم تاریخی کند، به گسترش و تکامل اندیشه های مسلمانان و نیازمندی های علمی جامعه اسلامی می اندیشید و گام برداشتن در راه رشد و بالندگی فکری و اخلاقی جوانان مسلمان و مبارزه با تهاجم فرهنگی و شبهه های عقیدتی روز را در صدر همت خود قرار داده بود.

البته نباید فراموش کرد که آگاهی کامل و چیرگی استاد بر دانش های گوناگون اسلامی و آشنایی با فضای علمی حاکم بر دانشگاه ها، به همراه عامل های دیگری چون شوق و علاقه و پشتکار وصف ناشدنی ایشان و از همه مهم تر الطاف ویژه الهی که بر زندگی وی به روشنی اثر گذاشته بود، این امکان را برای استاد فراهم ساخت که در همه جبهه های علمی و فرهنگی آن زمان به طور جدی حضور یابد و خدمات ارزنده خود را به جهان اسلام عرضه کند. (1)

1- . استاد، خود دراین باره می گوید: «این بنده از حدود بیست سال پیش که قلم به دست گرفته و مقاله یا کتاب نوشته ام، تنها چیزی که در همه نوشته هایم آن را هدف قرار داده ام، حل مشکلات و پاسخ گویی به سؤالاتی است که در زمینه مسائل اسلامی در عصر ما مطرح است. نوشته های این بنده برخی فلسفی، برخی اجتماعی، برخی اخلاقی، برخی فقهی و برخی تاریخی است. با اینکه موضوعات این نوشته ها کاملاً با یکدیگر مغایر است، هدف کلی از اینها یک چیز بوده و بس. دین مقدس اسلام در حال حاضر بیش از هر چیز دیگر از ناحیه برخی از کسانی که مدعی حمایت از آن هستند، ضربه و صدمه می بینند. هجوم استعمار غربی با عوامل مرئی و نامرئی اش از یک طرف و قصور یا تقصیر بسیاری از مدعیان حمایت از اسلام در این عصر از طرف دیگر، سبب شده که

اندیشه های اسلامی در زمینه های مختلف، از اصول گرفته تا فروع، مورد هجوم و حمله قرار گیرد. بدین سبب، این بنده وظیفه خود دیده است که در حدود توانایی، در این میدان انجام وظیفه نماید.» مرتضی مطهری، عدل الهی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1365، ص 14 چ قدیم، صص 8 و 9.

مجموعه این عوامل سبب شده تا شمار آثار نگارشی و تألیفی استاد که تاکنون بیشتر آنها چندین بار چاپ شده است، به ده ها جلد برسد. شماری از این کتاب ها چون نظام حقوق زن در اسلام یا کتاب مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی و نیز برخی کتاب های دیگر را به قلم خود ایشان است و مطالب برخی دیگر مانند کتاب علل گرایش به مادی گری، امدادهای غیبی در زندگی بشر و سیری در نهج البلاغه، از سخنرانی هایی بود که نخست در مجامع گوناگون انجام شده، سپس استاد به تنظیم و چاپ آنها همت گماشته است.

در ادامه برای آشنایی بیشتر با آثار استاد، برخی از کتاب های ایشان را به اختصار معرفی می کنیم.

الف) دسته بندی آثار استاد

یک _ فلسفی، کلامی، عقیدتی

این دسته آثار از نظر تعداد و محتوا مهم ترین آثار استاد مطهری را تشکیل می دهد و بدون اینکه درباره محتوای آنها بحث کنیم، آنها را برمی شماریم:

الف) مقدمه و حواشی و تعلقیات بر پنج جلد کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم، اثر: حضرت علامه طباطبایی رحمه الله ؛

ب) عدل الهی؛

ج) علل گرایش به مادی گری، به ضمیمه ماتریالیسم در ایران؛

د) مقدمه ای بر جهان بینی، شامل بخش های انسان و ایمان، جهان بینی توحیدی، وحی و نبوت، انسان در قرآن، جامعه و تاریخ؛ امامت و رهبری، زندگی جاوید یا حیات اخروی (معاد)؛

ه) انسان و سرنوشت؛

و) مقاله های اصالت روح، توحید و تکامل، سعادت، تضاد در فلسفه اسلامی، سیر فلسفه در اسلام، امدادهای غیبی در زندگی بشر، پیامبر اُمّی.

دو_ روایی و قرآنی

الف) داستان راستان؛

ب) سیری در نهج البلاغه؛

ج) مقاله قرآن و حیات؛

د) تفسیر سوره های مختلف از قرآن.

سه _ تاریخی و ادبی

الف) خدمات متقابل اسلام و ایران؛

ب) عرفان حافظ.

چهار _ حقوقی، اجتماعی، اخلاقی

الف) نظام حقوق زن در اسلام؛

ب) مسئله حجاب؛

ج) مقاله هایی درباره مدیریت و رهبری در اسلام، رشد اسلامی، مشکل اساسی در سازمان روحانیت، الغدیر و وحدت اسلامی، امر به معروف، شهید، خورشید دین هرگز غروب نمی کند و تقوا.

پنج _ مقاله های اصولی و فقهی

الف) اصل اجتهاد در اسلام؛

ص:35

ب) حق عقل در اجتهاد؛

ج) مقام شیخ الطائفه در اجتهاد.

آثار استاد به موردهای یادشده محدود نیست و نام بردن همه تألیف های ایشان در این نوشتار ممکن نیست. او که با شهادتش جاوید است، با دانش و آثارش نیز جاوید خواهد ماند.

الف) انسان و سرنوشت

در سال های نخست مبارزه برضد رژیم ستم شاهی، مرحوم استاد مطهری و چند تن دیگر از شخصیت های روحانی، با اجازه امام خمینی رحمه الله هدایت و تغذیه فکری و معنوی هیئت های مؤتلفه اسلامی را به عهده گرفتند. کتاب انسان و سرنوشت محصول درس های ایدئولوژیک استاد در هیئت های مؤتلفه است که برای هدایت مبارزه در راه اسلام و دفع شبهه ها در زمینه سرنوشت و قضا و قدر، تأثیر بسیاری داشته و مقدمه آن نیز با نام «عظمت و انحطاط مسلمین»، بسیار پربار و راه گشاست.

ب) مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی

در این کتاب که برگزیده شش جلد است و هم زمان با اوج گیری نهضت شکوه مند اسلامی نوشته شده، بسیاری از لغزش گاه های فکری روشن فکران مسلمان به شکل دق_یق شرح و بیان شده است.

ج) نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر

این کتاب نیز ره آورد دوره اوج گیری نهضت اسلامی است. چاپ این کتاب که در روزهای فاجعه هفدهم شهریور صورت گرفت، خطرهای بسیاری را برای استاد به همراه داشت، ولی خوش بختانه چون در آن زمان

قدرت رژیم شاه رو به تحلیل بود، مشکلی برای ایشان پدید نیامد. در این کتاب ضمن تشریح نهضت های صدساله اخیر و بحث درباره ماهیت انقلاب اسلامی، اندیشه های انحرافی برخی روشن فکران و شبهه های آنها درباره رهبری نهضت، پاسخ داده شده است.

د) علل گرایش به مادی گری

این کتاب بحثی کلی درباره ریشه های تمایل به مادی گری است و اختصاص به گرایش به مارکسیسم ندارد. مقدمه چاپ هشتم این کتاب که با نام «ماتریالیسم در ایران»، در سال های آخر زندگی استاد به آن اضافه شده است، این ترفند مادیّون را که برخی شخصیت های بزرگ اسلامی چون حافظ را مادی گرا معرفی می کردند، آشکار ساخت و بطلان آن را به گونه ای مستدل بیان کرد. چاپ این کتاب، پی آمدهای سودمند فراوانی را به دنبال داشت و بسیاری از جوانان پاک دل را از گرداب هولناک ارتداد و گمراهی سیاسی رهاند.

ه_) اصول فلسفه و روش رئالیسم

این کتاب که شامل مقدمه و شرح و پانوشت برخی نوشته های علامه طباطبایی است، در اصل به منظور رد ماتریالیسم در ایران و خنثی کردن فعالیت های گسترده حزب توده، گردآوری شده است و مبانی فلسفه اسلامی را برای پژوهشگران و علاقه مندان شرح می دهد.

و) نظام حقوق زن در اسلام

علل گردآوری این کتاب به سال های 45 و 1344 باز می گردد. در آن زمان مقاله هایی در مجله زن روز منتشر شد که عواطف مردم دین دار را

جریحه دار و برخی خوانندگان را به اسلام بدبین کرد. استاد در آن روزها مقاله هایی را در پاسخ به این شبهه ها گرد آورد و در همان مجله چاپ کرد. چاپ این مقاله ها بازتاب اجتماعی بسیار سودمندی داشت و حتی سبب افزایش چشم گیر شمارگان آن مجله شد. جالب است که استاد با وجود مخالفت برخی افراد، اصرار داشت این پاسخ ها باید در همان مجله چاپ شود تا به دست خوانندگان آن مقاله های انتقادی برسد. بعدها این مقاله های استاد به صورت کتابی با نام نظام حقوق زن در اسلام چاپ شد.

استاد، خود درباره علل گردآوری و تنظیم این مقاله ها می نویسد:

در سال 1345 تب تعویض قوانین مدنی در مورد حقوق خانوادگی، در سطح مجلات، سخت بالا گرفت و نظر به اینکه بسیاری از پیشنهادهایی که می شد، بر ضد نصوص مسلّم قرآن بود، طبعا ناراحتی هایی در میان مسلمانان ایران به وجود آورد. مقارن همان ایام، یکی از مقامات محترم و مشهور روحانی تهران از من درخواست کردند که طی سلسله مقالاتی به مطالبی که مجله «زن روز» از قلم شخصی به نام مهدوی منتشر کرده بود، پاسخ دهم و قرار شد که مقالات این جانب و مقالات آقای مهدوی در کنار یکدیگر در آن مجله چاپ شود.

من قبلاً ضمن مطالعات خود درباره حقوق زن، کتابی از آقای مهدوی در رابطه با این موضوع خوانده بودم و مدت ها بود که به منطق او و امثال او آشنا بودم. به علاوه سال ها بود که حقوق زن در اسلام مورد علاقه شدید من بود و یادداشت های زیادی در این زمینه تهیه و آماده کرده بودم.

به هر حال مقالات مهدوی چاپ شد و این مقالات نیز رودرروی آنها قرار گرفت. طبعا من از موضوعی شروع کردم که مشارالیه بحث خود را شروع کرده بود. درج این سلسله مقالات مشارالیه را در مشکل سختی قرار داد؛ ولی شش هفته بیشتر طول نکشید که آقای مهدوی با سکته قلبی درگذشت و برای همیشه از پاسخ گویی راحت شد. در آن شش هفته این سلسله مقالات جای خود را باز کرد. علاقه مندان، هم از من و هم از مجله تقاضا

کردند که این سلسله مقالات مستقلاً ادامه یابد. با این تقاضاها موافقت شد و تا سی و سه مقاله ادامه یافت. (1)

ز) خدمات متقابل اسلام و ایران

این اثر یکی از ارزش مندترین کتاب های استاد است که در شرایط حساس زمان انقلاب و برای رویارویی با موج ملی گرایی و دیدگاه های غیرمنطقی کسانی که می کوشیدند مقاومت و واکنش هایی مخالف در برابر اسلام پدید آورند، نوشته شد. آنها مدعی بودند که اسلام به وسیله زور و از راه سرکوب آزاداندیشان در ایران رواج یافته است و استاد در این کتاب، پاسخ های مناسبی را به این شبهه می دهد.

استاد در همین باره، پس از معرفی دین اسلام به عنوان دین خاتم و نسخه کامل هدایت انسان ها، بر این نکته تأکید می کند که ملت ایران، مهم ترین ملت و ملیتی است که توانایی پذیرش و فهم کامل مکتب اسلام را دارد و در طول تاریخ نیز بیشترین فداکاری و جانبازی را در راه حفظ و گسترش این مکتب از خود نشان داده است.

ایشان با استناد تاریخی و علمی و به گونه ای کاملاً منطقی و به دور از تعصب، نمونه های مهمی از تأثیرهای عمیق دین اسلام در تحول جامعه ایرانی و همچنین خدمات متقابل و گران سنگ ایرانیان در تشکیل بنای عظیم تمدن اسلامی را مطرح می کند و افرادی را که می کوشیدند با جداسازی و اختلاف افکنی میان اسلام و ایران و گسترش نوعی ناسیونالیسم نژادپرستانه

1- . مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، 1369، صص 24، 25 و 26.

و البته به بهانه احیای آداب و رسوم منسوخ ایرانیان پیش از اسلام، فرهنگ شاهنشاهی را در این کشور گسترش دهند، بر ملا می سازد.

استاد در بخش هایی از این کتاب می نویسد:

تاریخ نشان می دهد که هرچه استقلال سیاسی ایرانیان بیشتر شده، اقبال آنها به معنویت و واقعیات اسلام نیز فزونی یافته است. شور و هیجانی که ایرانیان نسبت به اسلام و علوم اسلامی در طول چهارده قرن گذشته، حتی در دو قرن اول که سِر جان مِلکم انگلیسی نام آنها را «دو قرن سکوت» گذاشته است، نشان دادند، هم از نظر اسلام بی سابقه بود و هم از نظر ایران؛ یعنی نه ملت دیگری غیر از ملت ایران آن قدر شور و هیجان و عشق و خدمت نسبت به اسلام نشان داده است و نه ایرانیان در دوره دیگری و برای هدف دیگری، چه ملی و چه مذهبی، این قدر شور و هیجان نشان داده اند.(1)

ح) داستان راستان

کتاب داستان راستان، محصول تلاش های استاد در سال های اول ورود به تهران است. این کتاب در سال 1339 چاپ شد و در سال 1344، کمیسیون ملی یونسکو در ایران آن را برگزید و استاد، جایزه یونسکو را به دست آورد. چاپ چنین کتابی به همت استاد شهید با آن مقام علمی، بسیاری را شگفت زده کرد. استاد در مقدمه کتاب به این مسئله اشاره می کند:

در مدتی که مشغول نگارش یا چاپ این داستان ها بودم، بعضی دوستان ضمن تحسین و اعتراف به سودمندی این کتاب، از اینکه من کارهای به عقیده آنها مهم تر و لازم تر خود را موقتا کنار گذاشته و به این کار پرداخته ام، اظهار تأسف می کردند و ملامتم می کردند. حتی بعضی پیشنهاد کردند حالا که زحمت این کار را کشیده ای، پس لااقل به نام خودت

1- . مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم، صدرا، 1360، ص 110.

منتشر نکن! من گفتم: چرا! مگر چه عیبی دارد؟ گفتند: اثری که به نام تو منتشر می شود، لااقل باید در ردیف همان اصول فلسفه باشد؛ این کار برای تو کوچک است. گفتم: کوچک و بزرگی چیست؟ معلوم شد مقیاس بزرگی و کوچکی کار در نظر آقایان، مشکلی و سادگی آن است و کاری به اهمیت و بزرگی نتیجه کار ندارند. از دید آنها هر کاری که مشکل است، بزرگ است و هرکاری که ساده است، کوچک.

ب) ویژگی های آثار استاد

یک _ اسلامی بودن: وی همواره به اسلام می اندیشید. ازاین رو، همه آثار، حتی نوشته های فلسفی او اسلامی است. او همواره باتوجه به مکتب و ایدئولوژی اسلامی کتاب می نوشت. چه بسیار کسانی که همواره در راه اسلام سخن می گویند و کتاب می نویسند، ولی کار آنان مکتبی نیست و تجزیه و تحلیل هایشان به یک بینش ویژه مکتبی منتهی نمی شود.

دو _ هماهنگی با نیازها: او هیچ گاه از روی سرگرمی قلم به دست نگرفت، بلکه نیازها را می سنجید و بی جهت وقت صرف نمی کرد. اگر در جایی پاسخ گویی متفکران اسلامی را به نیاز روز، ناقص و ناکافی تشخیص می داد، به فکر چاره می افتاد. دکتر علی لاریجانی، دراین باره می گوید:

هیچ گاه قلم به دست نگرفت، مگر برای حل مشکلی از مشکلات اسلامی و معضلی از معضلات تفکر اسلامی که در مسیر حرکت ایجاد شده بود.

سه _ انقلابی و حماسه آفرین بودن: استاد مطهری انقلابی بود. نوشته هایش، حتی آثار فلسفی او تحلیل گر انقلاب و آرمان بخش و حماسه آفرین بود، نه انقلابی سیاسی و اجتماعی، بلکه انقلابی فکری و

مکتبی که خواننده بخواند و بفهمد و پس از فهمیدن در جهت انقلاب گام بردارد.

چهار _ تحقیقی بودن: ایشان تا زمانی که به طور دل خواه مسئله ای را با دلیل و برهان برای خود روشن نمی ساخت، آن را عرضه نمی کرد. در نوشتن و نشر، عجله به خرج نمی داد و بدون صرف وقت، به نظرات سطحی بسنده و اعتماد نمی کرد. بیشتر به منابع و مآخذ رجوع و پیش خودش تجزیه و تحلیل می کرد و مطلب را به صورت خام تحویل دیگران نمی داد. به همین دلیل، آثار او در مقایسه با آثار مشابه دیگران در سطح بالایی قرار دارد.

پنج _ جامع الاطراف بودن: ایشان اطراف و جوانب و نتایج و برداشت هایی را که ممکن بود از نوشته هایش شود، در نظر می گرفت و جای پرسش برای خواننده باقی نمی گذاشت.

شش _ در نظر گرفتن عواطف: هنگام انتقاد، احساسات و عواطف طرف مخالف را در نظر می گرفت و احتیاط لازم را در چگونگی طرح مسائل اصلاحی و انتقادی می کرد تا بیش از آنچه لازمه انتقاد سالم و سازنده است، با طرف مقابل برخورد پیدا نکند.

هفت _ سبک مناسب: عبارت ها و جمله ها در سراسر آثار استاد مطهری یک نواخت، یک دست، محکم، ساده و دل نشین است. از درازنویسی یا خلاصه گویی بی جا و به کاربردن الفاظ و اصطلاح های علمی نامفهوم برای خوانندگان، دوری و از واژه های عربی کم استفاده می کرد. از نظر نظم و ترتیب و فصل بندی و روش ورود به مطلب و خروج از آن، بسیار دقیق بود

و بهترین وجه را در نظر می گرفت. همان طور که در گزینش عنوان ها و نام کتاب ها ذوق و سلیقه کافی به کار رفته است.

هشت _ به کار بردن تعبیرات نو و ابتکاری: استاد مطهری، گاه گاه در تعبیرها، ابتکار و نوآوری هم داشت، مانند تعبیر عوام زدگی، ماتریالیسم منافق و... .

نه _ تنوع و در نظر گرفتن همه اقشار: کم رخ می داد نویسنده ای در رشته های گوناگون کتاب چاپ کند و در همه رشته ها توانا باشد. به گونه ای که نزد کارشناسان آن رشته از اعتبار و ارزش کافی برخوردار باشد. او همه طبقه ها و استعدادها را در نظر گرفته و برای همه گروه ها کتاب نوشته و به همین دلیل آثار او بسیار متنوع است. (1)

ده _ آگاهی به زمان: اصولاً کسی که خود را نگهبان عقیده می داند، باید بیدار باشد. عالمان که میراث دار رسالت بزرگ پیامبران الهی اند، درحقیقت مسئولیت هدایت و بیدار کردن چشمان و دل های خفته را به عهده دارند. در طول تاریخ، بزرگ ترین حرکت های آزادی بخش را عالمانی آفریده اند که افزون بر دانش و پرهیزکاری، به اوضاع زمان خود نیز آگاه بوده اند. ازاین رو، نه تنها حادثه های ناگهانی اجتماعی و سیاسی به آنان هجوم نمی آورد، بلکه آنان هم چون دیده بان مرزهای اندیشه و خرد، پیش از دیگر اعضای جامعه، تهاجم ها و خطرها را متوجه می شوند. شهید مطهری به مصیبت هایی که بر اثر سهل انگاری و بی توجهی جامعه علمی _ دینی نسبت به مسائل روز در

1- . با استفاده از کتاب های سرگذشت های ویژه، ج 3، صص 85_89 و سیمای استاد از صص 185_188.

تاریخ اسلام پیش آمده، کاملاً آگاه بود. ازاین رو، عنصر زمان شناسی در سیره علمی، فرهنگی آن استاد فرزانه کاملاً هویداست.

11. روش شناسی استاد در تدریس

استاد ویژگی هایی در امر تدریس داشت که عبارتند از:

الف) معمولاً پیش از ورود به اصل درس، مقدمه ای تاریخی بیان می کرد و با احاطه ای که به گفته های گذشتگان داشت، سیر تحول مفهومی را مطرح می کرد و ریشه و پیشینه مطلب را توضیح می داد تا شاگرد گمان نکند این بحث، بی سابقه است. ازاین رو، سرنوشت این بحث را در طول دوره ها مشخص می کرد.

ب) از آن جا که به منطق و فلسفه نیز تسلط کافی داشت، وارد هر بحثی که می شد، این توانایی منطقی و فلسفی را در روش عرضه کردن بحث نیز اعمال می کرد. ایشان در تنظیم شکل درس بسیار توانا بود.

ج) در تدریس، از موضوع اصلی درس خارج نمی شد و حد و مرز موضوع ها و مسائل را خوب می شناخت و یک مطلب را انتخاب می کرد و بیان همان را دنبال می کرد. گاهی هم که به موضوع دیگری استناد می کرد، آن استناد کاملاً بجا بود. در واقع ایشان بر دانسته های خود مدیریت داشت. این گونه نبود که حافظه، مزاحم کار ایشان شود و مطالب غیر لازم را بیان کند. نه تنها خودش این نکته را رعایت می کرد، اجازه نمی داد شاگردان با پرسش های خارج از موضوع، مسیر بحث را عوض کنند. گاهی که پرسش نامربوطی مطرح می شد، ایشان به پرسش توجه نمی کرد.

د) استاد مطهری در تفهیم مطلب، بسیار ورزیده بود و می توانست مطلب پیچیده ای را به صورت ساده بیان کنند. یکی از ویژگی های ایشان، توانایی در ساده نویسی و ساده گویی بود.

ه) بسیار با حرارت و جدی درس می داد. هنگام تدریس، با همه وجود سخن می گفت و با صدای بلند درس می داد. نتیجه این جدیت و صرف نیرو این بود که شاگرد هرگز مجلس درس ایشان را کسل کننده و یک نواخت نمی دید.

و) به دلیل آنکه با دانش خود واقعا زندگی می کرد و درخت دانش در عمق جان ایشان ریشه دوانیده بود، همیشه مانند باغبانی که به باغ خود رسیدگی می کند، به باغ ذهن خویش رسیدگی می کرد و آن را با طراوت و زنده نگه می داشت و به این جهت، درس ایشان همیشه نو بود. می کوشید مطالعه را قطع نکند و اگر با کتاب جدیدی روبه رو می شد، آن را مطالعه و همواره به مجله های گوناگون مراجعه می کرد. به ویژه به اندیشه های معاصران، بسیار توجه داشت و این ویژگی، درس ایشان را نو می ساخت.

ز) هنگام درس، به استادان خود بسیار احترام می گذاشت و پیوند معنوی میان استاد و شاگرد، به طور طبیعی در کلامش هویدا بود. از آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله با احترام یاد می کرد و نوبت به علامه طباطبایی رحمه الله که می رسید، آن چنان با عظمت از او یاد می کرد که گویی به علامه تعظیم می کند. از ایشان با عبارت «روحی له الفدا» یاد می کرد.

ح) از پیوند دانش ها و آموزه ها آگاه بود و هنگام درس، این پیوند را نشان می داد. اگر لازم بود، از چند جنبه به موضوع می پرداخت. این ارتباط

میان دانش های گوناگون، به بحث ایشان ویژگی چند بُعدی می بخشید و ذهن شنونده را نیز تربیت می کرد که بداند علوم، مانند اجزای یک پیکر با هم در ارتباطند. این ورزیدگی در کمتر کسی دیده می شود.

ط) بیشتر وقت ها، درس و بحث ایشان جهت دار بود، یعنی شاگرد می فهمید این بحث چه کاربردی دارد. این گونه نبود که بحث تنها به صورت لفظی جلوه گر شود. ایشان مطلب را به صورتی عنوان می کرد که افزون بر محتوای بحث، جهت بحث و پیوندش با مسائل دیگر نیز مشخص باشد. به شکلی که برای دانشجو و شاگرد، سؤال پچیده ای پیش نمی آید.

ی) مهم ترین ویژگی و یدر حوزه تدریس، تسلط علمی او بر بحث بود. مطلب درسی چکیده جان او بود، نه چسبیده به زبان او. وظیفه آموزگاران ما این است که بکوشند دانشمند باشند. البته هر دانشندی معلم نیست، ولی هیچ آموزگاری بدون دانش، آموزگار خوبی نمی شود.

مایه اصلی، همان چیرگی علمی وی بود. او تا آخر عمر همچنان طلبه و دانشجو ماند، به گونه ای که همیشه خودش مسائل جدید را مطرح می کرد و برای یافتن مسائل جدید، درست مثل دانشجویی که شب امتحان را می گذراند، به همان اندازه نگران و در تلاش بود و می کوشید با پیگیری و مطالعه بیشتر، به مطلب احاطه بیشتری پیدا کند. (1)

حضرت امام خمینی رحمه الله دراین باره می گوید:

این جانب نمی توانم احساسات و عواطف خود را نسبت به این شخصیت

1- _ نک: سرگذشت های ویژه، ج 3، صص 116 _ 130، با تلخیص و تصرف.

عزیز ابراز کنم. آنچه باید عرض کنم، درباره او این است که خدمت های ارزشمندی به اسلام و علم نمودکرد و موجب تأسف بسیار است که دست جنایت کاران، این درخت ثمربخش را از حوزه های علمی و اسلامی گرفت. (1)

استاد از چشمه دین به سرچشمه بقا راه یافت و در حق فنا شد و زندگانی جاودانه یافت.

1- _ نامداران راحل، ص 26.

فصل دوم: ویژگی ها و اقدامات مهم فکری و فرهنگی استاد مطهری

1. مطهری، ایدئولوگ انقلاب

شهید مطهری باور داشت که «عمل سیاسی» بدون پشتوانه «ایدئولوژیک» نتیجه مطلوب نخواهد داشت. ازاین رو، به موازات همکاری در فعالیت های پنهانی سیاسی، با سخنرانی های خود به روشنگری نسل جوان پرداخت و با آثار علمی، فلسفی و اجتماعی خود در تداوم و تکامل این روشنگری کوشید.

از ویژگی های بارز استاد اهمیت دادن به اندیشه ورزی بود. ایشان به مسئله فکر ارج می نهاد و یک اندیشمند واقعی بود و از هر فرصتی برای گسترش اندیشه بهره می برد. ایشان بر این باور بود که خودبزرگ نشان دادن، هنر نیست، نشر هدف مهم است؛ چه در قالب کتاب داستان راستان و چه در پوشش اصول فلسفه و روش رئالیسم.

بنابراین، شهید مطهری، نقشی مؤثر ریشه ای در پیشبرد هدف های نظام داشت. کار فکری و فرهنگی برای بارور شدن یک حرکت، بنیادی تر و پربهاتر از کار سیاسی محض است. شهید مطهری در مقام اندیشمندی

پرمایه و نظریه پرداز یا معمار انقلاب اسلامی، پس از حضرت امام رحمه الله بود و نقش سازنده ایشان از دوران مهاجرت به تهران و گسترش اندیشه و فرهنگ اسلامی در دانشگاه و مسجد و حسینیه آغاز و زمینه ساز پیروزی حرکت اسلامی ایران بود. ایشان پلی میان دانشگاه و حوزه و وسیله ای برای جلوگیری از انحراف و حفظ باورهای ناب اسلامی در جامعه بود. ایشان اول جهان را شناخته بود و بر اساس جهان شناسی خود، ایدئولوژی اش را برگزیده و بر پایه آن ایدئولوژی، خط مشی اجتماعی اش را تنظیم کرده بود. در یک کلام، ایشان تجسم عینی مکتب بود. شهید مطهری هوشیارانه پرسش های اساسی جامعه درباره اسلام را می دانست.

برای نمونه، درست در زمانی که رژیم شاهنشاهی بر ناسیونالیسم و ملی گرایی تکیه داشت و ارزش های ملی گرایانه را در کشور از سطح خانواده تا دانشگاه رواج می داد و گروه های چپ هم بر این مسئله تکیه می کردند، متوجه خطرات رشد ملی گرایی شد و کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران را نوشت و نشان داد که اسلام و ایران در فرهنگ ملی و اسلامی، دو مقوله جدا از هم نیستند و موشکافی او در این زمینه، پایه گذار حرکت های ما در طول انقلاب بود. در صد سال اخیر این کتاب، اولین کتابی بود که به طور مستقیم به این مسئله مهم می پرداخت. در آن زمان به نظر می رسید مسئله حجاب، مسئله ای کوچک است، ولی او دقیقا احساس خطر کرد و بحث های مفصلی در این زمینه انجام داد. در دوره مشخصی که گرایش های مارکسیستی در سازمان به اصطلاح مجاهدین خلق (منافقین) رسوخ کرد و این گرایش های التقاطی سبب شد تا گروهی از آنها پیرو مکتب مارکسیست

شوند، استاد بسیار کوشید و کتاب ها و جزوه های دو _ سه سال آخر زندگی اش را گرد آورد. درحقیقت آن کتاب ها پایه ای برای باورهای فلسفی گروه های گوناگون ملت ما شد که بعدها «حزب الله» نام گرفت. کتاب هایی درباره توحید، نبوت، قیام حضرت مهدی(عج)، فلسفه تاریخ و اقتصاد نوشت و به شبهه هایی که آن گرایش ها به وجود می آوردند، پاسخ داد. کسی را نمی شناسیم که این همه آثار سودمند داشته باشد. به راستی، ایشان برای گردآوری و شکل گیری ایدئولوژی اسلامی به زبان روز، بسیار کوشید.

رهبر انقلاب، در این زمینه گفته است:

تصور من این است که مرحوم آیت الله مطهری باید به عنوان یکی از چهره هایی که در احیای تفکر اسلامی بیشترین نقش را داشتند، جزو یکی از پرچمداران این بینش نوین اسلامی و طرح دوباره اسلام در فضای فرهنگ امروزی جهان به شمار آید. (1)

2. نقش استاد در به ثمر نشاندن انقلاب

اشاره

شهید مطهری یکی از زمینه سازان بزرگ انقلاب اسلامی است. ایشان نقش بسیار ارزنده ای را در جامعه ما ایفا کرد. با گروه های مختلف در ارتباط بود و باتوجه به پیشرفت کارها و آگاهی مردم، فعالیت های خود را گسترش می داد. چه در زمینه فرهنگی _ ایدئولوژیک و چه در بعد تشکیلاتی و در رابطه با جامعه روحانی و روشن فکران مذهبی آن روز. ایشان معتقد به مسائل مذهبی و دشمن التقاط بودند. چون اعتقاد راسخ به فقه جعفری

1- . علی باقی نصرآبادی، استاد مطهری در گذر اندیشه ها، گفت وگوی رهبر انقلاب با دکتر حداد عادل، نثر مرسل، 1374.

داشتند، می کوشیدند جامعه ای سالم و مذهبی ایجاد شود. نقش سازنده ایشان را در پیروزی انقلاب می توان در مسائل زیر جست وجو کرد:

الف) طرح ایدئولوژی اسلامی

یکی از چند دانشمند معدودی است که برای رهایی ملت ایران، ایدئولوژی اسلامی را مطرح و سالیان درازی، با بیان و قلم آن را پرورش داد و در هماهنگ ساختن اسلام با دگرگونی های سیاسی جهان و جلوه دادن آن به عنوان مکتبی مستقل نقش ارزنده ای داشت.

ب) سامان دهی جامعه روشن فکران

پیش از استاد مطهری، مجامع اسلامی در میان گروه های روشن فکر وجود داشت و خود ایشان نیز در راه اندازی و سامان دادن و هماهنگ کردن آنها مؤثر بود، ولی نقش عمده وی جهت دادن و توجیه این مجامع به سمت اسلام راستین انقلابی و هدایت آنها در کانال واقعی و جلوگیری از کج روی ها و برداشت های نادرست از غرب گرایی بوده است.

ج) سازمان دادن به روحانیان مبارز

بیشتر انقلابی ها، طلبه های جوان بودند، ولی فعالیت آنها پراکنده بود و هیچ گاه سازمان هدایت یافته ای به صورت شبکه گسترده ای در سراسر کشور و حوزه های علمیه وجود نداشت. پس از قیام امام خمینی، برای نخستین بار چنین سازمانی به تدریج شکل گرفت. استاد مطهری یکی از اندیشمندان روشن فکر و از سازمان دهندگان اصلی آن بود.

د) ایجاد پیوند و رابطه میان روشن فکران مسلمان و روحانیان مبارز

استاد مطهری در میان هر دو گروه مبارز (روحانی و روشن فکر) مقام والایی داشت و این دو قطب مهم را که سیاست استعماری در برابر هم و

جدا از یکدیگر قرار داده بود، به همدیگر نزدیک کرد. ایشان در این زمینه بسیار موفق بود، تا حدی که آنان در خط مشی سیاسی، احساس وحدت کردند و دو بازوی توانای انقلاب را تشکیل دادند.

ه_) ایجاد رابطه و وساطت میان امام و گروه های مبارز

پیوند 35 ساله مرحوم مطهری با امام رحمه الله و اعتماد کامل امام رحمه الله به وی، او را در سال های مبارزه به صورت یکی از صاحبان اسرار امام و رازدار انقلاب درآورده بود و او نقش خود را در این رهگذر به خوبی ایفا می کرد. ایشان یکی از بهترین افرادی بود که می توانست رابط امام و گروه های مبارز، اعم از روحانی و روشن فکر باشد و آگاهی های لازم و خط مشی امام رحمه الله را به گروه ها و گرایش ها، همچنین پیغام های گروه ها را به امام برساند.

و) طراحی و چاره جویی در پیشبرد انقلاب

او مردی تیزهوش و کاردان و مدبر بود و در کارهای انقلابی مانند اعتصاب ها، راه پیمایی ها، بیانیه ها، جبهه گیری ها و برخوردها صاحب نظر بود. ایشان در موضع تصمیم گیری و جهت دادن به انقلاب در کادر مرکزی جای داشت. او را باید یکی از چاره اندیشان در کار انقلاب و حلال مشکلاتی دانست که سد راه انقلاب می شد. زمانی که برخی افراد در برابر این دشواری ها خود را می باختند، ایشان با همتی والا با مشکلات روبه رو می شد و در کوتاه ترین زمان ممکن چاره جویی می کرد.

3. نقش استاد در برقراری و تحکیم پیوند میان حوزه و دانشگاه

مقام معظم رهبری، درباره نقش سازنده استاد مطهری، در خنثی کردن توطئه خطرناک جدایی روحانی و دانشجو می فرماید:

به نظر من مرحوم مطهری با دو ابزار توانستند تفاهم و نزدیکی بین دو قشر روحانی و دانشگاهی را به وجود بیاورند، یکی تلاش علمی و دیگری غنای شخصیت ایشان. (1)

از جمله تلاش های علمی وی اینکه، ایشان در دانشگاه تدریس می کرد و با دانشجویان انس و الفت بسیار داشت. او از موفق ترین چهره های روحانی در میان محیط های دانشگاهی بود. تحصیل کردههای جدید می دیدند یک روحانی عالم، متفکر و فاضلی در بین خود دارند که می تواند به شبهه های آنها درباره اسلام پاسخ درست و قانع کننده ای بدهد. استاد از رویارویی با افق های جدید نهراسید و عرصه نگاه خود را گسترده تر کرد و از حوزه به دانشگاه آمد و با دانشجویان جوشید و فرقه های گمراه و الحادی و التقاطی را با روشی درست و اصولی نقد کرد و به حق در این راه، موفقیت شایانی به دست آورد که می تواند سرمشق خوبی برای روحانیان و فاضلان برجسته حوزوی باشد؛ چون ایشان فردی مجتهد و آگاه به علوم اسلامی بود و هم استاد دانشگاه. استادی که فرهنگ رایج آن زمان و فرهنگ حاکم بر دانشگاه و ذهنیت جوانان ما را می شناخت و خطرهای آینده را خوب پیش بینی می کرد.

به دلیل ایمان و باور عمیقش، با وجود جوسازی های گوناگونی که آگاهانه و ناآگاهانه صورت می گرفت، با دید گسترده خود به آینده اسلام و قرآن، می کوشید در راهی گام بردارد که به حقیقت اسلام نزدیک تر باشد.

1- . سایت شهید مطهری؛ www.Motahari.org.about/others.htm.

رژیم سابق بسیار کوشید تا پیوند حوزه و دانشگاه را بگسلد. شهید مطهری در برقراری این پیوند نقش برجسته و موقعیتی ویژه داشت. او در مقایسه با دیگر استادان، در سطح بسیار گسترده ای حرکت می کرد. از سوی دیگر با روحیه حاکم بر دانشگاه ها و دانشجویان و دردها و مشکلاتشان آشنا بود. به ویژه مشکلاتی که در ابعاد ایدئولوژیک و فرهنگی وجود داشت. او با جاذبه هایی که می تواند دانشجو و دانشگاهی را جذب کند، به خوبی آشنا بود. همچنین، آن قدر آگاه بود که در این جاذبه ها میان آنهایی که از سوی غرب یا رژیم شاه معدوم دامن زده می شد و آنهایی که اصالت داشتند و از روحیه حق گرایی و خیرخواهی و زیبادوستی دانشجویان ناشی بود، فرق بگذارد و به دومی پاسخ مثبت دهد و به ایشان بگوید که اسلام می تواند به روحیه تعالی جویانه بشری بهترین پاسخ ها را دهد. این خود، پایه ای شد برای آنکه دانشجویان به سمت حوزه های علمیه گرایش یابند.

از سویی منطق روشن، زبان ساده و آگاهی گسترده اش در برابر مسائل روشن فکری و دانشگاهی سبب شد در مسائل مربوط به روحانیان نیز چنین اثری بگذارد. او فاصله هایی را که میان دانشگاه و حوزه وجود داشت، با تیزبینی تشخیص می داد و روحانیان را به نقش عظیمی که جوانان کشور برای برقراری نظام اسلامی می توانند ایفا کنند، آگاه می کرد. این نقش دوجانبه در ارتباط با دانشجویان و روحانیان، جزو فعالیت های ارزنده زندگی او به شمار می آمد و جا دارد همواره طلاب و فضلای جوان بدان توجه کنند و آن را سرمشق زندگی خود قرار دهند؛ زیرا در وضع کنونی

احساس می شود بیش از پیش حوزه و دانشگاه به چنین پیوند مستحکمی نیاز داشته باشد.

4. موضع استاد در برابر خطر گرایش به غرب

استاد می فرمود: «به اعتقاد من، اسلام در دنیا دو دشمن دارد: امریکا و کمونیسم.» استاد، آنها را دو دشمن تاریخی اسلام می دانست و می کوشید در اندیشه و عمل راهی را برگزیند که به هیچ روی به این سمت یا آن سمت گرایش نداشته باشد. البته در جامعه آن روز، ارزش های امریکایی و غربی در رفتار و سلوک و برخوردها بیشتر حاکم بود. ازاین رو، بر آن بود خلوص دینی اش را نگاه دارد و ارزش های رایج و حاکم آن زمان، در تصمیم گیری، پوشش، رفتار، گفتار و برخوردهایش هیچ گونه اثری نپذیرد.

آن هنگام، در محیط های دانشگاهی غلبه با ارزش های غربی بود. باید توجه داشت که فشار ارزش ها و فرهنگ بر انسان، بسیار بیشتر از زنجیرهای فولادین است، ولی ایشان سخت پای بند اصالت ها بود. در محافل خصوصی نیز سخت مخالف ارزش های وارداتی از غرب بود؛ زیرا پیروی از فرهنگ غرب، اصالت انسان مسلمان را می گیرد. این ویژگی در کتاب ها، سخن ها و گفت وگوهایش آشکار است. ایشان می کوشید کجی های مظاهر فرهنگی غرب را بشکافد و خطرها را آشکار سازد.

5. استاد مطهری و هدایت نسل جوان

درباره این نقش سازنده استاد، امام راحل رحمه الله می فرماید:

مرحوم آقای مطهری یک فرد بود. جنبه های مختلف در او جمع شده بود. خدمتی که به نسل جوان و دیگران کرده، کمتر کسی کرده است. آثاری

که از او هست، بی استثنا همه آثارش خوب است و من کس دیگری را سراغ ندارم که بتوانم بگویم بی استثنا آثارش خوب است. (1)

یکی از آسیب پذیرترین و حساس ترین نیروها و سرمایه های باارزش هر کشور، نسل جوان آن سرزمین است. از گذشته های بسیار دور دشمنان در پی به یغما بردن این سرمایه اصیل بوده اند. آنان می کوشند با تحریف فرهنگ و ارزش های ملی و مذهبی و تحمیل نگرش غربی و گسترش فساد، آنها را از جاده سلامت خارج سازند. در برابر چنین توطئه هایی استاد شهید مطهری در شمار معدود جامعه شناسان اسلامی بود که با آشنایی کامل به زبان و نیاز نسل جوان، به موقع کتاب می نوشت، سخنرانی می کرد و به آنها آگاهی لازم را در رویارویی با تهاجم فرهنگی دشمن می داد.

او بیشترین تلاش و همت خود را صرف رهبری نسل جوان کرد. زندگی علمی استاد مطهری، حاکی از تلاش خالصانه او برای رهبری اندیشه نسل جوان است. روش استاد، روشی همراه با انتقاد صرف و نگرش نبود، بلکه با روی گشاده و آغوش باز پذیرای آنها بود و با بیانی سرشار از محبت راه راست اسلامی را به آنها نشان می داد. استاد رمز گمراهی جوان را در پاسخ ندادن به نیازهای او می داند و می گوید:

ریشه بیشتر انحرافات دینی و اخلاقی نسل جوان را در لابه لای افکار و عقاید آنان باید جست. فکر این نسل از نظر مذهبی چنان که باید، راهنمایی نشده و از این نظر فوق العاده نیازمند است. (2)

1- . نک: سیدحمید جاوید موسوی، سیمای استاد در آئینه نگاه یاران، تهران، صدرا، 1371، صص 19 _ 23.
2- . مرتضی مطهری، مسئله حجاب، قم، انتشارات جامعه مدرسین، 1366، ص 13.

استاد مطهری «الگوی عملی نسل جوان» بود. او بنا به سفارش قرآن و سنت، عمل به دستورهای اسلامی را راز رو آوردن نسل جوان به دین اسلام می دانست. بنابراین، آن را سرلوحه امور خود قرار داد. رهبران نسل جوان، پیش از اینکه الگوی فکر دینی باشند، باید الگوی عمل دینی باشند تا نسل جوان میان گفتار و کردارشان تضادی نبیند و به راحتی به آنها اعتماد و از اندیشه های آنان پیروی کنند.

حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی درباره تأثیر استاد بر جوانان می گویند:

اگر ما بخواهیم تاریخ تحلیلی نیم قرن گذشته را بنویسیم، باید مرحوم مطهری را یکی از عناصر بسیار مهم در شکل دادن به افکار جوانان بدانیم. (1)

6. نظر استاد درباره «ملیت ایرانی و اسلام»

در ایران، در آستانه پذیرش اسلام و پس از آن، حوادثی رخ داد که دست آویزی برای برخی مستشرقان و عناصر داخلی آنها شده تا آن رخ دادها را زیر عنوان مقاومت و واکنش ایرانیان در برابر اسلام معرفی کنند. شهید مطهری برای تبیین این مطلب، به صورت علمی و تاریخی کتابی با نام خدمات متقابل ایران و اسلام نوشت. ایشان در صدد بر آمد تا اثبات کند تباین و تعارضی میان ایرانی بودن و مسلمان بودن نیست و برای اثبات مدعای خود افزون بر قرآن، از کتاب های تاریخ ایران در زمان ساسانیان اثر آرتورکریستین سن و مزد سینا و ادب فارسی اثر دکتر معین بهره برده است.

1- . سیمای استاد در آیینه نگاه یاران، ص 77.

یادآوری این نکته ضروری است که اگر در تعیین حدود ملیت ایرانی، عنصر آریایی اساس باشد، نتیجه و آخرین پله تحلیلی اش، نزدیکی و خویشاوندی با جهان غرب است و این خویشاوندی، پی آمدهایی در خط مشی ملی و سیاسی ما ایجاد خواهد کرد و آن، بریدن از همسایگان و جهان اسلام و غلتیدن در دامن غرب است.

غرب استعمارگر همیشه در ذهن ایرانی، خودش را غیربیگانه و اعراب مسلمان را نسبت به ما بیگانه جلوه داده است، در حالی که هرگاه به بررسی نظام فکری و مسلکی و نهادهای اجتماعی خود در طی چهارده قرن گذشته نظری بیفکنیم و آن را ملاک ملیت قرار دهیم، در آن صورت عرب و ترک و هندی و چینی و مسلمان نسبت به ما خودی و غرب و دیگران، غریبه اند.

استاد مطهری در خدمات متقابل ایران و اسلام، به این نتایج ارزش مند دست یافت:

الف: آیین اسلام به ذات خود رنگ هیچ ملیت خاصی نداشته، بلکه انسانی و همسو با خواسته های فطری و عقلانی بشر است.

ب: اسلام آوردن ایرانیان، نه با اکراه و اجبار، بلکه از روی عشق به حقیقت و تشنگی به عدالت بوده است.

امروز بر اثر کوشش های علمی و پژوهشی شهید مطهری است که می گوییم فرهنگ ایرانی و اسلامی جداناپذیر است و در واقع مصداق واحدی دارد و روح ایرانی را از فرهنگ واحد اسلامی نمی توان جدا کرد و در برابر هم قرار داد.

استاد در بخش دوم کتاب، خدمات اسلام به ایران را چنین بیان می کند:

خدمتی که یک کیش به یک ملت می تواند بکند، بر آوردن یک نیاز آنی

نیست که مثلاً به آن نیرو و اسلحه، برای غلبه در جنگی را بدهد؛ بلکه تحولی مفید و ثمربخش در اندیشه و روح آن ملت به وجود می آورد. او را به واقع بینی و حقیقت گرایی سوق می دهد. استعدادهای درونی اش را به طور مطلوب شکفته می سازد تا تاریخ خود را از یک مسیر انحرافی نجات دهد. آیا این خدمت اسلام به ایرانیان نبود که باعث شد تا ایرانیانی عالی قدر در جهان علم و فلسفه و هنر و عرفان و صنعت و اخلاق ظهور کنند و بلندآوازه شوند و نامشان جهانگیر گردد، در حالی که همین ملت قبل از آن مرحله، از داشتن چنین عناصر ارزش مندی بی نصیب بودند.

از آن سو خدمت یک قوم به یک دین، این است که نیروهای مادی و معنوی خود و ذوق استعداد و فکر و ابتکار خود را در اختیار آن قرار دهد و ایرانیان هم با نهایت خلوص نیت بیش از هر ملت دیگری، نیروهای خود را در اختیار اسلام قرار دادند و به همین جهت بیش از هر ملت دیگری _ حتی خود اعراب _ شکوفایی و درخشش جهانی یافتند. (1)

7. آزادی از دیدگاه شهید مطهری

استاد شهید مطهری به دلیل عدالت خواهانه بودن ماهیت انقلاب اسلامی، آزادی را لازمه نظام می دانست و نبودن آزادی در این نظام را شکست قطعی تلقی می کردند.

استاد در این زمینه بر این باور بود:

ماهیت این انقلاب ماهیتی عدالت خواهانه بوده است. وظیفه حتمی همگی ما این است که به آزادی ها به معنی واقعی کلمه احترام بگذاریم؛ زیرا اگر بنا شود حکومت جمهوری اسلامی زمینه اختناق را به وجود بیاورد، قطعا شکست خواهد خورد. (2)

1- . خدمات متقابل اسلام و ایران، بخش دوم با تلخیص کتاب استاد مطهری در گذر اندیشه ها.
2- . مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، صدرا، 1364، ص 62.

طبیعی است اگر نداشتن آزادی، سبب شکست جمهوری اسلامی شود، وجود انواع آزادی باید سبب دوام، بقا و رشد و بالندگی هر چه بیشتر آن شود. بنابراین، یکی از رمزهای موفقیت نظام نیز وجود آزادی اندیشه و آزادی هایی سیاسی است، چنان که استاد شهید دراین باره می گوید:

هر کس می باید فکر و بیان و قلمش آزاد باشد و تنها در چنین صورتی است که انقلاب اسلامی ما، راه صحیح پیروزی را ادامه خواهد داد. اتفاقا تجربه های گذشته نشان داده است که هر وقت جامعه در یک نوع آزادی فکری به سر برده است، این امر به ضرر اسلام تمام نشده، بلکه در نهایت به سود اسلام بوده است. اگر در جامعه، محیط آزادِ برخورد آرا و عقاید به وجود بیاید، به طوری که صاحبان افکار مختلف بتوانند حرف هایشان را مطرح کنند و ما هم در مقابل، آرا و نظریات خودمان را مطرح کنیم، تنها در چنین جامعه سالمی خواهد بود که اسلام هر چه بیشتر رشد می کند. (1)

نکته مهم این است که آزادی حد و مرزی دارد و نباید فرصت طلبان با بهره مندی از آزادی، در جهت تأمین منافع خود گام بردارند یا به فریب کاری رو آورند و چه بسا بیگانگان و دشمنان با یافتن مهره هایی در داخل و با بهره مندی از آزادی موجود، افکار و اندیشه های انحرافی را گسترش دهند. شهید مطهری می گوید:

اگر جلوی فکر را بخواهیم بگیریم، اسلام و جمهوری اسلامی را شکست داده ایم، اما البته برخورد عقاید غیر از اغوا و اغفال است، یعنی کاری توأم با دروغ و توأم با تبلیغات نادرست. (2)

1- . مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، صدرا، 1364، ص 63.
2- . مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، صدرا، 1364، ص 64.

ص:60

همچنین در تعیین چارچوب آزادی احزاب، نظر استاد مطهری چنین است:

همان طوری که رهبر و امام [خمینی رحمه الله] مکرر گفته اند، در حکومت اسلامی احزاب آزادند، هر حزبی اگر عقیده غیراسلامی هم دارد آزاد است، اما اجازه توطئه گری و فریب کاری نمی دهیم. (1)

8 . اهداف و ارزش های انقلاب اسلامی به بیان شهید مطهری

استاد شهید مرتضی مطهری معتقد بود، انقلاب اسلامی ایران، همان هدف هایی را دارد که حضرت علی علیه السلام در حرکت اصلاحی خود در نظر داشت و با بهره مندی از سخنان ایشان، چهار هدف اصلی را برای انقلاب اسلامی در نظر می گیرد:

الف) «نَرُدّ المعالم مِن دینِکَ»؛ نشانه های محو شده خدا را _ که جز همان اصول واقعی اسلام نیست _ باز گردانیم و این، یعنی بازگشت به اسلام نخستین و اسلام راستین. بدعت ها را از میان بردن و سنت های اصیل را جای گزین کردن، یعنی اصلاح فکرها و اندیشه ها و تحول در روح ها و ضمیرها و داوری ها.

ب) «تَظهَرُ الاصْلاحُ فی بِلادِکَ»؛ اصلاح اساسی و آشکار که نظر هر بیننده را جلب کند و نشانه های بهبود در وضع زندگی مردم در شهرها و مجامع هویدا باشد. درحقیقت نوعی دگرگونی بنیادین در وضع زندگی افراد است.

ج) «یَأمَنُ الْمظلُومینَ مِنْ عِبادِکَ»؛ بندگان ستم دیده خدا از شر ستمگران در امان باشند و دست تطاول ستم کاران از سر ستم دیدگان کوتاه شود و این،

1- . مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، صدرا، 1364، ص 170.

اصلاح روابط اجتماعی است.

د) «تُقامُ الْمعطّله مِنْ حُدُودِکَ»؛ مقررات تعطیل شده و قانون های نقض شده اسلام، بار دیگر اجرا شود که تحولی ثمربخش، در جهت اسلامی ساختن نظام مدنی و اجتماعی است.

استاد مطهری بر این باور است که هر مصلحی که موفق شود این چهار اصل را عملی سازد، به بالاترین موفقیت دست یافته است. (1)

9. اصول حاکم بر نگرش استاد در برابر انقلاب اسلامی

اشاره

مهم ترین اصولی که حاکم بر اندیشه سیاسی استاد بوده است، عبارتند از:

الف) اصل عزت مسلمین

مسلمان عزیز است و حق ندارد تن به ذلت دهد. این اصل را بارها استاد مطهری در کتاب های فلسفه اخلاق و تعلیم و تربیت در اسلام و حماسه حسینی مطرح کرده اند.

ب) جدا نبودن دیانت از سیاست

دین از دیدگاه استاد، شامل سیاست است. جدا کردن سیاست از دیانت، مصداق «یُؤمن بِبَعْضٍ وَ یَکْفُرُ بِبَعْضٍ» است. دین، امر صامت و موهوم نیست که با عمل نسبتی نداشته باشد. در نزد استاد، دین ایدئولوژی دارد، راهنمای عمل است و از بایدها و نبایدها سخن می گوید.

ج) اصل عدالت در پدیده های اجتماعی

این اصل، از نظر ایشان با ترجمه های یونانی این جمله افلاطون که «عدالت، مادر همه فضایل اخلاقی است» معروف شد، درحالی که دو قرن

1- . مرتضی مطهری، نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، تهران، صدرا، 1366، صص 69 و 70.

پیش از شناخته شدن سخن افلاطون، مسلمانان از زبان قرآن این سخن را شنیده بودند و بیشتر آیه های مربوط به عدل، درباره عدل گروهی است و از شرایط ضروری حاکم، عدالت است. عدل قرآن آنجا که به توحید یا معاد مربوط می شود، به نگرش انسان به هستی و آفرینش شکل ویژه ای می دهد و نوعی جهان بینی است و آنجا که به تشریع و قانون مربوط می شود، یک مقیاس و معیار قانون شناسی است. آنجا که به امامت و رهبری مربوط می شود، شایستگی است و آنجا که پای اخلاق به میان می آید، آرمان انسانی است و آنجا که به اجتماع کشیده می شود، یک مسئولیت است. (1)

د) اصل حماسه به عنوان اصلی فراموش شده

از نظر استاد لازمه خداشناسی و خداپرستی این است که انسان به هدف های فرا مادی وابسته و در راه هدف های عالی شکیبا باشد. تاریخ اسلام گواه است که انبیا و پیروانشان همواره به مبارزه ای همیشگی با زورمداران پرداخته اند.

ه) وجود حکومت صالح پیش از قیام و انقلاب مهدی(عج)

به باور ایشان، شیعه مسئولیت دارد برای تشکیل این حکومت بکوشد.

10. برخی از آفت های انقلاب از دیدگاه شهیدمطهری

اشاره

با مراجعه به آثار و اندیشه های استاد، مهم ترین آفت های تهدید کننده انقلاب عبارتند از:

الف) ضعف جامعه روحانیان

انقلاب ایران اگر در آینده بخواهد به نتیجه برسد و همچنان پیروزمندانه به

1- . مرتضی مطهری، عدل الهی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1365، صص 37 و 38.

پیش برود، می باید روی دوش روحانیون و روحانیت قرار داشته باشد. (1)

برای رسیدن به این هدف از دیدگاه شهید مطهری، روحانیان باید به نیازهای مردم توجه کنند و الگوهای مناسب ارائه دهند. باور ایشان در این زمینه، چنین بود:

روحانیت، آن گروه مهندسان اجتماعی مورد اعتماد مردم است که در ارائه طرح برای آینده کوتاهی کرده است. روحانیون باید بدانند که اشتغال منحصر به فقه و اصول جواب گوی مشکلات نسل معاصر نیست... تنها کاری که باید بکنیم استخراج، تصفیه و تبدیل این مواد خام به مواد قابل استفاده است و این، مستلزم بیداردلی و کار و صرف وقت است. و امام رحمه الله به عنوان روحانی به این علت رهبر بلامنازع نهضت شد که در مسیر فکری و روحی و نیازهای مردم ایران گام برداشت. (2)

ب) بی توجهی به عدالت اجتماعی

یکی از مهم ترین خطرهای انقلاب، تأمین نکردن عدالت اجتماعی است. استاد شهید با قاطعیت تمام برقرار نشدن عدالت اجتماعی را نشانه بی نتیجه بودن انقلاب اسلامی می دانست:

من تأکید می کنم که اگر انقلاب ما در مسیر برقراری عدالت اجتماعی به پیش نرود، مطمئنا به نتیجه نخواهد رسید. (3)

بنابراین، زمانی انقلاب اسلامی راه اصلی خود را به طور کامل پیموده است که امکانات کشور را به صورت عادلانه در جامعه پخش کرده و مردم نسبت به همدیگر احساس دل سوزی و هم دردی داشته اند:

1- . پیرامون انقلاب اسلامی، ص 184.
2- . پیرامون انقلاب اسلامی، صص 50 و 97.
3- . پیرامون انقلاب اسلامی، ص 60.

آن روزی که مردم ما با میل و علاقه و به حکم برادری اسلامی، امکانات خود را در جهت رفاه محرومان به کار انداختند، آن وقت است که انقلاب ما راه مطمئن خود را پیدا کرده است. انقلاب ما آن هنگام انقلاب واقعی خواهد بود که خانواده ای حاضر نشود ایام عید برای فرزندان خود لباس نو تهیه کند، مگر آنکه قبلاً مطمئن شده باشند خانواده های فقرا دارای لباس نو هستند. (1)

این حساسیت هایی است که ائمه علیهم السلام و پیشوایان ما _ که اسلام مجسم و معلمان راستین اسلام اصیل بوده اند _ در زمینه عدالت اجتماعی از خود نشان دادند. انقلاب اسلامی ما نیز اگر می خواهد با موفقیت به راه خود ادامه دهد، راهی به جز اعمال چنین شیوه ها و بسط روش های عدالت جویانه و عدالت خواهانه در پیش ندارد. (2)

فقر و محرومیت توده مردم به هر علتی که باشد، پی آمدهای بسیار خطرناک و زیان های جبران ناپذیری دارد. شهید مطهری دراین باره معتقد است:

اگر در جامعه ای عدالت اجتماعی برقرار نباشد، پایه معنویت هم متزلزل خواهد بود. منطق اسلام این است که معنویت را با عدالت، توأم با یکدیگر می باید در جامعه برقرار کرد. در جامعه ای که عدالت وجود نداشته باشد، هزاران هزار بیمار روانی به وجود می آیند. محرومیت ها ایجاد عقده های روانی و عقده ها تولید انفجار می کند. یعنی اگر جامعه به تعبیر حضرت علی علیه السلام به دو گروه گرسنه گرسنه و سیرِ سیر تقسیم شود، وضع به همین منوال باقی نمی ماند، بلکه صدها تالی (نتیجه) فاسد به همراه خواهد آورد، لذا من تأکید می کنم اگر انقلاب ما در مسیر برقراری عدالت اجتماعی پیش نرود،

1- . پیرامون انقلاب اسلامی، ص 61.
2- . پیرامون انقلاب اسلامی، ص 154.

مطمئناً به نتیجه نخواهد رسید. (1)

ج) از دست رفتن استقلال فرهنگی

ایشان در جایی دیگر می گوید:

من در اینجا هشدار می دهم ما با گرایش به مکتب بیگانه، استقلال مکتبی خودمان را از دست می دهیم. این اعلام خطر بزرگی است. ما اگر مکتب مستقلی نمی داشتیم، در آن صورت می گفتیم چاره ای نداریم، باید به این گروه یا آن گروه ملحق شویم. من بر روی مسئله استقلال، به خصوص استقلال مکتبی زیاد تکیه دارم. ما اگر مکتب مستقل خودمان را ارائه نکنیم، حتی با اینکه رژیم را ساقط کرده ایم و حتی با این فرض که استقلال سیاسی و اقتصادی به دست آورده ایم، اگر به استقلال فرهنگی دست نیابیم، شکست خواهیم خورد و نخواهیم توانست انقلاب را به ثمر برسانیم. (2)

د) کم رنگ شدن معنویت

از نظر قرآن، معنویت پایه تکامل است. این همه عبادات که در اسلام بر روی آن تکیه شده، برای تقویت جنبه معنوی روح انسان است... از نظر اسلام معنویت جدا از زندگی، در این جهان وجود ندارد. (3)

از دیدگاه اسلام، انسان بر اساس دو جنبه آفریده شده است. مهم ترین وجه تمایز انسان با دیگر موجودها، وجه روحانی و معنوی اوست که باید تقویت شود. همه ادیان الهی، به ویژه دین اسلام، تمام هدف ها و تلاش های خود را برای بالا بردن معنویت در انسان متمرکز کرده است. حضرت علی علیه السلام یکی از رمزهای موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی را توجه به

1- . پیرامون انقلاب اسلامی، صص 60، 173، 174.
2- . پیرامون انقلاب اسلامی، ص 163.
3- . پیرامون انقلاب اسلامی، ص 174.

معنویت و بهره مندی از درجه بالای خودسازی می داند و در موارد بسیاری به کارگزاران خود سفارش می کند که بخشی از وقت خود را صرف توجه به معنویت و عبادت و خودسازی کنند. بنابراین، این مهم در سطح نخبگان و مدیران جامعه، اهمیتی صدچندان می یابد، به گونه ای که بخش مهمی از عهدنامه مالک اشتر و دیگر فرمان های امام علی علیه السلام به این امر اختصاص دارد.

یکی از مهم ترین هدف ها و ارزش های انقلاب اسلامی نیز توجه بیشتر به امور معنوی و حاکم کردن ارزش های معنوی در جامعه است. استاد دراین باره می گوید:

از جمله خصوصیات انقلاب ما، یکی این است که چون بر پایه ایدئولوژی اسلامی قرار گرفته، به معنویت واقعی متکی است. (1)

یکی از مهم ترین آفت هایی که انقلاب اسلامی را تهدید می کند، از دست دادن معنویت است. حضرت امام خمینی رحمه اللهمعتقد بود حفظ جمهوری اسلامی، به حفظ معنویت در جامعه بستگی دارد و در این زمینه گفته است:

مادامی که این ملت، این حالی را که الان دارند که توجه به معنویات تا یک حدودی و این جوان های ما توجه به معنویات دارند و این تحول عظیم پیدا شده است، در آنها که شهادت را با جان و دل می خرند، مادامی که این محفوظ است، این جمهوری اسلامی محفوظ است و هیچ کس نمی تواند به او نقدی کند. آن روزی که زرق و برق دنیا پیدا شود و شیطان در بین ما راه پیدا کند و راهنمای ما شیطان بشود، آن روز است که ابرقدرت ها می توانند

1- . پیرامون انقلاب اسلامی، ص 60.

در ما تأثیر کنند و کشور ما را به تباهی بکشند. (1)

حضرت آیت اللّه خامنه ای(مدظله العالی)، رشد معنویت را در تحقق حکومت صالحان در جامعه اثرگذار می داند و بر این باور است که:

ما باید صلاح و تقوا و دل نبستن به دنیا را سرلوحه اعمال و رفتار خود قرار دهیم و تنها در چنین وضعی است که حکومت صالحان تحقق می یابد و سرنوشتی را که خداوند برای صالحان معیّن فرموده، از آنِ خود خواهیم کرد. (2)

توجه به مسائل معنوی و حفظ آن، دو فایده و پی آمد دارد: یکی اینکه سبب تکامل و تعالی انسان و صیقل روح می شود و دیگری اینکه در زندگی اجتماعی و نظام سیاسی جامعه تأثیر مثبت دارد. توجه به معنویت، سبب موفقیت در کارهای سیاسی، اجتماعی می شود و انسان در امور مادی و زندگی روزانه خود نیز نوآوری، خلاقیت، شادابی، امیدواری و آرامش به دست می آورد. جامعه شاداب و خلاق، جامعه ای است که ارزش های معنوی در آن حاکم باشد. به نظر شهید مطهری، در این جامعه حتی کاستی های اقتصادی جامعه نیز باتوجه به امور معنوی حل می شود:

از جمله ارکان انقلاب ما، اگر واقعا ماهیت اسلامی دارد، معنویت است. یعنی مردم به حکم بلوغ روحی، به حکم عاطفه انسانی، به حکم اخوت اسلامی، خود برای پر کردن شکاف ها و فاصله های طبقاتی و اقتصادی پیش قدم می شوند. (3)

1- . صحیفه نور، ج 7، ص 218.
2- . حدیث ولایت، مجموعه موضوعی بیانات رهبر انقلاب، به روایت اداره کل اسناد و اطلاع رسانی، ص 69 .
3- . پیرامون جمهوری اسلامی، ص 60.

بنابراین تحقق و حاکمیت ارزش های معنوی در جامعه باید نهادینه شود و در ساختار حکومت تجلی یابد. باید مبنای قانون گذاری ها و برنامه ریزی های تخصصی توجه به معنویت ها باشد. شهید مطهری دراین باره معتقد است:

انقلاب ما در آینده در کنار عدالت اجتماعی به مقیاس اسلامی، نیاز به معنویتی گسترده و شامل دارد، معنویتی از آن نمونه که در پیامبر و ائمه علیهم السلام دیده ایم. (1)

همچنین در جایی دیگر می گوید:

در جامعه خودمان باید همان طور که مسئله عدالت را با شدت مطرح می کنیم، به همان شدت نیز مسئله معنویت را مطرح کنیم. اصلاً بدون معنویت، عدالت امکان پذیر نیست. اگر معنویت را فراموش کنیم، انقلاب خودمان را از یک عامل پیش برنده محروم کرده ایم. (2)

ه) ترک اصل امر به معروف و نهی از منکر

از آیه 79 سوره مائده، صریحا استنباط می شود که ترک اصل مذکور در هلاکت و انهدام یک قوم مؤثر است. طبق این آیه یکی از علل دورافتادن بنی اسرائیل از رحمت خداوند، باز نداشتن یکدیگر از منکرات بود... امر به معروف و نهی از منکر، مصداق دفاع از حقوق انسانی است. یک امری است که تعلق به بشریت و به مصلحت او دارد. (3)

و) خالی شدن صحنه توسط نیروهای انقلابی

این آفت می تواند به دو صورت پدید آید:

1- . پیرامون جمهوری اسلامی، ص 175.
2- . مرتضی مطهری، ولاءها و ولایت ها، قم، صدرا، 1369، ص 69.
3- . مرتضی مطهری، جامعه و تاریخ، قم، صدرا، 1369، ص 236.

یک _ قهری، دشمنان داخلی و خارجی نظام همواره می کوشند رهبران نظام و افراد با نفوذ را از صحنه برانند و از حربه ترور شخصیت سود می جویند.

دو _ اختیاری که منشأ آن نیز دو چیز است:

اول _ تمام پنداشتن جریان انقلاب

کار را تمام شده تلقی کردن، ساده لوحی است... روحانیت، نهضت هایی را که رهبری کرده تا مرحله پیروزی بر خصم ادامه داده و از آن پس کناره گیری کرده است در نتیجه، زحمات او متوجه دیگران و دشمنان شده است. (1)

دوم _ احساس ضعف و خستگی و دل سردی

برخی نیروهای انقلابی که تحت تأثیر اتهام ها و شایعه های دشمنان قرار می گیرند، تحمل خود را از دست می دهند و میدان را ترک می کنند.

ز) نفوذ فرصت طلبان

استاد درباره هشیاری در برابر عناصر نفوذی و فرصت طلب معتقد بود:

رخنه و نفوذ افراد فرصت طلب در درون یک نهضت، از آفت های بزرگ است... بررسی تاریخ اسلام نشان می دهد که بعد از وفات پیامبر، مسیر انقلاب اسلامی که آن حضرت ایجاد کرده بود، عوض شد و بر اثر رخنه فرصت طلبانی که با تغییر شکل و قیافه، خود را در صفوف مسلمانان داخل کرده بودند...در دوره عثمان مشاور شدند و ابوذرها و عمارها به تبعیدگاه فرستاده شدند یا در زیر لگد مچاله گشتند. نفوذ فرصت طلب ها انقلاب را از خلوصی می اندازد... انقلاب «فرزند خُور» نیست. غفلت از نفوذ و رخنه

1- . نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، ص 93.

فرصت طلبان است که فاجعه به بار می آورد. (1)

فرزند شهید بزرگوار، علی مطهری، درباره روشن بینی استان در شناسایی و برخورد با گروه های فرصت طلب می گوید:

در راه پیمایی بزرگ عاشورای سال 57 تهران، که به دعوت «جامعه روحانیت مبارز» انجام شد، ناگهان خبر دادند که یک فرد با لباس روحانی (و به قولی اکبر گودرزی، رهبر گروه فرقان) بالای یک مینی بوس ایستاده و مشغول تشریح آرم سازمان منافقین برای مردم است که مثلاً شاخه گندم این آرم نشانه چیست، تفنگ نشانه چیست و به همین شکل. ضمنا منافقین تهدید کرده بودند که اگر مانع کار ما شوید، پاسخ شما را با اسلحه می دهیم.

در آن حالت همه روحانیون حاضر در راه پیمایی به خاطر حفظ وحدت و عدم سوءاستفاده رژیم شاه، نظرشان عدم دخالت در این موضوع بود. اما تنها استاد مطهری فرمودند که آرم آنها باید پایین آورده شود، حتی به قیمت درگیری و حتی کشته شدن برخی افراد و کسانی هم که در این راه کشته شوند، شهید محسوب می شوند. چون این منافقین به دروغ دم از اسلام می زنند و می خواهند روی موج سوار شوند و در فرصت مناسب میوه چینی کنند. به هر حال، جوان ها وارد عمل شدند و بساط آنها را به هم ریختند و خوشبختانه به کسی هم آسیبی نرسید. (2)

ح) نفوذ اندیشه های بیگانه

استاد مطهری بروز این آفت را از دو راه امکان پذیر می داند،

یک _ از راه دشمنان

هنگامی که یک نهضت اجتماعی اوج می گیرد و جاذبه پیدا می کند و

1- . ص 94؛ پیرامون انقلاب اسلامی، ص 25
2- . سیری در زندگانی استاد مطهری، ص 123.

مکتب های دیگر را تحت الشعاع قرار می دهد، پیروان مکتب های دیگر برای رخنه کردن در آن مکتب و پوسانیدن آن از درون، اندیشه هایی را که با روح آن مکتب مغایر است، وارد می کنند و آن را از اثر و خاصیت می اندازند یا کم اثر می کنند. (1)

دو _ از راه دوستان ناآگاه

گاهی پیروان یک مکتب به علت ناآشنایی با آن، مجذوب نظریات و اندیشه های بیگانه می گردند و آگاهانه یا ناآگاهانه آن نظریات را رنگ مکتب می دهند و عرضه می نمایند... من به رهبران نهضت اسلامی هشدار می دهم که نفوذ و نشر اندیشه های بیگانه به نام اندیشه اسلامی، خطری است که کیان اسلام را تهدید می کند... راه مبارزه، عَرْضه داشتن صحیح این مکتب است. (2)

ط) تجددگرایی افراطی

تجددگرایی افراطی درحقیقت عبارت است از آراستن اسلام به آنچه از اسلام نیست و پیراستن آن از آنچه جزو اسلام است. به منظور رنگ زمان زدن و باب طبع زمان کردن... برخی که (فقط) به مسائل روز توجه دارند و (تنها) درباره آینده می اندیشند، متأسفانه سخاوت مندانه از اسلام مایه می گذارند، سلیقه روز را معیار قرار می دهند و به نام اجتهاد آزاد به جای آنکه اسلام را معیار حق و باطل قرار دهند، سلیقه و روح حاکم بر زمان را معیار اسلام قرار می دهند. (3)

1- . نهضت های اسلامی در صدساله اخیر، ص 87.
2- . نهضت های اسلامی در صدساله اخیر، ص 88.
3- . نهضت های اسلامی در صدساله اخیر، ص 91.

فصل سوم: جلوه هایی از شخصیت استاد

اعتقاد به نقش نهاد روحانیان

از ویژگی مهم این بزرگوار این است که عبارت «اسلام منهای روحانیان» را به طور کامل از ذهن افراد پاک کرد. استاد مطهری دریافت، هدف کسانی که از اسلام منهای روحانیت سخن می گویند، این است که نمی خواهند مفسر و عالم اختصاصی در اسلام وجود داشته باشد تا راه را برای تعبیر و توجیه خود باز کنند. پس با این اندیشه، شجاعانه مبارزه کرد.

جنبه عرفانی و اخلاقی

ایشان مرد بسیار دقیق و ظریفی بود و به شدت تحت تأثیر حالت و هیجان های عرفانی و معنوی قرار داشت. با دیوان حافظ و اشعار عرفانی مأنوس بود. با قرآن بسیار انس داشت. هر شب تا مقداری قرآن نمی خواند، نمی خوابید. اهل تهجد بود و نماز شب را با حالی ملکوتی می خواند. صفا و معنویت حاکم بر محیط خانواده وی نیز بر اثر همان حال معنوی ایشان به وجود آمده بود.

آقای مطهری از دور به منطق شبیه بود، از میانه راه به فلسفه و حکمت شبیه می شد و اما از نزدیک، عین عرفان بود. جالب است کسی که برای

مثال، آن ظرافت های فلسفه هگل را با پُتک منطق چنان سخت می کوبد، منبر هم برود و برای امام حسین علیه السلام روضه بخواند. سر منبر درحالی که استادان دانشگاه و دانشجوها پای منبر او هستند، شروع می کند روضه حضرت قاسم علیه السلام را می خواند و بعد وسط روضه، چنین می خواند: بر فرس تندرو هر که تو را دید، گفت برگ گل سرخ را باد کجا می برد؟ بعد هم شروع می کند زار زار گریه کردن ! (1)

تواضع استاد

استاد مطهری به قدری فروتن بود که اگر کسی با مقام علمی او آشنا نبود، شاید وی را پایین تر از افراد عادی می پنداشت. آن روح بزرگ، در برابر احکام خدا و عظمت الهی چنان متواضع بود که هیچ گاه فریفته و تحت تأثیر اندوخته های خود قرار نمی گرفت. (2)

طهارت استاد

«ایشان همواره با طهارت بودند و هیچ گاه از طهارت معنوی دور نبودند و این، از تعبد و تسلیم ایشان در برابر احکام اسلام و حتی مستحبات و مکروهات اسلامی حکایت دارد. (3) تقوای عجیبی داشت. در مدت 26 سال زندگی که با ایشان داشتم، در شبانه روز حتی نیم ساعت بی وضو نبودند. همیشه می گفت با وضو باشید. وضوی دائمی خوب است». (4)

نظم علمی

1- . نک: استاد مطهری در گذر اندیشه ها، صص 19 و 20، به نقل از: مقام معظم رهبری.
2- . نک: سرگذشت های ویژه، از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 3، ص 96.
3- . سرگذشت های ویژه، از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 3، ص 96. به نقل از: آیت الله فاضل لنکرانی.
4- . سرگذشت های ویژه، از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 2، ص 112، به نقل از: همسر استاد.

حضرت آیت الله امینی، درباره ویژگی های استاد شهید گفته است:

شهید مطهری در ایام طلبگی، همیشه یک دفتر همراه داشتند و هر مطلب مفیدی را که می شنیدند، همان جا می نوشتند. در حاشیه هر کتابی هم که می خواندند، در صورت لزوم یادداشت هایی می نوشتند یا از آن فیش برداری می کردند. یادداشت ها، فیش ها و مطالب زیادی به صورت الفبایی و موضوعی از ایشان موجود است که فهرستی از آنها در آخر جلد اول یادنامه استاد شهید مطهری چاپ شده است. (1)

علی مطهری، پسر استاد نیز دراین باره گفته است:

استاد مطهری دو سری یادداشت دارند، یکی یادداشت هایی که به ترتیب حروف الفبا تقسیم بندی شده اند و دیگر یادداشت هایی که بر اساس موضوع دسته بندی شده اند. (2)

اخلاص و پرهیز از شهرت

«توجه اصلی ایشان در همه امور به مبدأ بود. هرگز دنبال تظاهر در مقابل مردم نبودند. عنوان نویسنده، روی کتاب هایشان، همیشه مرتضی مطهری بود و اجازه نمی دادند کلمه هایی مثل استاد و غیر آن، قبل از اسمشان آورده شود. از شهرت پرهیز داشتند. با اینکه تشکیل دهنده هسته مرکزی شورای انقلاب بودند، در روزنامه ها چندان نامی از ایشان آورده نمی شد. وقتی از ایشان می پرسیدیم چرا اسمی از شما نیست و از اکثریت دست اندرکاران انقلاب، کم و بیش نامی هست؟ ایشان می گفتند: من کاری را که باید انجام بدهم، انجام می دهم، هر چه نامم کمتر مطرح شود،

1- . سرگذشت های ویژه، از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 2، ص 164.
2- . سرگذشت های ویژه، از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 1، ص 135، به نقل از: فرزند استاد، علی مطهری.

آسوده ترم. سعی من بر این است که تا حد ممکن در اجتماعات عمومی مطرح نشوم». (1)

توجه به فرزندان

«ایشان هیچ وقت نمی خواستند کاری را به ما تحمیل کنند، بلکه به ما راهنمایی می کردند که مطالعه کنیم. برای تشویق، همیشه ما را مورد محبت قرار می دادند، به ما کتاب می دادند و می گفتند که آن را بخوانید تا با هم درباره آن صحبت کنیم. همیشه می کوشیدند با محبت ما را به کارهای خوب تشویق کنند. به کارهایی که ما انجام می دادیم اهمیت می دادند. به طوری که ما کارهای جالبمان را برای ایشان توضیح می دادیم. بعد از شهادتشان، وقتی که ما نوشته های ایشان و بعضی جاهای دیگر را می گشتیم، می دیدیم که ایشان به هر کدام از فرزندانشان دفترچه ای اختصاص داده اند که در آن از نوشته ها و نقاشی های آنها، نمونه هایی را نگه داری می کردند. این موضوع، نظم و ارزشی را که ایشان برای فرزندانشان قائل بودند نشان می دهد». (2)

احترام به پدر

«از جمله ویژگی های ایشان، احترام عجیبی بود که برای پدرشان قائل می شد. با اینکه رتبه فکری بالاتری داشت و شخصیت ایشان شاید قابل مقایسه نبود، اما به قدری ایشان در مقابل پدر خاضع بود که حد نداشت. علت هم این بود که می گفت اول کسی که مرا به مسائل معنوی و حال و

1- . سرگذشت های ویژه، از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 3، صص 165 و 166، به نقل از: فرزند استاد، محمد مطهری.
2- . سرگذشت های ویژه، از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 3، صص 168 و 169، به نقل از: فرزند استاد، محمد مطهری.

عبادت و اینها هدایت کرد، پدرم بود. می گفت پدرشان از دوران کودکی و جوانی، او را به قرآن خواندن وادار می کرد». (1)

صاحب نفس مطمئنه

«صفت نفس مطمئنه در استاد شهید، مرحوم مطهری بارز و نمایان بود. اطمینان خاطر، این است که حوادث، انسان را متزلزل نکند و نلغزاند. گروهی هستند که در مسیر هستند، لکن به صرف برخورد با یک حادثه و یک فتنه و خلاصه یک وضع فوق العاده از راه باز می مانند. در این مواضع، انسان های معمولی پایشان می لغزد و محکوم جو و جریانات می شوند و نمی توانند شخصیت خود را حفظ کنند، ولی آنهایی که نفوسی مطمئنه دارند و خود را ساخته اند، محکوم محیط نمی شوند». (2)

ارادت و عشق به امام

عشق به حضرت امام، از حقیقت وجودشان برمی خاست، چنان که در سخنرانی هدف های جامعه روحانی، عبارت «یادش و نامش قلب مرا به لرزه در می آورد» را به کار برد. در جای دیگر ایشان می فرماید:

امام به مردم ما شخصیت داد. خودِ واقعی و هویت اسلامی آنها را به آنان بازگرداند. آنها را از حالت «خودباختگی» خارج کرد. این بزرگ ترین هدیه ای بود که رهبر به ملت داد. او توانست ایمان از دست رفته مردم را به آنها بازگرداند و آنها را به خودشان مؤمن کند. (3)

1- . سرگذشت های ویژه، از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 1، صص 58 و 59، به نقل از: رهبر انقلاب.
2- . سرگذشت های ویژه، از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 1، صص 113 و 114، به نقل از: آیت اللّه مهدوی کنی.
3- . پیرامون انقلاب اسلامی، صص 119 و 120.

بیت های زیر بخشی از قصیده ای است که آیت اللّه مطهری، در زندان برای امام سروده است:

صبا از ما ببر یک لحظه پیغامی به روح الله

که ای یاد تو مونس روز و شب در این قفس ما را

به رغم کوشش دشمن نخواهد بگسلد هرگز

میان ما و تو پیوند تا باشد نفس ما را

داشتن انصاف

«ویژگی دیگر استاد مطهری، داشتن انصاف در همه مسائل، اعم از علمی و اجتماعی است. ایشان در برخورد با مکتب های بیگانه حتی مارکسیسم، اگر نکته مثبتی می دیدند، یادآوری می کردند و مثلاً می گفتند این حرفشان خوب است و تا حالا مکاتب دیگر چنین سخنی نگفته اند و این، خصوصا در طرف داران آن مکتب تأثیر بسیار خوبی دارد و موجب گرایش آنها به سخن گوینده می شود. یکی از عللی که آثار ایشان حتی در میان مخالفین نیز مؤثر است، همین مسئله است. همچنین، در قضاوت درباره افراد، هم جهات مثبت را می دیدند و هم جهات منفی را و این طور نبود که دشمنی با یک شخص موجب شود جهات مثبت او نادیده گرفته و شخص به کلی طرد شود. رعایت این امر برای جامعه امروز نیز بسیار ضروری است». (1)

جاذبه و دافعه استاد

1- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 1، ص 139، به نقل از: فرزند استاد، علی مطهری.

«صراحت استاد در موضع گیری نسبت به افکار سبب شده بود، ایشان ضمن اینکه دوستان محکم و وفاداری پیدا کند، دشمنانی سرسخت نیز داشته باشد. به عبارت دیگر استاد شهید جاذبه و دافعه ای قدرتمند داشت». (1)

بهره مندی از روحیه قوی

«این امر ناشی از ایمان بسیار قوی او به حقانیت راهش است. استاد شهید با قوت نفسی که داشت، هیچ گاه در فکر جمع آوری مرید نبود و چه بسا با کارهایی که می کرد، مریدان بسیاری را از دست می داد، ولی در عوض، از حریم اسلام دفاع کرد و نگذاشت افکار بیگانه را به نام اسلام معرفی کنند. اصولاً زندگی استاد، در معرفی اسلام به دور از هرگونه آرایش و پیرایش خلاصه می شود و این کار نیاز به روحی بزرگ و روحیه ای قوی داشت که از جوسازی ها نهراسد و گاهی بر خلاف جریان آب هم شنا کند». (2)

جامع نگری و قدرت بیان

«این حقیقت برای همه معلوم و آشکار است که استاد گرامی، از لحاظ اینکه توانستند علم و فلسفه را از عرش به زیر آورند و حکمت و فلسفه را با مهارت ویژه خود در میان توده مردم راه دهند، شخصیتی بی نظیر یا کم نظیر بوده اند و این نکته بازگوکننده قدرت بیان و بنان استاد و احاطه عجیب ایشان در فلسفه و سایر علوم انسانی است که تاکنون با این

1- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 1، ص 140، به نقل از: فرزند استاد، علی مطهری.
2- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 1، ص 144.

خصوصیات، همتایی را برای ایشان نمی شناسیم». (1)

اهتمام استاد به حجاب

«پیش از آغاز کنکور اختصاصی دانشکده الهیات، استاد گران مایه، تعداد زیادی روسری تهیه کردند و در روزهایی که از کشف حجاب در رسانه های گروهی، اعم از مطبوعات و رادیو و تلویزیون تعریف و تمجید می کردند، بخشی از این روسری ها را به نگهبان درِ جنوبی و بخشی دیگر را به نگهبان درِ شمالی دانشکده سپردند و به آنها گفتند: هر داوطلب زن که بدون حجاب وارد دانشکده می شود، یکی از این روسری ها را به او هدیه کنید تا سر و گردن خود را با آن بپوشاند و بدون حجاب به دانشکده ای که به سان یک مکان مقدس اسلامی است، وارد نشود». (2)

خارج نشدن از رویه و منش طلبگی

«استاد هیچ گاه از زندگی طلبگی خارج نشد. سال ها قبل، اوایل آشنایی من با ایشان، یک روز به منزلشان رفتم. برخلاف تصورم، دیدم که نه تهران و نه استادی دانشگاه، روی ایشان هیچ تأثیری نگذاشته و ظاهر و برخوردهایشان هیچ فرقی با گذشته نکرده است». (3)

تعامل سازنده با اعضای خانواده

درباره اخلاق نیک مرحوم استاد مطهری، همسر ایشان می گوید:

من بسیار کم سن و سال بودم که به منزل ایشان آمدم، ولی با همه آن صِغر سن، هیچ وقت یادم نمی آید که از ایشان ناراحتی و رنجی دیده باشم. بسیار

1- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 2، صص 67 و 68، به نقل از: سید محمدباقر حجتی.
2- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 2، ص 74، به نقل از: سید محمدباقر حجتی
3- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 2، ص 101، به نقل از: سید حسن طاهری خرم آبادی.

مهربان و با گذشت بودند و به آسایش و راحتی من و بچه ها اهمیت می دادند. آن قدر با من صمیمی و نزدیک بودند که رنج و ناراحتی مرا نمی توانستند تحمل کنند.

یادم هست یک بار برای دیدن دخترم به اصفهان رفته بودم و بعد از چند روز با یکی از دوستانم به تهران برگشتم. نزدیکی های سحر بود که به خانه رسیدم. وقتی وارد خانه شدم، دیدم همه بچه ها خواب هستند، ولی آقا بیدار است. چای حاضر کرده بودند، میوه و شیرینی چیده بودند و منتظر من بودند.

دوستم از دیدن این منظره بسیار تعجب کرد و گفت: همه روحانیون این قدر خوب هستند. بعد از سلام علیک وقتی آقا دیدند بچه ها هنوز خوابند، با تأثر به من گفتند: می ترسم یک وقت من نباشم و شما از سفر بیایید و کسی نباشد که به استقبالتان بیاید. (1)

«ایشان از تمام مسائل خانه خبر داشتند و در بیشتر کارها به من و بچه ها کمک می کردند. ایشان بزرگ ترین حامی و هادی من و بچه ها بودند. از تمام امور بچه ها آگاه بودند. از وضع درس و مدرسه و دوستان بچه ها بااطلاع بودند. با این همه مشغله فکری و علمی، حتی مواظب درس های بچه ها هم بودند و اگر بچه ها مشکلی داشتند، آن را حل می کردند. در مدت 26 سالی که با ایشان زندگی کردم، همیشه با یک حالت تواضع و آرامش با من رفتار می کردند». (2)

اختلافی میان سخن و عملش نبود. از دیدن فرزندان و تربیت و سخن با آنها لذت می برد. البته کثرت مطالعات و مراجعات به ایشان مجال

1- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 2، صص 108 و 109.
2- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 2، ص 108، به نقل از: همسر استاد.

رسیدگی به مسائل دیگر را نمی داد، ولی در به سازی اندیشه های اهل خانه مراقبت کامل داشتند. (1)

این رویه را می توان در لابه لای نکته های تربیتی، در نامه های استاد به فرزندانش دریافت.

نامه استاد مطهری به پسرش

فرزند عزیزم، نور چشم مکرم، آقای علی آقا مطهری وَفَّقَهُ اللّٰهُ لِما یُحِبُّ وَ یَرْضی از خداوند متعال سلامت و موفقیت و حسن عاقبت تو را مسئلت دارم. احوال ما عموما بحمدالله خوب است، غالبا ذکری از شما هم هست. امید دارم در امتحان هایت موفقیت کامل به دست آوری.

فرزند عزیزم دوستان و رفقایت، بالخصوص هم اتاقی هایت را از طرف من سلام برسان. اگر با هم به تهران آمدید، آنها را به منزل بیاور که موجب خوش حالی و مسرت ماست.

در انتخاب دوست و رفیق، فوق العاده دقیق باش که مار خوش خط و خال فراوان است. همچنین، در مطالعه کتاب هایی که به دستت می افتد.

بر اطلاعات اسلامی و انسانی ات بیفزا. اگر جلسات خوبی در تبریز هست، شرکت کن. اگر کتابی از این دست لازم شد، پیغام بده تا برایت بفرستم.

حتی الامکان از تلاوت روزی یک حزب قرآن که فقط پنج دقیقه طول می کشد، مضایقه نکن و ثوابش را هدیه روح مبارک حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بنما که موجب برکت عمر و موفقیت است. ان شاءالله.

1- . محمدحسین واثقی راد، مطهری مطهر اندیشه ها، ج 2، ص 660.

لازم به یادآوری نیست که در انجام فرایض، نهایت دقت را داشته باش. احیانا ممکن است از طرف دانشجویان غیرمذهبی با برخی سؤالات مواجه بشوید که جوابش را خود، حاضر نداشته باشید پس برای من بنویس. مبلغ یک هزار و پانصد ریال، به همراه نامه فرستادم». (1)

استاد بزرگ وار در نگارش این نامه، سنت عرفی نامه نگاری را شکسته و در هر جمله، درسی تربیتی و اخلاقی را به فرزند آموخته است و به جای به کار بردن کلمه های مرسوم، به مسائل اخلاقی توجه دارد. آن بزرگوار به میزان تأثیر هم نشینی نیکان و صالحان و افراد فاسد و شرور بر روح انسان آگاه است و هم نشینی مردمان هواپرست را فراموش خانه ایمان می نامد.

مولای متقیان، علی علیه السلام ، در این باره می فرماید:

«ومجالَسَهُ اَهْلِ الهَوی مَنْسَاه الایمان». (2)

هم نشینی با هوسرانان باعث از یاد رفتن ایمان می شود.

آری تأثیر مباشرت آن قدر پنهان است که هرگز خود شخص به آن پی نمی برد. همان گونه که ورود میکروب ها به دور از چشم عادی صورت می گیرد و هیچ یک از مبتلایان نمی فهمند، انتقال صفات و روحیات نیز چنین است. عارف رومی می گوید:

می رود از سینه ها در سینه ها

از ره پنهان صلاح و کینه ها

1- . نامه استاد شهید مرتضی مطهری، 19/2/1356
2- . نهج البلاغه.

استاد در بخشی دیگر از نامه خود با سفارش به توجه و اتصال همیشگی سرچشمه فیض و برکت، یعنی قرآن و نماز، بار دیگر فرزند را به سوی چشمه سار فضیلت و پاکی فرا می خواند تا همواره از این منبع فیض بهره مند باشد. در پایان به جنبه مادی نیز توجه دارد و می کوشد نیازهای مادی او را نیز برطرف کند. از نظر استاد، امور مادی در حاشیه قرار دارد و اصل نیست، ولی بنده خوب خدا برای پیمودن راه الهی باید از لوازم مادی بهره مند شود. دغدغه اصلی استاد، معنویت است و امور مادی ابزاری برای رسیدن به کمال انسانی است. بنابراین، جای خود را هر چند کوتاه در پایان نامه باز کرده است.

بخشی از نامه استاد مطهری به دخترش

«نور چشم عزیزم، دختر گرامی ام! سلامت و سعادت تو را از خداوند متعال همواره مسئلت داشته و دارم و خوش وقتم که خداوند دعاهای نیمه شب مرا درباره تو مستجاب فرموده، تو را سعادت مند و خوش بخت فرمود. شوهر و زندگی ای نصیبت فرموده که فوق العاده مورد رضایت من است.

فرزند عزیزم می گویند:

مرد خردمند هنرپیشه را

عمر دو بایست در این روزگار

تا به یکی تجربه آموختن

با دگری تجربه بردن به کار

ولی بعضی افراد آن چنان زیرک و باهوش اند که گویی دو بار به دنیا آمده اند و این بار دوم است و بعضی افراد چنان اند که با چند بار به دنیا آمدن هم تجربه نمی آموزند! من امیدوارم و از خداوند متعال مسئلت دارم که تو و سایر فرزندانم از گروه اول باشید. دختر عزیزم خداوند متعال می فرماید:

اگر نعمتی به شما دادم و شما قدر دانستید و حق شناسی کردید، بر نعمات خودم بر شما می افزایم و اگر دچار طغیان و سرکشی و کفران شدید، نقمت، جانشین نعمت می کنم. (ابراهیم: 8)

امید و آرزوی من این است که همه فرزندانم قدردان نعمت ها و تفضلات الهی باشند تا روز به روز خداوند بر تفضلات و نعمات خود بیفزاید. اگر زندگی من و مادرت که از صفر شروع شده (و به طور یقین اگر تو به جای مادرت بودی، تاب نمی آوردی) روز به روز و سال به سال بهتر شده است، لله الحمد از آن جهت است که همیشه قدردان نعمت های الهی بوده ایم و جاهلانه عمل نکرده ایم. همیشه تفکر و تعقل را جانشین احساسات و هیجان ها کرده ایم.

من دوست دارم که تو هر چه در دل داری، با من در میان بگذاری؛ به وسیله نامه یا حضوری.و در هر زمینه ای و درباره هر مطلبی که باشد، فرق نمی کند و اگر مایل باشی که من با احدی در میان نگذارم، نمی گذارم. تو خودت می دانی که دروغ هرگز به زبان و قلم من جاری نمی شود». (1)

1- . نامه استاد شهید مرتضی مطهری، 58/7/1356.

استاد، مهربانی پدرانه خویش را به گونه ای شفاف به دخترش نشان می داد. با آنکه دختر بیشتر با مادر خویش مأنوس می شود و حرف را با او در میان می گذارد، ولی به قدری استاد با فرزندان خود صمیمی بود که این سنت را شکسته و خود، سنگ صبور دخترش بود. در این نامه استاد درس زندگی و بردباری و ایستادگی در برابر مشکلات و بهره مندی از خرد به جای احساس را به گونه ای غیرمستقیم به فرزندش می آموزد و از او می خواهد، شکرگزار نعمت های فراوان پروردگار باشد تا روز به روز خداوند بر موهبت هایش بیفزاید.

هر بار که این نامه ها مرور می شود، برای انسان نکته تازه ای کشف و چهره استاد در ورای نامه دیده می شود و انسان خود را مخاطب نامه استاد می بیند که مانند پدری مهربان با او صمیمانه سخن می گوید. واژه های استاد تا عمق جان نفوذ می کند؛ زیرا سخنی که از دل بر آید، لاجرم بر دل نشیند.

معاشرت با دوستان

استاد، اهل معاشرت هدف دار و اسلامی بود و معمولاً با افراد صالح و هم فکر خود می جوشید و با آنها مأنوس بود. آقایان هاشمی رفسنجانی، مهدوی کنی، موسوی اردبیلی، شهید دکتر باهنر، شهید دکتر مفتح، امامی کاشانی، شهید مظلوم دکتر بهشتی و رهبر انقلاب که از محترمین دوستان و همکارانشان بودند، در لحظات حساس و حوادث مهم پیش و پس از انقلاب، در کنار او و در ارتباط دائم با او بودند. دوستان بسیاری که من اکنون نام های آنها را به خاطر ندارم و بعد از شهادت استاد هم همین ها هستند که مورد احترام و اعتماد من و فرزندان استادند و خاطرات استاد را

برایمان زنده و تجدید می کنند». (1)

کمک به محرومان و مستضعفان

«من از استاد خاطرات زیادی دارم. از بزرگواری این مرد، از کمک هایش به مستضعفین که مرا همیشه شگفت زده و متعجب می کرد، هر چه بگویم، کم است. یک روز به من خبر دادند مریضی در فلان بیمارستان خوابیده و پدرش از نظر مادی وضعش زیاد خوب نیست. من آمدم جریان را به آقای مطهری گفتم. ایشان گفتند: هر وقت از این مریض ها دیدی به من بگو». (2)

گفتم: خیلی خب؟ من آمدم مریض را دیدم. پول هم بردم که اتفاقا همان روزی بود که می خواست از بیمارستان مرخص شود. تمام مخارج بیمارستان را استاد داده بود و مرا مأمور کرده بود که پول را به بیمارستان بدهم و آن مریض را از بیمارستان مرخص کنم. (3)

صفای باطن استاد

«گاهی اوقات کنار رودخانه می رفتیم. نزدیک مغرب، کنار آب زلال، استاد بنا می کردند به زمزمه کردن. هوا خنک بود و کس دیگری هم نبود. بعد اذان می گفتند: باور کنید صفای خاصی داشت. اصلاً ایشان توی عالم دیگری بودند، مخصوصا شب های جمعه. شب های جمعه اگر توی ماشین می نشستند و مشغول دعا خواندن می شدند، هر چه با ایشان حرف می زدی، متوجه نمی شدند. اصلاً خودشان نبودند». (4)

1- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 2، صص 112 و 113، به نقل از: همسر استاد.
2- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 2، ص 127، به نقل از: سید محمود مدنی.
3- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 2، صص 127 و 128.
4- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 2، صص 133 و 134، به نقل از: سید محمود مدنی.

روش مطالعه استاد شهید

«از ویژگی های پدر بزرگوارم این بود که به مطالعه و تحقیق علاقه شدیدی داشتند و از وقت و عمرشان کمال استفاده را می کردند. در یکی از روزهایی که به کتاب خانه ایشان رفته بودم، با کنجکاوی و دقت به کتاب های ایشان نگاه می کردم. پدرم به من گفتند: مجتبی من در طول عمرم خیلی کتاب خوانده ام. رشد و کمال علمی خود را نیز تا حدی مرهون همین مطالعه و تفکر می دانم. پدرم در طول روز، حدود ده ساعت را به تفکر و مطالعه می گذراندند. در دانشکده الهیات اتاق مخصوصی داشتند که ساعت های آزاد و غیردرسی خود را در آنجا به تحقیق و تفکر می گذراندند. یادم هست زمانی که دانشجوی الهیات بودم، پدر بزرگوارم به من گفتند: مجتبی، انسان باید این طور از وقت و عمر خویش استفاده کند. ببین حالا معنی کار و کوشش را بهتر می توانی درک کنی». (1)

مناعت طبع استاد

«استاد حاضر نبودند از غذای دانشکده بخورند. خدمت گزاری از ایشان پرسیده بود: استاد! چرا شما از این غذا نمی خورید؟ غذا مال استادان است. استاد گفته بودند: از کجا می دانید غذا مال استادان است؟ این مال بیت المال است. به شما هم چنین غذایی می دهند؟ خدمت گزار گفته بود: نه. استاد خیلی ناراحت شده بودند. بالاخره روزی به دبیرخانه اعتراض کرد: شما آخر چرا تبعیض می گذارید؟ چرا این قدر اینها را ضعیف حساب می کنید،

1- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 2، صص 152 و 153، به نقل از: مجتبی مطهری.

اینها هم شخصیتی دارند». (1)

تهجد و شب زنده داری

«مرحوم مطهری مرد اهل عبادت و اهل تسویه و تزکیه اخلاق و روح بود. هر شبی که ما (رهبر معظم انقلاب) با مرحوم مطهری بودیم، این مرد، نیمه شب تهجد با آه و ناله داشت، یعنی نماز شب می خواند و گریه می کرد. به طوری که صدای گریه و مناجات او افراد را بیدار می کرد. اتاق ایشان هم یک وضعیت خاصی داشت که توجهات ایشان را مشخص می کرد. یک «الله» بود که با نئون سبز یا با این شب نماها نوشته شده بود و فقط در شب و تاریکی جلوه داشت و مشخص می کرد که استاد همان نیمه شبها که مشغول ذکر خدا هستند و ذهنشان هم به یاد خداست، می خواهند که از همه حواس خود نیز استفاده کنند تا یاد خدا را هر چه بیشتر در خودشان زنده کنند.

به هر حال، ایشان مرد جامع الاطرافی بود، هم سیاسی بود و هم ایدئولوگ و به نظر من قوی ترین ایدئولوگ هم بود. عارف هم بود. اهل تهجد و اهل ذکر و یاد و گریه و دعا». (2)

شهید مطهری و تکریم استادان

تکریم و احترام به استاد، از ویژگی های بارز مردان بزرگ الهی است و این ویژگی ها، در زندگی استاد نیز به چشم می خورد. ایشان درباره حضرت امام خمینی رحمه الله می فرماید:

1- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 2، ص 139، به نقل از: سید محمود مدنی.

2- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 2، صص 56 و 57؛ سیمای استاد در آیینه نگاه یاران، صص 31 و 33.

پس از مهاجرت به قم، گمشده خود را در شخصیتی دیگر یافتم. فکر کردم که روح تشنه ام از این شخصیت سیراب خواهد شد. گرچه در آغاز مهاجرت به قم هنوز از مقدمات فارغ نشده بودم و شایستگی ورود به این جلسات را نداشتم، اما درس اخلاقی که به وسیله شخصیت مجموع در هر پنج شنبه و جمعه گفته می شد و درحقیقت درس معارف و سیروسلوک بود، نه اخلاق به مفهوم خشک علمی، مرا سیراب می کرد. بدون هیچ اغراق و مبالغه ای، این درس مرا آن چنان به وجد می آورد که تا دوشنبه و سه شنبه هفته بعد خودم را شدیدا تحت تأثیر آن می یافتم. بخش مهمی از شخصیت من در آن درس و سپس در درس های دیگری که در طی دوازده سال از این استاد الهی فرا گرفتم، انعقاد یافت و همواره خود را مدیون او دانسته و می دانم راستی که او روح قدس الهی بود. (1)

من که قریب دوازده سال در خدمت این مرد بزرگ تحصیل کرده ام، باز وقتی که در سفر اخیر به پاریس به ملاقات و زیارت ایشان رفتم، چیزهایی از روحیه او درک کردم که نه فقط بر حیرت من، بلکه بر ایمانم نیز اضافه کرد. وقتی برگشتم، دوستانم گفتند چه دیدی؟ گفتم چهار تا «آمَنَ» دیدم:

آمَنَ بِهَدَفِهِ، به هدفش ایمان دارد. دنیا اگر جمع بشود نمی تواند او را از هدفش منصرف کند؛

آمَنَ بِسَبیلِهِ، به راهی که انتخاب کرده ایمان دارد. امکان ندارد بتوان او را از این راه منصرف کرد؛

آمَنَ بِقَوْمِهِ، احدی مثل ایشان به روحیه مردم ایران ایمان ندارد؛

آمَنَ بِرَبِّهِ، در یک جلسه خصوصی به من فرمود: این ما نیستیم که چنین می کنیم، من دست خدا را به وضوح حس می کنم. (2) کنایه از عمق اعتقاد

1- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 2، صص 18 و 19.

2- . نامداران راحل، ص 262.

امام رحمه الله به توحید افعالی است. (1)

استاد درباره پدرش، شیخ محمد حسین مطهری رحمه الله، چنین گفته است:

این مرد بزرگ و شریف هیچ وقت خواب خود را به تأخیر نمی اندازد. شام را سرشب می خورد و سه ساعت از شب گذشته می خوابد و حداقل دو ساعت به صبح مانده بیدار می شود.

یک جزء از قرآن را تلاوت می کند و با چه فراغت و آرامشی نماز شب می خواند. تقریبا صد سال از عمرش می گذرد و هیچ وقت من ندیدم که یک خواب ناآرام داشته باشد. شبی نیست که پدر و مادرش را دعا نکند. شبی نیست که نزدیکان و خویشاوندان را یاد نکند. این لذت معنوی است که او را سر حال نگه داشته است. (2)

همچنین درباره آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی می گوید:

آیت الله بروجردی _ اعلی الله مقامه _ به راستی فقیه بود. من عادت ندارم از کسی نام ببرم. تا زمانی که ایشان زنده بود، در سخنرانی هایم از ایشان نام نبرده ام، ولی حالا که ایشان رفته اند می گویم، این مرد به راستی یک فقیه ممتاز و مبرز بود. بر همه رشته ها از تفسیر و حدیث، رجال و درایه و فقه و سایر فرق اسلامی احاطه و تسلط داشت. او کسی بود که اساسا توحید را در زندگی خودش لمس می کرد و یک اتکا و اعتماد عجیبی به خدا داشت.

درباره مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی می فرماید:

این استاد خوبم، از بزرگ ترین مردانی است که من در عمر خود دیده ام و به راستی نمونه زهّاد و عبّاد و اهل یقین و یادگاری از سلف صالح بود که در تاریخ خوانده ایم. در تابستان سال 1321 ه_ . ش از قم به اصفهان رفتم و برای اولین بار در اصفهان، با آن مرد بزرگ آشنا شدم و از محضرش

1- . نامداران راحل، صص 20 و 21.

2- . نامداران راحل، ص 261؛ سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، صص17و 18.

استفاده کردم. البته این آشنایی بعدها تبدیل به ارادت شدید از طرف من و محبت و لطف استادانه و پدرانه از طرف آن بزرگوار گردید. او از کسانی بود که باید از راه های دور بار سفر ببندیم و فیض محضرش را دریابیم. او را همواره یکی از ذخایر گران بهای عمر خودم می شمارم و حاضر نیستم با هیچ چیزی معاوضه نمایم. شب و روزی نیست که خاطره اش در ذهنم مجسم نگردد و از او یادی نکنم و نامی نبرم و ذکر خیری ننمایم. به خود جرئت می دهم و می گویم او به حقیقت یک عالم ربانی بود، اما به خود جرئت نمی دهم که بگویم مَن مُتَعَلّم عَلی سبِیلِ النَّجاه هستم. یادم هست که در برخورد با او همواره این بیت سعدی در ذهنم جان می گرفت:

عابد و زاهد و صوفی همه طفلان رهند

مرد اگر هست به جز عالم ربانی نیست (1)

استاد درباره علامه سید محمد حسین طباطبائی رحمه الله می فرماید:

این مرد واقعا یکی از خدمت گزاران بسیار بزرگ اسلام است. او به راستی مجسمه تقوا و معنویت است. در تهذیب و تقوا، مقامات بسیار عالی و معنوی را طی کرده. حضرت آقای طباطبائی از نظر کمالات می توانند صور غیبی را که افراد عادی از دیدن آنها ناتوان اند، مشاهده کنند.

من سالیان دراز از فیض محضر پربرکت این مرد بزرگ بهره مند بوده ام. کتاب تفسیر المیزان ایشان یکی از بهترین تفاسیری است که در مورد قرآن مجید نوشته شده است. من می توانم ادعا کنم که بهترین تفسیری است که در میان شیعه و سنی از صدر اسلام تا امروز نوشته شده است. او بسیار مرد عظیم و جلیل القدری است. مردی است که صد سال دیگر، تازه باید بنشینند و افکار او را تجزیه و تحلیل کنند و به ارزش او پی ببرند. ایشان در دنیای اسلام چهره شناخته شده ای هستند، نه تنها در

1- . نامداران راحل، ص 261.

دنیای اسلام، بلکه در اروپا و امریکا نیز مردم ایشان را به عنوان یک متفکر بزرگ می شناسند. (1)

روشن بینی و دوراندیشی

یکی دیگر از مهم ترین ویژگی های استاد، روشن بینی و دوراندیشی او بود که دراین باره می توان به مجموعه سخنرانی های وی در روزهای پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کرد. او در این مدت، نزدیک به بیست سخنرانی درباره مهم ترین مسائل و موضوع های انقلاب ایراد کرد و به شبهه هایی پاسخ داد که درباره ولایت فقیه، آزادی و دموکراسی در جمهوری اسلامی، عدالت اجتماعی، استقلال فرهنگی، نقش زن در جمهوری اسلامی، معنویت در جامعه و رهبری و روحانیان، مطرح بود. مطالب این سخنرانی ها، از مطالعه های گسترده و ژرف استاد در زمینه های سیاسی، اجتماعی و حقوقی و آمادگی استاد برای اظهارنظر و تحلیل مسائل جدید خبر می داد.

همچنین استاد در فروردین ماه سال 1358، سه گفت وگوی تلویزیونی داشت که در آنها، مسائل مربوط به چیستی و ساختار نظام جمهوری اسلامی و تفاوت آن با دیگر نظام های اجتماعی و حکومتی را به خوبی بیان می کند. این گفت وگوها در آن زمان بر روی روشن فکران مخالف جمهوری اسلامی بسیار اثرگذار بود.

افزون بر این، استاد حدود دو هفته پیش از شهادت، در گفت وگویی مطبوعاتی، نکته هایی دقیق درباره ویژگی های انقلاب اسلامی و آینده آن بیان کرد:

1- . نامداران راحل، ص 262.

ما معتقدیم که حرکت جامعه ها و حرکت انسان ها به سوی استقلال هر چه بیشتر فکری و آزادی بیشتر از جبر محیط طبیعی و محیط اجتماعی و وابستگی بیشتر به ایمان و ایدئولوژی است و البته ما آینده را پیش بینی می کنیم که آینده بشریت، آینده جامعه توحیدی است؛ جامعه توحیدی، هم به مفهوم فکری و اعتقادی و هم به مفهوم اجتماعی. همچنین ما، فکر می کنیم که انقلاب اسلامی می تواند الگویی برای کشورهای دیگر باشد. (1)

در این گفت وگو، استاد در پاسخ به پرسشی که درباره شرایط موفقیت انقلاب اسلامی مطرح شده است، گفت:

مسائلی که من در سخنرانی هایم گفته ام، به عنوان شرایط است. شرایط یعنی چیزهایی که بدون آنها مشروط امکان پذیر نیست، لذا انقلاب اسلامی اگر بخواهد سلب کننده آزادی ها باشد، این یک آفت است برای آن. اگر بخواهد نسبت به عدالت اجتماعی به معنای دقیق کلمه حساسیت کافی نداشته باشد، به خطر خواهد افتاد. اگر تحت تأثیر مکتب های ماتریالیستی، معنویت را کوچک و ضعیف بشمارد و گرایش مادی زیاد پیدا کند، باز به خطر خواهد افتاد. اگر استقلال را، چه استقلال سیاسی و چه استقلال اقتصادی را کوچک بشمارد، باز در خطر است. (2)

استاد در ادامه چنین می گوید:

من در آن جزوه ای که به نام «نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر» منتشر شد، بحثی را با عنوان آفت های نهضت مطرح کرده و در آنجا هشدارهایی نسبت به آفت های نهضت داده ام و از آن جمله است: مسئله رخنه فرصت طلبان. چون همیشه پس از آنکه یک نهضت پیروز شد یا وقتی که سختی ها منقرض می گردد و آثار و علایم پیروزی پدیدار می شود، فورا

1- . پیرامون انقلاب اسلامی، ص 21.
2- . پیرامون انقلاب اسلامی، صص 22 و 23.

افراد فرصت طلب که از هر فرصتی استفاده می کنند، خودشان را توی نهضت می اندازند و بعد هم آن چنان تندتر از دیگران شعار می دهند و دادوفریاد می کنند که صدای انقلابیون اول را تحت الشعاع قرار می دهند و اگر مراقبت نشود و جلوی این فرصت طلب ها، اعم از افراد یا گروه های فرصت طلب گرفته نشود، قهرا نهضت به خطر خواهد افتاد. (1)

افزون بر آنچه آمد، دوستان و نزدیکان شهید مطهری، بیست ویژگی مهم برای ایشان ذکر می کنند که بدین شرح است:

1. همیشه با وضو بودند و به این کار سفارش می کرد.

2. به طبیعت علاقه بسیاری داشت و گاه ساعت ها در مکان های با صفا می نشست و می اندیشید.

3. نماز شب می خواند.

4. زمان بیان مطالب علمی، از اطراف خود غافل می شد.

5. شب ها پیش از خواب، حدود بیست دقیقه قرآن می خواند.

6. به انجام فرایض فرزندان نظارت دقیق داشت.

7. به مستمندان کمک می کرد.

8. مطالب مهم را در فرصت مناسب و به طور منظم یادداشت می کرد.

9. در حاشیه کتاب هایی که می خواند، عنوان یا خلاصه مطالب یا اشکال های وارده را می نوشت.

10. در برخورد با انحراف های فکری، از فضای حاکم بر اجتماع واهمه ای نداشت و فضای ناسالم را می شکست.

1- . پیرامون انقلاب اسلامی، ص 23.

11. از جوانی به شهادت بسیار علاقه داشت و به افراد می سپرد تا دراین باره برایشان دعا کنند.

12. برای پدر و مادر و نیز استادان خود احترام وصف ناپذیری قائل بود.

13. هنگام روضه سیدالشهدا علیه السلام ، مناجات شبانه و نیز درگذشت پدر و مادر، با صدای بلند گریه می کرد.

14. پس از نماز مغرب و عشا، سجده های طولانی داشت.

15. از شهرت و مریدپروری گریزان بود.

16. نظم و انضباط دقیقی بر کار و زندگی ایشان حاکم بود.

17. از تظاهر، چه در امور عبادی و چه در امور اجتماعی و سیاسی، به شدت پرهیز داشت.

18. بسیار متین و پرهیبت و در عین حال در موارد لزوم شوخ بود.

19. عبارت: «أُفَوِّضُ أَمْری إِلَی اللّهِ إِنَّ اللّهَ بَصیرٌ بِالْعِبادِ» را در قنوت و هنگام ذکر گفتن زیاد می خواند.

20. به دستگیری خداوند ایمان داشت و در شرایطی که دشمنان کار را برایشان سخت می کردند، صبور و امیدوار به امدادهای الهی بود. (1)

استاد مطهری از نگاه بزرگان

امام رحمه الله و حاصل عمر

امام خمینی رحمه الله در بیان شیوای خود، در سوگ این استاد فرزانه گفت:

من در تربیت چنین فرزندانی که با شعاع فروزان خود مردگان را حیات می بخشند و به ظلمت ها نور می افشانند، به اسلام بزرگ، مربی انسان ها و به

1- . شیخ شهید،تهران، صدرا، 1375، ص 56.

امت اسلامی تبریک می گویم. من اگر چه فرزند عزیزی را که پاره تنم بود از دست دادم، لکن مفتخرم که چنین فرزندان فداکاری در اسلام وجود داشته و دارد. مطهری که در طهارت روح و قوت ایمان و قدرت بیان کم نظیر بود، رفت و به ملأ اعلی پیوست، لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفی اش نمی رود.

پیام پر جذبه و سوزناک امام رحمه الله در رثای استاد و ژرفای اندیشه های ناب این شهید فرزانه بسیار تأمل برانگیز است. امام بر این باور بود که ایشان عمر پربار و ارزنده خود را در راه هدف مقدس اسلام صرف و با کج روی ها و بی عدالتی ها سرسختانه مبارزه کرده است. امام اندوه و تأثر خود را بدین گونه نشان داد:

من فرزند بسیار عزیزی را از دست داده ام و در سوگ او نشستم که از شخصیت هایی بود که حاصل عمرم محسوب می شد. به اسلام عزیز به شهادت این فرزند برومند و عالم جاودان ثلمه ای وارد شد که هیچ چیز جای گزین آن نیست.

همان گونه که بدخواهان، در زمان زندگی استاد اندیشه های بلند استاد را تحمل نمی کردند، پس از شهادت آن عزیز هم دست از توطئه برنداشتند و کوشیدند آثار استاد را به فراموشی بسپارند. بر این اساس، امام سفارش می کرد:

اکنون شنیده می شود که مخالفین اسلام و گروه های ضدانقلاب در صدد هستند که با تبلیغات اسلام شکن خود دست جوانان عزیز دانشگاهی را از استفاده از کتب این استاد فقید کوتاه کنند. من به دانشجویان و طبقه روشن فکران متعهد توصیه می کنم که کتاب های این استاد عزیز را نگذارند

با دسیسه های غیراسلامی فراموش شود. (1)

رهبری و استاد مطهری

رهبر فرزانه انقلاب درباره شخصیت ارزنده استاد شهید می گوید:

آثار استاد مطهری مبنای فکری نظام جمهوری اسلامی است و به حق شاگرد شایسته امام امت و از افراد نادر و کم نظیر زمان ما و عصاره ای از اندیشه های اسلامی و عمیق امام می باشند. (2)

کمتر کسی و کمتر اندیشمندی را مانند استاد شهید مطهری می توان یافت که با این ظرفیت فکری و روحی مشغول به کار بوده باشد. هر سخنرانی این شهید عزیز را می توان به عنوان یک کار تخصصی و پرمایه دانست. لذا شایسته است بر روی مبانی فکری و خط فلسفی ایشان کارهای زیادی بشود. (3)

در جای دیگری نیز از او به عنوان یکی از معماران بنای فکری یاد می کند و می گوید:

استاد مطهری به حق، یکی از بزرگ ترین معماران بنای فکری نظام اسلامی به حساب می آید. (4)

کتاب ها و مباحث و گفتارهایی که آن عالم دل سوز و مؤید من عنداللّه به آنها پرداخته است، یکایک لازم و حیاتی برای جامعه است؛ چه مباحث اجتماعی، چه مباحث فکری، چه مباحث عمومی و چه مباحث فلسفی خاص، همه اینها چیزهای لازمی است. (5)

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمه الله نیز درباره استاد شهید چنین گفته

1- . به نقل از: سیمای استاد در آیینه نگاه یاران، صص 19 _ 23. با تلخیص
2- . مجله 15 خرداد، استاد در کلام رهبر، ص 24.
3- . نامداران راحل، ص 270.

4- . جواد محقق، تاوان عشق، تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، 1371، ص 14.
5- . سیمای استاد در آیینه نگاه یاران، ص 23.

است:

استاد شهید مطهری در مسئله اسلام شناسی از جهات مختلف اگر نگوییم در این زمان بی نظیر است، لااقل کم نظیر است. (1)

آیت الله مهدوی کنی نیز بر این باور است که:

مرحوم استاد مطهری ده سال آینده را، زودتر از همه ما درک می کردند و ما بعد از او بودیم. (2)

همچنین، علامه طباطبائی رحمه الله درباره استاد شهید گفته است:

مرحوم مطهری هوش فوق العاده ای داشت و حرف از او ضایع نمی شد. حرفی که می گفتیم، می گرفت و به مغزش می رسید. علاوه بر مسئله تقوا و انسانیت و جهات اخلاقی که انصافا داشت، یک هوش فراوانی هم داشت و هر چه می گفتیم هدر نمی رفت، مطمئن بودم که هدر نمی رود. وقتی ایشان در جلسه درسم حاضر می شدند، بنده حالت شوق و شعف پیدا می کردم به جهت اینکه می دانستم هر چه بگویم هدر نمی رود و محفوظ است. به همین ترتیب، خودش مبدأ تحصیل دیگران شد و شروع به تألیف کتاب کرد و انصافا هم کتاب هایش خیلی عالی است! (3)

حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی نیز درباره وی چنین می گوید:

اگر استاد مطهری زنده بود، می توانستیم بزرگ ترین دانشگاه تاریخ اسلام را در دنیا به وجود بیاوریم. ما با شهادت ایشان از این جهت ضربه بزرگی خوردیم و اگر آثار ایشان خدای ناکرده در کتاب خانه ها دفن شود، برای ما

1- . ویژه نامه ششمین سالگرد شهادت استاد مطهری، ص 199.
2- . سیمای استاد در آیینه نگاه یاران، ص 77.
3- . شیخ شهید، ص 46؛ پیام انقلاب، 1360، ش 31.

یک خسارت مهمی است. (1)

مرحوم استاد شهیدمان آقای مطهری، هم در شکل گیری شورای انقلاب نقش مؤثری داشتند و هم در کارهای بعدی، یعنی در شکل گیری شورای انقلاب و در هدایت فکری شورای انقلاب هم مؤثر بودند. مسئولیت در شورای انقلاب را امام توسط ایشان و از طریق ایشان به عهده ما گذاشتند. (2)

آیت الله موسوی اردبیلی هم دراین باره بر این باور است:

مطهری شخصی بود دارای افکار بلند با مایه علمی بسیار، دارای تفکر عمیق و اندیشمند، توانا و در عین حال فعال، علاقه مند و دل سوز. با از دست دادن ایشان ما به حق یک ملتی را، یک جهانی را و یک سرمایه بزرگی را از دست دادیم. (3)

شخصیت علمی ایشان را همه می دانند. از نظر فلسفی کم نظیر بود و از نظر مسائل فقه و اصول هم بسیار شخصیت بارزی داشت. از نظر قلم، بسیار قوی بود. از نظر تفکرات اجتماعی و سیاسی هم آدم نیرومندی بود. شهید مطهری عاشق اسلام بود، در فکر اسلام بود، در خط اسلام بود و حساسیت عجیبی نسبت به گروه و یا گروه هایی داشت که آگاهانه یا ناآگاهانه به انحراف از این خط کشیده می شوند. (4)

رفتار بسیار جالبی با شاگردان، دوستان، آشنایان و بیگانگان داشت. از نظر فضایل اخلاقی دارای فضایل زیادی بود، برخوردش، صحبتش، رفت و آمدش، دوستی هایش، موضع گیری هایش، همه و همه روی موازین شرعی حساب شده و اسلامی بود. فروتن بود، متواضع بود، حقوق دیگران را بسیار

1- . نامداران راحل، ص 270؛ تاوان عشق، ص 15.
2- . مجله سروش، 11/2/1361؛ کیهان، 12/2/60.
3- . نامداران راحل، ص 270.
4- . سیمای استاد در آیینه نگاه یاران، صص 83 و 84 .

محترم می شمرد و هیچ گاه اثری از تکبر در ایشان ندیدیم. با همه رفتارش یک انسان کامل و مسلمان بود. (1)

شهید آیت الله بهشتی نیز معتقد بود:

مرحوم مطهری دارای فکری قوی و تحلیل گر و قدرت جمع آوری و جمع بندی بود و این را در آثار و کتاب های ایشان به خوبی می توانیم ببینیم. در فقه و اصول در حد اجتهاد و صاحب نظر بودند؛ در فلسفه بسیار پرمطالعه و پربهره بود. در فلسفه مقایسه ای و تطبیقی با مکاتب فلسفی غرب در چند قرن اخیر دارای مطالعات گسترده ای بودند. در تفسیر و تاریخ و حدیث دارای مطالعات خوب و ارزنده ای بود. کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران ایشان، نشان دهنده این بخش از مطالعات ایشان است. (2)

همچنین شهید دکتر باهنر درباره استاد چنین گفته بود:

شهید مطهری دقیقا در تنظیم و نشر اعلامیه های امام رحمه الله که از نجف می رسید، نقش داشت و در تهیه بعضی از پیام های مخفیانه ای که مردم نمی دانستند از کجاست، شرکت داشتند. (3)

یکی از خصوصیات استاد این بود که سخت در برابر اصل اسلام و اصل قرآن تعصب داشت. کوچک ترین انحرافی را در یک برداشت تفسیری، فلسفی، اقتصادی، اجتماعی که درباره اسلام می دید، عکس العمل نشان می داد. (4)

در جریان مسائل انقلاب در عین اینکه حضور سیاسی داشت، اما حضور فکری و فلسفی و اسلام شناسی او در انقلاب بیشتر بود و لذا دشمن وقتی دید انقلاب اسلامی به مغزهای سیال و متفکری که باید انقلاب را تغذیه و

1- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 1، صص 107 و 108.
2- . سیمای استاد در آیینه نگاه یاران، ص 211.
3- . نامداران راحل، ص 270.

4- . سیمای استاد در آیینه نگاه یاران، ص 238؛ سرگذشت های ویژه، ص 22.

خط راستین مکتب و خط اصیل را از هرگونه آمیزه و التقاط و انحراف حفظ کند، نیاز دارد، این چنین مورد هدف قرار می دهد. (1)

شهید دکتر مفتح هم بر این باور بود:

مسئله مهم برای ما راه مطهری، مکتب مطهری و فکر مطهری است. اصولاً درباره همه شخصیت های الهی، ما این عقیده را داریم که با فقدان و از دست دادن آنها نباید مکتب آنها فراموش بشود.

ما برای احترام به شخصیتی مانند مطهری باید احترام به اثر او، فکر او و مکتب او داشته باشیم. او شهید راه مکتب شد، شهید راه عقیده شد، عقیده توحیدی، ایستادن در برابر مکتب های شرک و مادی گری. (2)

برای او تنها مسئله مهم، مسئله عقیده بود. ایمان به الله و فکر الهی بود. به من فرمودند: به خدا اگر امام و رهبر ما پیروز بشود هیچ پُستی نمی خواهم. برای من همین زندگی که الان دارم؛ کتاب خانه ام برایم بهترین لذت هاست، من می خواهم کتاب بنویسم، تحقیق کنم، و از اسلام عزیز دفاع کنم این هدف من است. بنابراین، این کوشش و این تلاش ارزش شخصی برای من ندارد. (3)

شهید آیت الله مدنی نیز معتقد بود:

چشمان مطهری، همیشه برای شهادت در راه خدا گریان بود و عاقبت به این آرزو رسید. (4)

همچنین، شهید آیت الله صدوقی درباره استاد گفته بود:

این جمله را از امام قبل از شهادت شهید مطهری به یادگار دارم. امام

1- . سیمای استاد، ص 248.
2- . سیمای استاد، صص 226 و 227.
3- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ص 95.
4- . نامداران راحل، ص 270.

فرمودند: خیلی علاقه دارم تا آقای مطهری باشد و در دوره شکوفایی جمهوری اسلامی، جامعه ایران و برادران مسلمان بتوانند حداکثر استفاده را از او بنمایند. (1)

شهید حجت الاسلام محلاتی نیز درباره ایشان چنین اعتقادی داشت:

در روایت داریم قلم دانشمندان بر خون شهیدان برتری و فضیلت دارد. شهید مطهری در راه شناساندن چهره اصیل اسلامی، نخست قلم زد و آن گاه خونش را نثار کرد. (2)

از بارزترین و مهم ترین خصوصیت شهید مطهری، تعبد او به اعتقادات و احکام اسلامی بود و به این دلیل به خاطر تسلط و چیرگی فراوانش در علوم اسلامی، انحرافات را قبل از دیگران می شناخت و با آنها مبارزه می کرد. وقتی گروه فرقان جزوه هایی در تفسیر قرآن مجید منتشر کرد، استاد مطهری در جلسه روحانیت مبارز فرمود: اینها خطرناکند؛ چون در قرآن تصرف می کنند. این غیر از تجاوز به مال یا تجاوز به علم است، این تجاوز به وحی است. یک روز نیز در منزل خودشان در جمع دوستان فرمودند: من با اینها مقابله می کنم، ممکن است مرا بکشند، اما من حرف خودم را می زنم، چون می دانم که اینها برای دین خطرناکند.

با ملی گراها نیز سخت مخالف بودند. اصولاً شهید مطهری اعتقاد داشت که ملی گرایی نوعی انحراف است. ملی گرایان نیز با ایشان موافق نبودند. خلاصه اینکه آن استاد بزرگوار به خاطر تعبدی که به اسلام داشت، با هر جریان انحرافی قاطعانه مبارزه می کرد. (3)

1- . سیمای استاد در آیینه نگاه یاران، ص 204.
2- . سیمای استاد در آیینه نگاه یاران، ص 258.
3- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، تهران، نشر ذاکر، ج 1، صص 99 _ 101.

فصل چهارم: شهادت استاد

1. علل و ریشه های شهادت استاد

پس از ترور سرلشکر قرنی که در ابتدای پیروزی انقلاب، در پی علاقه و وفاداری او به اسلام و روحانیان رخ داد، گروه فرقان اعلام کرد که دو روحانی را نیز ترور می کند. در آن زمان استاد به برخی شاگردانش گفته بود: «بعد از قرنی نوبت من است؛ چون گروه فرقان با من کینه دیرینه دارد».

گروه فرقان، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از کنفرانس هفت کشور صنعتی، بیانیه ای صادر کرد و انقلاب اسلامی را زاییده توافق اعضای شرکت کننده در آن کنفرانس نامید. این گروه در آن بیانیه از مرتضی مطهری، اکبر هاشمی رفسنجانی و مهدی عراقی به عنوان رهبران جنبش یاد کرد و بعدها نیز برای ترور این سه نفر کوشید.

گروه فرقان در آن زمان فعالیت اصلی خود را تفسیر قرآن، بر اساس برداشت های شخصی قرار داده بود و آیات قرآن را با برداشت های مادی، یا به گفته خودشان انقلابی، ترجمه و تفسیر می کرد. برخی جزوه های آنها با

نام «برداشت های جدید از قرآن»، در برخی دانشگاه ها چاپ شده بود و برخی افراد ناآگاه نیز آنها را مظهر اسلام انقلابی می پنداشتند.

استاد مطهری که همواره در برابر انحراف های فکری بسیار حساس بود، از این تفسیرهای غیرمنطقی، احساس خطر کرد و چند بار به آنها پیغام داد که بیایید با هم صحبت کنیم؛ چون این نوشته های شما درست نیست و سبب گمراهی جوانان خواهد شد، ولی آنها بر ادامه راه خود اصرار ورزیدند و در نهایت، به استاد پیغام دادند که اگر بخواهید در برابر ما بایستید، ما با شما برخورد می کنیم. استاد که احساس مسئولیت می کرد و سکوت در برابر این تحریف ها را سبب لعنت و عذاب خداوند می دانست، دیدگاه های خود را در پیش گفتار چاپ هشتم کتاب علل گرایش به مادی گری، با نام «ماتریالیسم در ایران» ابراز کرد و بی گمان آن مقاله را می توان یکی از علت های اثرگذار شهادت استاد به شمار آورد.

پس از چاپ این مقاله، گروه فرقان در صدد برآمد تا استاد را از سر راه خود بردارد. البته در این میان، از تأییدهای سازمان منافقین از گروه فرقان و همچنین حمایت اربابان خارجی این گروه نیز نباید غافل شد، چنان که بعدها در اسناد لانه جاسوسی امریکا، مدرک هایی در این زمینه به دست آمد. بدین ترتیب، در روز سه شنبه، یازدهم اردی بهشت 1358، ساعت ده و بیست دقیقه شب، استاد مرتضی مطهری پس از عمری تلاش در راه خدمت به اسلام و مسلمانان، به دست گروه گمراه و جنایت کار «فرقان» به شهادت رسید.

به دنبال این حادثه، بهت و حیرت همراه با غم و اندوه سراسر ایران را

فرا گرفت و امام خمینی رحمه الله به مناسبت شهادت استاد، پیام مهمی صادر کرد که نشانه عمق علاقه و اعتماد ایشان به استاد و همچنین نهایت تأسف و تأثر از این حادثه بود. امام در این پیام برای گرامی داشت این مجاهد بزرگ که او را محصول عمر خویش می دانست، یک روز عزای عمومی اعلام کرد و خود در مدرسه فیضیه مراسم سوگواری بر پا کرد.

پس از شهادت استاد، فرزندان انقلاب اسلامی به انهدام گروه فرقان تصمیم گرفتند و ظرف چند ماه اعضای این گروه را دستگیر کردند. اعضای این گروه پس از دستگیری، در زندان و در فرصت به دست آمده به مطالعه آثار استاد پرداختند و به جز یکی _ دو نفر از آنها، بقیه اعلام پشیمانی کردند. قاتل استاد مطهری نیز در زندان از این عمل شنیع خود پشیمان شد و با بیان این مطلب که من اصلاً استاد را نمی شناختم، گفت: «اکنون فهمیدم همه حرف هایی که به ما درباره روحانیان گفته بودند، دروغ بوده است. «من به شدت پشیمانم. من جنایت بزرگی مرتکب شده ام». (1)

2. خواب استاد

استاد مطهری در سال های اخیر گرایش عجیب به سیروسلوک و عرفان پیدا کرده بود. هر شب پس از نماز مغرب و عشا، یک یا چند سوره از قرآن را با صدای خوش می خواند و نیمه شب برای خواندن نماز برمی خاست. شب پیش از شهادت، استاد خوابی می بیند که این گونه تعریف کرده اند:

خواب دیدم که با رهبر انقلاب در شهر مکه و در مقابل کعبه قرار دارم. ناگهان درِ کعبه باز شد و چهره نورانی حضرت نمودار گشت. امام فرمودند

1- . سایت تابناک www.tabnak.ir/pages/?cid=9802

که ایشان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند. چشمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر امام خیره شده بود. وقتی که خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدیم، حضرت امام را در آغوش کشیدند و پیشانی ایشان را بوسیدند، اما بعد به طرف من برگشتند و لب های مرا چند بار غرقه در بوسه کردند. (1)

3. خواب مادر استاد

مادر استاد که از زنان محترم و تحصیل کرده است، درباره فرزندش چنین می گوید:

در زمانی که استاد مطهری را هفت ماهه حامله بودم، در خواب دیدم که در مسجد فریمان، تمام زنان فریمان نشسته اند و من هم آنجا هستم. یک دفعه دیدم خانم بسیار محترم و مقدسی با مقنعه وارد شدند و دو خانم دیگر دنبال ایشان می آمدند. درحالی که گلاب پاش هایی را در دست داشتند، آن خانم مجللی که در جلوی آن دو خانم بودند، به آنها گفتند: گلاب بریز و آنها روی سر تمام خانم ها گلاب پاشیدند و وقتی به من رسیدند، سه بار روی سر من گلاب ریختند. ترس مرا فرا گرفت که نکند در امور دینی و مذهبی ام کوتاهی کرده باشم. ناگزیر مجبور به سؤال کردن شدم و از آن خانم پرسیدم: چرا روی من سه دفعه گلاب پاشیدند؟ ایشان در جواب گفتند: به خاطر آن جنینی که در رحم شماست. این بچه به اسلام، خدمت های بزرگی خواهد کرد. لذا وقتی به دنیا آمد، با بچه های دیگر فرق داشت. به طوری که در سه سالگی کت را بر دوش می انداخت و به اتاقی در بسته می رفت و درحالی که آستین های کت به زمین می رسید، به نماز خواندن می پرداخت. (2)

1- . نامداران راحل، ص 271، به نقل از: مجله عروه الوثقی، تاریخ 9/2/1361، از زبان همسر استاد.

2- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 2، صص 105 و 106.

4. خواب پس از شهادت

«در شبی که ایشان شهید شدند، ما تا صبح بیدار بودیم. آن شب، اتفاقی به یادماندنی افتاد. ساعت دو و نیم صبح بود که ساعت زنگ زد و ما از این مسئله فهمیدیم که پدرم از شب قبل برای نماز شب، ساعت خود را تنظیم کرده بودند، ولی افسوس که دیگر ایشان برای برپا داشتن نماز شب نبود. پس از شهادتشان هنوز حضورشان را در زندگی احساس می کنیم. در بعضی موارد، به واسطه هایی مانند خواب یا افراد دیگر ما را راهنمایی می کنند. پس از حدود دو ماه که از شهادت ایشان می گذشت، در یکی از خواب هایی که دیدم، از ایشان پرسیدم: ما چطور قاتل شما را بشناسیم؟ ایشان فرمودند: وقتی او را ببینید، لباس سبز بر تن دارد. چند ماه بعد که برای محاکمه ضارب ایشان به دادگاه رفتم، در وسط دادگاه یک مرتبه به یاد این خواب افتادم و دیدم که قاتل لباس سبز بر تن دارد». (1)

5. خواب شب شهادت!

«در شب شهادت استاد، ساعت یک نیمه شب، تلفن به صدا درآمد. گوشی تلفن را برداشتم. یکی از عرفا که از دوستان آقا بودند، پشت خط بودند. ایشان از حال آقای مطهری پرسیدند، گفتم ترور شده اند. خیلی ناراحت و منقلب شدند و گفتند: الان خانمی که از شاگردان بنده هستند، تلفن کردند و گفتند: ساعت یازده شب خواب دیده اند که قبر سبزی را به

1- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 3، به نقل از: فرزند استاد، محمد مطهری.

ایشان نشان می دهند و می گویند اینجا را زیارت کنید. این خانم می پرسند این قبر کیست؟ می گویند قبر امام حسین علیه السلام است و قبر سبز دیگری را نشان می دهند و می گویند این قبر را هم زیارت کنید. می پرسند این قبر کیست؟ می گویند قبر آقای مطهری است. بعد ایشان را عروج می دهند و به یک جای وسیعی می برند. در آنجا تخت نورانی ای را نشان می دهند که بسیار زیبا بوده و عده ای دورش می گشتند و صلوات می فرستادند و می گفتند: این جای اولیاءالله است. در همین وقت آقای مطهری وارد می شوند و روی آن تخت می نشیند. این خانم نزدیک می شوند و می گویند: شما اینجا چه کار می کنید؟ آقا می فرمایند: من الان وارد شده ام. من از خدا یک مقام عالی می خواستم، ولی خدا یک مقام متعالی به من عنایت فرمود و این خانم از خواب می پرند.» (1) بعدها معلوم شد این خواب، درست زمانی که استاد ترور شد، دیده شده است.

6. عروج و شهادت استاد

استاد خود را برای شهادت آماده کرده بود. پس از ترور سرلشکر قرنی فرمود: «بعد از قرنی نوبت من است.» (2) شهید مطهری نیز مانند مولایش، حضرت علی علیه السلام به سبب کینه خوارج زمان خود، آن هم از ناحیه سر و از پشت سر و در تاریکی شب به شهادت رسید. ایشان در شب، هنگامی که تنها صدای بال های فرشتگان شنیده می شد که برای پرواز روح پاک مطهری

1- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 2، صص 117 و 118.

2- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 3، ص 170، به نقل از: فرزند استاد، محمد مطهری.

به زمین هبوط کرده بودند، از پشت هدف گلوله قرار گرفت. گلوله آتشین از زیر لاله گوش راست، داخل و از بالای ابروی چپ خارج شد و عاشقی از عشاق، سرسپردگی اش به معشوق حقیقی را به اثبات رساند.

ترور شهید مطهری برنامه ای دقیق و حساب شده بود. یک شخصیت برجسته اسلامی و مورد اعتماد کامل حضرت امام و ایدئولوگ انقلاب اسلامی، بی گمان از دید دشمن می توانست نخستین هدف باشد. در ظاهر گروه فرقان در شهادت استاد نقش داشت، ولی در واقع این گروه تنها عاملی بود برای اجرای توطئه و دست های مرموزی که از پشت سر آن را هدایت می کردند. گروه فرقان در بیانیه پس از شهادت، ایشان را هم راه و هم گام رژیم طاغوتی نامید و علت ترور را بدعت گذاری در دین و جعل اصطلاح دروغین ماتریالیسم منافق قلمداد کرد. همکاری ایشان با رژیم پیشین، گویا پدیدآوردن کتاب محققانه و ارزشمند خدمات متقابل اسلام و ایران و بدعت گذاری او در دین هم، به کارگیری اصطلاح ماتریالیسم منافق، در کتاب علل گرایش به مادی گری بوده است.

با دقت در اصل موضوع، بی اساس بودن این ادعا بیشتر روشن می شود. در مقدمه کتاب علل گرایش به مادی گری، استاد مطهری ضمن نقد منطقی برداشت های نادرست احمد شاملو از اشعار حافظ و نقد علمی کتاب حلاج علی میرفطروس، درباره ماتریالیست بودن حلاج، به اندیشه های التقاطی اشاره می کند و هواداران آن را به دقت و بحث و گفت وگو فرا می خواند و حتی آنها را «عزیزان من» خطاب می کند و از آنها می خواهد که در برداشت های خود از قرآن، تجدید نظر کنند. ایشان در این مقدمه چنین

نوشته است: «ناچاریم آن را ماتریالیسم منافق بنامیم.» در آخر پیش گفتار می نویسد: «این بود شمه ای از تفکراتی که می خواستم خیرخواهانه و دوستانه به عزیزانی که هنوز فکر می کنم اغفال شده اند، بدهم و امیدوارم این تذکرات، سودمند واقع گردد.»

آیا باور کردنی است که انسان دانشمند و اندیش مند و وارسته ای را به دلیل این جمله که به گمان آنها بدعت در دین بوده است، به شهادت رساند لحن پدرانه و انسان دوستانه شهید مطهری و تعبیر «عزیزان من» صداقت و صفای استاد را نشان می دهد، ولی متأسفانه قاتلان هرگز در اندیشه صفا و صداقت نبودند تا یادآوری دل سوزانه استاد سودمند افتد. (1)

آری استاد مطهری با یک دنیا افکار نو و نورانی و امید و آرزوی طلایی و طولانی برای خدمت به اسلام و مسلمانان، جامه سرخ شهادت را به تن کرد. آنها مغز نورانی اش را متلاشی کردند. استاد در برابر اندیشه غیرمذهبی و غیرعلمی گروه فرقان موضع گیری کرد و این موضع گیری، آدم نابخردی چون اکبر گودرزی را تحریک کرد و تصمیم به قتل ایشان گرفت. افرادی که آلت دست گودرزی شده بودند، بچه هایی ساده لوح بودند. از جمله قاتل شهید مطهری که وقتی در زندان واقعیات را دید، به شدت دگرگون شد، ولی دیگر کار از کار گذشته بود.

مرحوم شهید اسدالله لاجوردی دراین باره می گوید:

یادم می آید در مراسم اعدام قاتل، خانواده شهید آیت الله مطهری هم تشریف آورده بودند. جوانی که دستش به خون استاد آلوده شده بود،

1- . استاد مطهری در گذر اندیشه ها، صص 175 و 176.

بسیار منقلب و از کرده خود پشیمان بود. در همان لحظات آخر، همسر آیت الله مطهری از جنایات او صرف نظر کرد و گفت من به نوبه خود از تو می گذرم. شب سرد زمستانی بود و تپه های اوین پر از برف. همین گذشت خانم مطهری در آن جوان اثر عجیبی گذاشت و در آن لحظات آخر خیلی از عملش پشیمان شد و به کسانی که این طرز تفکر پوچ را به او القا کرده بودند، نفرین فرستاد، اما دیگر امکان بازگشت برای یک قاتل وجود نداشت. (1)

مطهری به عنوان نخستین خاکریز اسلام در نظر دشمنان جلوه گر بود. آنها نخست کوشیدند شخصیت ایشان را ترور کنند، تا افکار، نوشته ها و سخنرانی هایشان بی اثر شود. ازاین رو، بدنام کردن و ترسیم چهره غیرانقلابی و ناخالصی از شهید مطهری، یکی از هدف های دیرینه دشمنان بود. پیش از انقلاب حرکت هایی آغاز شده بود تا با شیوه های بسیار ناجوانمردانه و به دور از اخلاق تهمت هایی به ایشان نسبت دهند و او را از چشم مردم و امام و روحانیان بیندازند، ولی استاد بسیار ریشه دارتر از این حرف ها بود که آنها به آسانی بتوانند چنین کاری کنند. ازاین رو، گزینه ترور را برگزیدند و با شهادت ایشان، آثارشان رنگ خون و انقلاب گرفت. شهادت مطهری، مستکبران را خشنود ساخت، ولی خون سرخش ملت و جامعه ما را بیدار کرد؛ هر چند انقلاب برای تحکیم مبانی خود، به وجود ایشان بسیار نیاز داشت.

فلک به مردم نادان دهد زمام مراد

1- . سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج 3، صص 136 و 137.

تو اهل دانش و فضلی، همین گناهت بس

آه آه از دست صرافان گوهر ناشناس

هر زمان خرمهره را با دُر برابر می کنند

حافظ

سرانجام، دست جنایت کار مستکبران این بار از آستین گروهک مزدور فرقان بیرون آمد و آن اسوه فضیلت و پرهیزکاری و نماد شرف و آزادگی را به خون خویش آغشته ساختند. روز پنج شنبه، سیزدهم اردی بهشت، رهبر فقید انقلاب عزای عمومی اعلام کرد. پیکر پاک آن فیلسوف عالی قدر در میان حزن و اندوه فراوان مردم تهران و قم تشیع و در حرم مطهر حضرت معصومه(س) کنار آرام گاه استاد شیخ عبدالکریم حایری به خاک سپرده شد.

عشاق گر از سختی ایام بمیرند

دست طلب از دامن معشوق نگیرند

امام خمینی رحمه الله سوگ مندانه در فقدان عصاره اندیشه اش و حاصل عمرش می فرماید:

این نهضت باید زنده بماند و زنده ماندنش به این خونریزی هاست. بریزید خون ها را، زندگی ما دوام پیدا می کند، بکشید ما را ملت ما بیدارتر می شود. ما از مرگ نمی ترسیم و شما هم از مرگ ما بهره ای نمی برید. دلیل عجز شماست که در سیاهی شب متفکران ما را می کشید؛ برای اینکه منطق ندارید. اگر منطق داشتید که صحبت می کردید، لکن منطق ندارید. منطق شما ترور است. منطق اسلام ترور را باطل می داند. (1)

1- . سایت تبیان www.tebyan.net/contempovary/2003/4/28/40422.html

7. پی آمدهای مثبت و منفی شهادت استاد

شهادت استاد یک جنبه مثبت در کوتاه مدت و یک جنبه منفی در درازمدت داشت. جنبه مثبت و موقت این بود که شور و هیجان عجیبی در مردم پدید آمد و مردم را متوجه خطر دشمن کرد و اتحاد و هم دلی مردم برای حفظ دست آوردهای انقلاب که در خطر بود، بیشتر شد. آنها فهمیدند روحانیان متعهد و آگاه، نخستین هدف دشمنان هستند و بدین ترتیب، در نظر مردم نقش و تأثیر روحانیان بیشتر شد. در این میان، امام نیز مردم را هدایت و از آثار مرحوم مطهری رحمه الله یاد کرد و مردم سراغ آثار ایشان رفتند. در نتیجه، آثار استاد مطهری بیش از دوران زندگی اش مطالعه شد.

ایشان با ذخیره ای که از اندیشه پویای اسلامی و آگاهی ارزشمندی که از فلسفه شرق و غرب و فلسفه اسلامی داشت و تجربه ای که در دوران طولانی مبارزه اش به دست آورده و به شناختی که از شخصیت ها و افراد موجود رسیده بود، می توانست در خدمت اسلام و انقلاب باشد و همه اینها در آن مرحله حساس برای انقلاب لازم بود. حضور او در شورای انقلاب، مایه آرامش خاطر همگان بود. سخت مواظب جریان های فکری بود و کوچک ترین انحراف فکری را خنثی می کرد. با رفتن او، آن ذخیره بزرگ علمی و فلسفی و تجربه مبارزاتی و شناخت انسانی گرفته شد.

قرار بود دانشگاه بزرگ اسلامی، برای معرفی و گسترش اسلام راه اندازی شود و مسئولیت آن بر عهده استاد شهید باشد که متأسفانه با شهادت ایشان این طرح به ثمر ننشست. امروز هم کسی را نداریم که بتواند به نیکی عهده دار چنین رسالتی باشد. به راستی، شهادت ایشان آسیبی جبران ناپذیر به انقلاب وارد کرد. دراین باره این روایت مشهور به یاد می آید که:

اِذا مَات الْعالِمُ ثِلْمَ فِی الْاِسْلامِ ثُلْمَهٌ لایَسُدُّها شَی ءٌ. (1)

هنگامی که دانشمندی از دنیا می رود، رخنه ای در اسلام پدید می آید که چیزی نمی تواند آن را ترمیم کند.

مقام معظم رهبری دراین باره می فرماید: «اگر ایشان بودند، یک کلیدی از گنجینه های فرهنگ اسلامی بودند». (2)

1- . بحارالانوار، ج 2، ص 43؛ المحاسن، ج 1، ص 364.
2- . سایت www.edunews.ir/index.php ؛ روزنامه جمهوری اسلامی، 11/2/1364.

فصل پنجم: دیدگاه ها و سفارش های استاد مطهری

حفظ انقلاب اسلامی

«برای حفظ انقلاب اسلامی در آینده، از جمله اساسی ترین مسائلی که می باید مدنظر داشته باشیم، حفظ استقلال مکتبی و ایدئولوژیک خودمان است». (1)

انقلاب و معنویت

«انقلاب ما در آینده، در کنار عدالت اجتماعی نیاز به معنویتی گسترده و شامل دارد، معنویتی که در وجود پیامبر و ائمه دیده ایم». (2)

احیای مساجد

«اکنون ضرورت احیای مساجد، بیش از هر زمان دیگر محسوس

1- . شیخ شهید، ص 38.
2- . شیخ شهید، ص 30.

است». (1)

زهد اسلامی

«زهد اسلامی، مستلزم انتخاب زندگی ساده و بی تکلف است و براساس پرهیز از تنعم و تجمل و لذت گرایی است». (2)

نهضت خدایی

«نهضت خدایی باید برای خدا آغاز و باید برای خدا ادامه یابد و هیچ خاطره و اندیشه غیرخدایی در آن راه نیابد تا عنایت و نصرت الهی شامل گردد». (3)

توبه کردن

«انسان اگر بخواهد توبه کند، باید حقوق و دیون را بپردازد». (4)

مسئولیت عظیم حوزه های علمیه

«حوزه های علمیه ما که امروز این چنین شور و هیجان فعالیت اجتماعی یافته اند، باید به مسئولیت عظیم علمی و فکری خود آگاه و کارهای علمی و فکری خود را ده برابر کنند. باید بدانند که اشتغال، منحصر به فقه و اصول رسمی جواب گوی مشکلات نسل معاصر نیست». (5)

هدایت نسل جوان

«اگر فکری برای هدایت و رهبری این نسل نشود، در آینده به کلی از دست خواهند رفت». (6)

1- . پیرامون انقلاب اسلامی، ص 183.
2- . شیخ شهید، ص 15.
3- . شیخ شهید، ص 59.
4- . مرتضی مطهری، گفتارهای معنوی، تهران، صدرا، 1363، ص 152.
5- . نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، ص 90.
6- . مرتضی مطهری، ده گفتار، تهران، صدرا، 1366، ص 176.

راه مبارزه با کج روی های نسل جوان

«این ما (رهبران دینی) هستیم که مسئولیم. ما به قدر کافی در زمینه های مختلف اسلامی کتاب به زبان روز عرضه نکرده ایم. اگر ما به قدر کافی آب زلال و گوارا عرضه کرده بودیم، به سراغ آب های آلوده نمی رفتند. راه مبارزه، عرضه داشتن صحیح این مکتب در همه زمینه ها با زبان روز است». (1)

ریشه انحراف نسل جوان

«ریشه بیشتر انحرافات دینی و اخلاقی نسل جوان را باید در لابه لای افکار و عقاید آنان جست. فکر این نسل از نظر مذهبی چنان که باید راهنمایی نشده است و از این نظر فوق العاده نیازمند است». (2)

استقلال فرهنگی

«ما اگر مکتب مستقل خودمان را ارائه نکنیم، حتی با اینکه رژیم را ساقط کرده ایم و حتی با این فرض که استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی را به دست آوریم، اگر به استقلال فرهنگی دست نیابیم، شکست خواهیم خورد و نخواهیم توانست انقلاب را به ثمر برسانیم». (3)

هجوم اندیشه های غربی

«من به عنوان یک فرد مسئول به مسئولیت الهی، به رهبران عظیم الشأن نهضت اسلامی که برای همه شان احترام فراوان قائلم، هشداری می دهم و بین خود و خدای متعال اتمام حجت می کنم که نفوذ و نشر اندیشه های

1- . نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، ص 89 .
2- . مسئله حجاب، ص 13.
3- . پیرامون انقلاب اسلامی، ص 164.

بیگانه به نام اندیشه اسلامی و با مارک اسلامی اعم از آنکه از روی نیت صورت گیرد، خطری است که کیان اسلام را تهدید می کند». (1)

جایگاه علم و معرفت

«هر کاری را که در نظر بگیریم، اگر با علم و شناسایی و معرفت توأم گردد، اثر و ارزش بیشتری پیدا می کند». (2)

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر

«اگر می خواهی نزد ملل جهان ارزش پیدا کنی که هم بلوک شرق روی تو حساب کند و هم بلوک غرب، سرنوشت تو را او در اختیار نگیرد و برای تو تصمیم نگیرد: امر به معروف و نهی از منکر داشته باش. هم بستگی و هم دردی داشته باش، اخوت و برادری اسلامی را زنده کن، از بی خبری و ضعف پرهیز کن». (3)

«امر به معروف لفظی، این است که انسان با بیان، حقایق را برای مردم بگوید. خوبی ها را برای مردم تشریح کند. مردم را تشویق کند و به آنها بفهماند که امروز کار خیر چیست». (4)

«امر به معروف عملی، این است که انسان نباید تنها به گفتن قناعت کند. گفتن کافی نیست». (5)

«امر به معروف و نهی از منکر یعنی مصلح، یعنی هم دردی، هم بستگی،

1- . نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، ص 89 .
2- . مرتضی مطهری، حکمت ها و اندرزها، تهران، صدرا، 1372، ص 205.
3- . حماسه حسینی، ج 2، ص 161.
4- . حماسه حسینی، ج 2، ص 98.
5- . حماسه حسینی، ج 2، ص 98.

هم کاری، هم گامی، شناسایی، آگاهی و قدرت». (1)

«امر به معروف و نهی از منکر، همین است که ای انسان! تو تنها از نظر شخصی و فردی در برابر ذات پروردگار مسئول و متعهد نیستی؛ تو در مقابل اجتماع خود هم مسئولیت و تعهد داری». (2)

«اگر بخواهیم روح امر به معروف و نهی از منکر را با ترجمه و تعبیر فارسی خودمان بیان بکنیم، باید بگوییم لزوم استفاده از هر وسیله مشروع برای پیشبرد هدف های اسلامی». (3)

شرط موفقیت

«صبر و حوصله، دوست قدیمی ظفر و موفقیت است. بر اثر صبر و حوصله است که نوبت ظفر می رسد. اگر صبر و استقامت و حوصله باشد، بی استعدادترین افراد هم ولو در یک زمان طولانی به هدف خواهند رسید». (4)

انسان کامل

«انسان های کامل اسلام از نظر اخلاق، یعنی انسان هایی که خود را بهتر از دیگران شناخته اند، شرف و کرامت را در ذات خودشان بیشتر از دیگران احساس کرده اند». (5)

«انسان کامل، آن انسانی است که همه ارزش های انسانی در او رشد کنند

1- . حماسه حسینی، ج 2، صص 72 و160.
2- . حماسه حسینی، ج 2، ص 53.
3- . حماسه حسینی، ج 2، ص 160.
4- . حکمت ها و اندرزها، ص 213.
5- . مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق، تهران، صدرا، 1366، ص 190.

و هیچ کدام بی رشد نمانند و همه هماهنگ با یکدیگر رشد کنند و در رشد هر یک از این ارزش ها به حد اعلی برسد». (1)

«انسان کامل یعنی انسان حکیم و کمال انسان در حکمت انسان است، انسان کامل یعنی انسانی که حوادث روی او اثر نگذارد». (2)

انصاف

«آدم باانصاف یعنی آدمی که در مسائل مربوط به خود می تواند بی طرفانه درباره خودش قضاوت بکند و احیانا در جایی که خودش مقصر است، علیه خودش حکم صادر کند». (3)

ایثار

«ایثار یک اصل قرآنی است. ایثار یعنی گذشت، یعنی مقدم داشتن دیگران بر خود در آنچه مال خود انسان است و به آن کمال احتیاج دارد و در عین کمال احتیاج، دیگری را بر خود مقدم می دارد. ایثار یکی از باشکوه ترین مظاهر انسانیت است و قرآن، عجیب ایثار را ستود. ایثار، مقام انسانی فوق العاده باشکوهی است و اسلام آن را ستوده و ستایش کرده است. یعنی در نهایت احتیاج خود، دیگران را بر خود مقدم داشتن». (4)

بیماری روحی

«اگر انسان به قوا و نیروهای روحی خودش نرسد، یعنی به بعضی زیادتر و به بعضی دیگر کمتر برسد و آنها را گرسنه نگه دارد، در قوا و

1- . انسان کامل، تهران، صدرا، 1367، ص 41.
2- . انسان کامل، تهران، صدرا، 1367، ص 143.
3- . گفتارهای معنوی، ص 44.
4- . مرتضی مطهری، انسان کامل، صص 290، 291، 299.

نیروهای روحی اختلاف پیدا می شود، بی نظمی و آشفتگی پیدا می شود. این را می گویند بیماری روحی». (1)

تربیت

«لغت تربیت، مفهومی جز پروراندن ندارد. تربیت یعنی پرورش دادن استعدادهای واقعی انسان و استعدادهای درونی. به عبارت دیگر، تربیت یعنی رشد دادن و پرورش دادن و این، مبنی بر قبول کردن یک سلسله استعدادها و به تعبیر امروز یک سلسله ویژگی ها در انسان است». (2)

تقوای دینی و الهی

«تقوای دینی و الهی یعنی اینکه انسان خود را از آنچه از نظر دین و اصولی که دین در زندگی معین کرده، خطا و گناه و پلیدی و زشتی شناخته شده، حفظ و صیانت کند و مرتکب آنها نشود». (3)

توکل

«یعنی انسان وظیفه خودش را با اعتماد به خدا انجام بدهد. به عبارت دیگر توکل یعنی انسان همیشه به آنچه مقتضای حق است عمل کند و در این راه به خدا اعتماد کند، که خداوند حامی و پشتیبان کسانی است که حامی و پشتیبان حق هستند. توکل، تضمین الهی است برای کسی که همیشه حامی و پشتیبانی حق است». (4)

جامعه بی طبقه اسلامی

1- . اسلام و مقتضیات زمان، تهران، صدرا، 1362، ج 1، ص 347.
2- . مرتضی مطهری، اخلاق جنسی، ص 52؛ مرتضی مطهری، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ج 3، صص 452 و 454.
3- . ده گفتار، ص 20.
4- . آشنایی با قرآن، ج 3، ص 111.

«یعنی جامعه بی تبعیض، جامعه بی محروم، جامعه بی طاغوت، جامعه عادل، جامعه بی ظلم، نه جامعه بی تفاوت که خود، نوعی ظلم و بی عدالتی است؛ جامعه ای که امتیازات مرسوم، در آن بی اعتباراست». (1)

جهان بینی الهی

«جهان بینی الهی، واقعیت را در انحصار امور مادی نمی داند، به واقعیت غیر مادی و نامحسوس و مجرد از زمان و مکان و به واقعیت ثابت و جاودانه و مطلق نیز ایمان دارد». (2)

حوادث واقعه

«حوادث واقعه، همان مسائل جدید است که دوره به دوره، قرن به قرن و سال به سال پیش می آید. مطالعه و تتبع در کتب فقهیه در دوره ها و قرون مختلف می رساند که تدریجا بر حسب احتیاجات مردم مسائل جدیدی وارد فقه شده و فقها در مقام جواب گویی برآمده اند و به همین جهت، تدریجا بر حجم فقه افزوده شده است. «الحوادث الواقعه» چیزی جز پدیده های نوظهور نیست». (3)

حیات یک ملت

«حیات یک ملت به داشتن ثروت زیاد نیست، حتی به علم هم نیست. علم به تنهایی کافی نیست که یک ملت را زنده بکند، بلکه حیات ملت به این است که آن ملت شخصیتی را در خودش احساس بکند». (4)

1- . مجموعه آثار جلد، تهران، صدرا، 1368، ج 2، ص 112.
2- . مجموعه آثار، ج 3، ص 36.
3- . ده گفتار، ص 119.
4- . حماسه حسینی، تهران، صدرا، 1363، ج 1، ص 175.

خودباختگی

«خودباختگی یعنی تزلزل شخصیت، بی ایمانی به خود، گم کردن خود، از دست دادن حس احترام به ذات، بی اعتمادی و بی اعتقادی به فرهنگ خود و استعداد و شایستگی خود». (1)

خوف و رجاء

«در مسئله خوف و رجا که مؤمن باید همیشه هم امیدوار باشد و هم خائف، هم خوش بین باشد و هم نگران، مقصود این است که مؤمن همواره باید نسبت به طغیان نفس اماره و تمایلات سرکش خود خائف باشد که زمام را از کف عقل و ایمان نگیرد و به ذات خداوند اعتماد و اطمینان و امیدواری داشته باشد که همواره به او مدد خواهد کرد». (2)

دنیاپرستی

«منظور از علاقه به دنیا، تمایلات طبیعی و فطری نیست. مقصود از علاقه و تعلق، بسته بودن به امور مادی و دنیوی و در اسارت آنها بودن است که توقف است و رکود است و باز ایستادن از حرکت و پرواز است و سکون است و نیستی است. این است که دنیاپرستی نام دارد». (3)

روشن فکر

«روشن فکر کسی است که به یکی از خودآگاهی ها رسیده باشد و درد طبقاتی یا ملی یا انسانی را یافته و در تلاش رهایی طبقه اش یا ملتش یا همه انسان ها باشد و می خواهد آگاهی خود را به آنها منتقل نماید و آنها را به

1- . انقلاب اسلامی، ص 118.
2- . ده گفتار، ص 19.
3- . سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، 1366، ص 265.

حرکت و تلاش برای رهایی از اسارت های اجتماعی در آورد. روشن فکر کسی است که از آگاهی ویژه ای در جهت تکامل اجتماعی برخوردار است. حرکات تکاملی اجتماعی غالبا از ناحیه گروه ها و طبقاتی است که از سواد و معلومات کافی بی بهره اند، ولی به حکم وضع طبقاتی روشن فکرند. روشنگر کسی است که یک نوع آگاهی خاص دارد که آن آگاهی خاص، او را به سوی هدف های انسانی می کشاند». (1)

عذاب وجدان

«انسان در حالی که گرم یک هیجانی هست غیبت می کند، لذت می برد، مثل لذت آدم گرسنه ای که به تعبیر قرآن گوشت مرده برادرش را بخورد، اما همین که این حالت رفع بشود، یک حالت تنفری از خودش در خودش پیدا می شود، احساس می کند که از خودش تنفر پیدا کرده، دلش می خواهد خودش از خودش جدا بشود، خودش را ملامت و سرزنش می کند. امروز این حالت را عذاب وجدان می گویند». (2)

فرهنگ و تمدن

«فرقی می گذارند میان تمدن و فرهنگ و می گویند تمدن همگانی است، یعنی تمدن به هیچ قومی اختصاص ندارد، ولی فرهنگ رنگ ملی دارد، یعنی هر ملتی فرهنگ خود را دارد و فرهنگ هر ملتی همان روح آن ملت است». (3)

1- . مجموعه آثار، تهران، صدرا، ج 2، ص 317؛ قیام و انقلاب حضرت مهدیعج، ص 29؛ فلسفه اسلامی، ص 244.

2- . فلسفه اخلاق، ص 67.

3- . مرتضی مطهری، فلسفه تاریخ، تهران، صدرا، 1369، ج 1، ص 45.

قلب سلیم

«قلب سالم، یعنی دلی که هیچ نوع بیماری از قبیل کینه و حسادت و سایر صفات مذموم نداشته باشد؛ دلی که منور باشد به نور معرفت خدا و در آن شکی و شرکی وجود نداشته باشد». (1)

مادیت اخلاقی

«مادیت اخلاقی آن است که کسی در اخلاق و عمل مادی باشد. یعنی فقط به لذت های مادی و حیوانی عشق بورزد و جز معشوق ها و معبودهای شهوانی نپرستد. مادیت اخلاقی، یعنی اینکه شخصی هر چند از نظر اعتقاد، به ماورای طبیعت معتقد است، ولیکن از نظر اخلاق و عمل، مادی است. مادیت اخلاقی، یکی از علل و موجبات مادیت اعتقادی است. به عبارت دیگر، شهوت رانی ها و افسارگسیختگی ها و غرق شدن در منجلاب شهوت پرستی یکی از موجبات گرایش های فکری مادی است. مادیت اخلاقی یعنی اینکه انسان از حیات و زندگی هیچ گونه ایده اخلاقی و معنوی نداشته است». (2)

مراقبه

«مراقبه یعنی با خود معامله با شریکی را بکن که به او اطمینان نداری و همیشه باید مواظبش باشی». (3)

مساوات

«مساوات، یعنی به همه به چشم مساوی نگریستن و تبعیض قائل نشدن. پس مساوات این است که امکانات مساوی برای همه افراد فراهم شود.

1- . حکمت ها و اندرزها، ص 195.
2- . مجموعه آثار، ص 911؛ مجموعه آثار، ج 1، ص 568.
3- . مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، 1367، ج 6 ، ص 373.

میدان برای همه به طور مساوی باز باشد. زمینه برای همه متساویا فراهم باشد. تا اگر کسی همت داشته باشد، در هر کجا که هست و در هر طبقه ای که هست، بتواند در پرتو لیاقت و استعداد و بروز فعالیت به کمال لایق خود برسد. حالا هر کس کوتاهی کرد خودش کرده و هر کس کوتاهی نکرد، نتیجه اش را می برد». (1)

وجدان

«وجدان یا انسانیت، قوه ای است در انسان که روی حق و حقیقت تکیه می کند، یعنی اگر در یک جا دیدید که حق با دیگری است، انصاف می دهید و می گویید حق با توست و من بی خود می گویم». (2)

همراه خدا

«همراه خدا یعنی انسان ربانی و الهی می شود و یک لحظه هم از خدا غافل نیست». (3)

یوم الحسره

«به روزی که انسان ها سخت در حسرت و ندامت فرومی روند و احساس غبن (ضرر) می کنند که چرا خود را برای چنین مرحله ای آماده نکرده اند، «یَوْمِ الْحَسْرَه» یا «یوم التَّغابُن» گویند». (4)

1- . مجموعه آثار، ج 2، صص 132 و 532.
2- . اسلام و مقتضیات زمان، ج 1، ص 395.
3- . شرح مبسوط منظومه، ج 4، ص 97.
4- . مجموعه آثار، ج 2، ص 520.

فصل ششم: برگزیده ادب فارسی

متون ادبی

1. قلم و بیان از ترسیم شجاعت و پایمردی و دین داری و در نهایت، رسیدن به قله رفیع شهادت بزرگ مردی چون آیت الله مرتضی مطهری و نقش زندگی بخش ایشان در جنبه های گوناگون، به ویژه جنبه فرهنگی ناتوان و بی سخن است.

2. او از کشت زار بهار سرشارتر و از سپیده صبح روشن تر و از دیده خورشید بیدارتر بود. او آموزگاری بود که تا ابد موج نورش پشت سیاه ظلمت شب را خواهد شکست.

3. راه او پیوسته روشنگر بزم محفل عاشقان راه توحید خواهد بود. با شهادت او «روز معلم» در جمهوری اسلامی ایران تولد یافت. آری، او معلم بود. آموزگاری فداکار و دل سوخته. آنچه را خود آموخته بود، با سخاوت مندی به دیگران آموخت. بذر ایمان را در دل های تشنه حقیقت

افشاند، روح های آماده را صیقل داد و خواب غفلت را از قلب جاهلان به دور ساخت و زندگی تازه در کالبد زمان و مکان دمید.

4. او بنده خدا و سایه لطف خدا بود. فرشته رحمتی بود که برای سعادت و نیک بختی فرزندان جامعه اسلامی خلق شده بود. او عاشق خدا بود و به تربیت نسل جوان عشق می ورزید و پروانه ای بود که از سوختن پروا نداشت.

5. ای روح مطهر، اکنون در این زمان سراسر نیاز، کویر تشنه و عطش ناک اندیشه های جست وجوگر این نسل بیش از همه وقت انتظار تو را می کشد و در عصر هجوم بودن های کاذب و وجودهای مصنوعی، نبود تو را غم گنانه می سراید و بر بام دلش، آوای اندوه سر می دهد.

6. اکنون جوانه های رسته از شاخه های زمان پس از انقلاب، جویاتر از پیش، چشم امید به بارش اندیشه های تو دوخته است تا همچون همیشه، سرزمین بکر افکار را برویانی و ساقه های خشکیده و قحطی زده را به برگ و بار بنشانی.

7. ای باغبان بیدار و تیزبین! باغ اندیشه های نسل ما، پر از نیلوفر پرسش است. چه می شد که دست های مهربان و صمیمی تو علف هرزه های شبهه ها و اشکال ها را می چید و ساقه های ذهن ما را آبیاری می کرد و گل بوته های شناخت ما را می شکوفاند.

8. شکسته باد و بریده باد، دست فرقان که با تبر ترور بی رحمانه، قامت استوار و تنومند تو را به خاک افکند و با سرب مذاب، مغز تو را که عصاره

عمری تلاش و آموختن و اندوختن بود، نشانه گرفت و قلب تو را که برای اسلام می تپید، از کار انداخت.

9. مطهری عزیز! آنان که از نزدیک با تو نشست و برخاست داشته و شور و شیدایی تو را در راه معرفت و مکتب دیده اند، لقب عاشق را بر تو زیبنده می بینند و به عشق تو به جمال برتر و کمال والا، شهادت می دهند، ای خلوص زندگی!

عرضه اسلام به این نسل مشتاق، دور از هرگونه پیرایش و آرایش، حاصل عمر تو بود و تو خود، حاصل عمر امام. آن چنان که تو را فرزند عزیز خطاب کرد و در سوگت نشست و غم گنانه و دردمندانه دُرّواره های اشک بر چهره اش غلتید.

10. ای معلم اسلام! وقتی دیدگان ما به «جهان بینی توحیدی» تو افتاد و دریچه «انسان و ایمان» را به رویمان گشودی و چهره «انسان در قرآن» را به ما نمایاندی، از «وحی و نبوت» تو توشه ها برگرفتیم و با سنت های «جامعه و تاریخ» آشنا شدیم و با «شناخت» تو معارف را شناختیم و پروازکنان به سوی «زندگی جاوید» شتافتیم تا شاید، دوستی «پیامبر اُمّی» را فراهم آوریم و پیوند «ولا و ولایت ها» را استوار سازیم.

11. گرچه در میان ما نیستی، ولی نام تو همیشه شیفتگان معارف اسلام را الهام بخشیده و یاد تو احیاگر علوم اهل بیت بود و کتاب هایت بر بال فرشتگان نشسته و دست تلاش گر «سپاه» و «جهاد» و «انجمن های اسلامی» و «امور تربیت» و نهادهای انقلابی را گرفته است.

12. شهادت تو نیز مبارک بود و با سرخی خونت، نهال اسلام، شاداب تر و سرسبزتر شد و خون تو موجی خروشان آفرید و همه جا را فرا گرفت و طنین بال ملائک را به گوش این ملت رساند و عشق به مکتب و باز یافتن هویت اصیل مکتبی را در دل ها زنده ساخت و حوزه را به دانشگاه کشید و دانشگاه را در آستان بلند حوزه ها، به تنظیم و تکریم واداشت و آنچه را به ارمغان آورد، «وحدت طلبه و دانشجو» بود. چیزی که آرزوی امام بود و تو خود، تحقق بخش آن بودی.

13. اکنون گرچه رفته ای، ماندگارترینی؛ گرچه خاموشی، روشن ترین فریادی؛ گرچه غایبی، آشکارترین حضور را داری. تو شهیدی و شهید هرگز نمی میرد و هرگز غایب نیست و هرگز خونش از جوشش باز نمی ایستد و هرگز از یادها نمی رود. (1)

14. او معلمی بود که در راه تطهیر قلوب و تهذیب نفوس، فوز عظیم شهادت را در آغوش کشید. یک دم از تربیت و تزکیه انسان نیاسود تا اینکه در جوار قرب معبود خویش جای گرفت. نور تابنده ای بود که به گوش فراگیران خود درس یکتاپرستی را سرود و زنگار انحراف و التقاط را از دل ها زدود. او در آسمان تعلیم و تربیت میهن اسلامی خوش درخشید و مانند ابر بهاری شکوفه های ایمان و ایثار را سیراب ساخت. شایسته است بگوییم ای شهریار سرزمین دانش و ای آموزنده الفبای سعادت و توحید، مقام ولایت را گرامی می داریم و به صفای دل و به روح درد آشنای تو درود می فرستیم و عصاره این کلمات را در اشعار زیبا جست وجو می کنیم.

1- . نامداران راحل؛ روایت انقلاب، تهران، امیرکبیر، 1365.

ص:131

اشعار برگزیده

آفتاب فروزنده

مطهری که از او روح گل معطر بود

زلال چشمه ایمان و یار رهبر بود

خروش رود سحر بود و بوی سبز بهار

به باغ خرم ایثار سایه گستر بود

در آن خزان که سواران گل به خون خفتند

از و شکفته و پربار، باغ باور بود

طلوع کوکب خورشید بود و جوهر عشق

جهان ز پرتو اندیشه اش منور بود

فروغ اختر نامش چراغ دانش و دین

چو آفتاب فروزنده پاک گوهر بود

چه عاشقانه به دریای عشق می پیوست

گلی که بر سر امواج خون شناور بود

شمیم روح خدا داشت در پگاه کلام

شکوفه ای که به دامان خاک پرپر بود

کنون ز جوشش خونش دمیده لاله مهر

مطهری که از او روح گل معطر بود

نصرالله مردانی

معلم شهید

ای عالم پرتلاش و زاهد

استاد مبارز و مجاهد

ص:132

بس رنج به راه دین کشیدی

الحق که معلم شهیدی

هر کس به مقام توست عارف

باید که تو را شود معرف

من از تو خبر چگونه آرم

تو شطی و من چو جویبارم

تا خود بشوی معرف خود

ز آثار تو بهره ور توان شد

فخر تو «حماسه حسینی» است

پیداست که رهبرت خمینی است

استاد بزرگ و جان فدایی

شاگرد شهید مرتضایی

با عشق علی، مطهری تو

خود حاصل عمر رهبری تو

فکر تو چو خصم کافران شد

پیشانی تو هدف از آن شد

ص:133

بشکست جبین و سجده گاهت

در حب خدا همین گواهت

در خدمت حق، تو را لسان است

مداح تو زین جهت «حسان» است

حبیب چایچیان (حسان)

عروج سرخ

غم نامه ات را کی توان بنمود تحریر

کی می توان از چهره ات بنمود تقدیر

ای پاسدار مکتب، ای فرزند آیین

آموزگار نهضت، ای خورشید تنویر

ای تک سوار عرصه باطل ستیزان

وی از تبار منطق و انذار و تبشیر

ای عالم فرزانه، ای دل سوز و آگاه

بر «التقاط» «شرک» فریاد تو شمشیر

خالی بود در حوزه قم جایگاهت

ای از غم سوگ تو گشته خلق، دل گیر

در ماتم جانکاه تو بنشسته اینک

سجاده در محراب و آن گل بانگ تکبیر

اندر عزای توست، ای در خون تپیده

عرفان و فقه و حکمت و تاریخ و تفسیر

ص:134

بشکسته بادا دلت پرکین حرامی

نمرود آسا زد به فرق پاک حق تیر

ای جادوان، یاد تو و فریادهایت

و آن دفتر و دیوان و آن آیات تطهیر

ره توشه ما گفته های پرفروغت

ره نامه ما از تو دارد لطف و تقدیر

روز معلم، روز معراج مطهر

روز عروج سرخ آن فرزانه پیر

روز شهادت، روز میلاد شهید است

میلاد سرخ سربدار آسمان گیر

ای حبذا آن که اندر راه قرآن

«خال شهادت» دارد اندر تن به توقیر

شفیعی مازندرانی

عطیه کوثر

زندگیت مرتضی و روح توست مطهر

یاد تو زنده است و نام توست معطر

ای سخنت دل نشین و لحن تو شیرین

قند بیانت چو شهد، اگر چه مکرر

خامه تو ره گشای وادی توحید

کلک تو روشن گر پیام پیمبر

با توبه کنجی خزیده هر چه منافق

ص:135

بی تو شده گرم، جان افعی و اژدر

ای به قلم، یکه تاز معرکه حق

یک تنه با خصم بی شمار، برابر

تشنگی عقل را تو چشمه زمزم

روح عطش ناک را عطیه کوثر

ای تو برای همه مربی و استاد

ای ز امام عزیز، پاره پیکر

خون تو موجی بیافرید، خروشان

میهن ما را فرا گرفت سراسر

زنده شد از خون تو شریعت اسلام

نهضت ایران گرفت رونق دیگر

کشته حق گشتی و شهید شرافت

تا که رسیدی به آن مقام مقدر

خانه ایمان به نام توست مصفا

خاطر ما، در غیاب توست مکدر

جواد محدثی

ذوالفقار قلم

از قلم، ذوالفقار ساخته بود

چون علی بر نفاق تاخته بود

در ره حق، برابر باطل

لحظه ای خویش را نباخته بود

ص:136

قلمش را سلاح می دانست

بهترین راه را شناخته بود

مدعی کی مجال جولان داشت

تا که شمشیر منطق آخته بود

آوخ از او که صادقانه چو شمع

عمری از بهر ما گداخته بود

گرچه چون ما میان ما می زیست

کهکشان بود و ناشناخته بود

علی مرادی غیاث آبادی

رسول هنر

سر خونین تو تفسیر بهاری دگر است

شرح عشقی است که از خون خدا بارور است

باغبان گر به خزان اشک فشاند نه عجب

ز آنکه هر گل به بر آورده به خون جگر است

هست هر چشم نکوطالب دیدار رخت

ای که معراج تو معراج رسول هنر است

خصم از کوردلی پنجه سرقت به تو برد

نور بر دار کند هر که که کوته نظر است

راه کوتاه شود گر سخن از جان بدمد

گر حسینی تو، بدان کرب وبلا پشت در است

عزیزالله زیاری

میوه حیات امام

تو رفتی و نرود نقش رویت از یادم

به خاک پای تو استاد، بوسه بنهادم

پس از شهادت جان سوز و دل گداز تو، من

شکسته خاطر و افسرده حال و ناشادم

تو نور دیده ما بودی ای اریب ادیب

تو رفتی و شده بر بام آسمان دادم

هلا سخنور شیرین زبان، چکامه عشق

به زیر کوه غمت، دل شکسته فرهادم

تو روح منطق دین بودی و نشسته خموش

چو نی ز فرقت تو، پر نوا و فریادم

در این بهار، من ای میوه حیات امام

چو برگ لاله، به خاک مزارت افتادم

هزار بار زدم بوسه بر نوشته تو

سپس به مردمک چشم خویش بنهادم

به قطره قطره خون جگر، رقم زده ام

که خاک بر سرم، از دست رفته استادم

محمدحسین حجتی (پریشان)

زنده جاویدان

کشته راه خدا زنده جاویدان است

جاودان در حرم قرب خدا مهمان است

آخر از بهر چه نامی تو شهادت را مرگ؟ !

به خدا هستی اگر هست به عالم، آنست

هر شهیدی است چو خورشید در آفاق جهان

که فروغش همه جا جلوه گر و تابان است

این، چراغی است که هر روز شود روشن تر

این شکوهی است کز او عقل بشر حیران است

ای مطهر دل و جانت، به تو همواره درود

کز تو اسلام و وطن روشن و نورافشان است

«شفق» سوخته ای مهر فروزان امید

ذره آسا به ره عشق تو سرگردان است

محمدحسین بهجتی(شفق)

داغ گران

روزی که آن «مطهر» از این خاکدان گذشت

بانگ خروش و غلغله از آسمان گذشت

مرغ از فراز شاخه گل بال وپر گشود

بلبل سرود غم به لب، از بوستان گذشت

تا اشک غم ز دیده رهبر فرو چکید

داغی گران به سینه اهل زمان گذشت

سالی که انقلاب گل و لاله پرورید

خود باغبان نگر، چو گل ارغوان گذشت

با عارفان معاشر و با عالمان انیس

با راست قامتان همه، هم داستان گذشت

از راستان عشق بسی داستان نوشت

عمرش به راستی همه با راستان گذشت

برق تبسمی به لب «حور» نقش بست

غلمان صفت چو جانب باغ جنان گذشت

از دیده اشک سرخ چو سرب مذاب ریخت

یعقوب، تا که یوسف این کاروان گذشت

آن فیلسوف عصر و خطیب سخن سرا

چون آفتاب، از سر بام جهان گذشت

در سوگ یار کلک «پریشان» نوشت و گفت

سرداری از سپاه امام زمان گذشت

محمد حسین حجتی (پریشان)

گل های چمن

آن روز که چون تو سروری را کشتند

گویی که سهیل و مشتری را کشتند

گل های چمن به صد زبان می گفتند

افسوس و فقان «مطهری» را کشتند

* * *

ص:140

چراغ انجمن

تنها نه چراغ انجمن بودی تو

امید امام بت شکن بودی تو

در سوگ تو از لعل لبش بشنیدیم

کان غم زده را پاره تن بودی تو

مجتبی حائری

فصل هفتم: همراه با برنامه سازان

توصیه به برنامه سازان

1. استاد مطهری یکی از بارزترین شخصیت های علمی و فرهنگی است که در جهات گوناگون موفقیت های فراوانی را به دست آورد و میان عرصه حوزه و دانشگاه وحدت ایجاد کرد و افکار پلیدی که این دو سنگر مهم را از هم جدا می کرد، با لبه تیز تیغ دانش و دین داری از بین ببرد و با قدرت و صلابت شخصیت علمی اش، همه مخاطبان خود را تحت تأثیر روش نو و مخلصانه خویش قرار داد. امروز دشمن مذبوحانه می کوشد که شکاف های عمیق میان دو گروه (طلبه و دانشجو) ایجاد کند و در دست یابی به این هدف شوم خود از هیچ کوششی فروگذار نیست.

بنابراین، شایسته است برنامه سازان ایجاد هم بستگی بیشتر میان این دو سنگر انسان ساز را در دستور کار خود قرار دهند و دل سوزانه در تحکیم این پیوند ناگسستنی بکوشند.

2. هدف نهایی این نوشتار، این است که تمام کسانی که در راه کام یابی

و پیروزی مردان بزرگ الهی گام بر می دارند و خواهان نیک بختی خویش هستند، به تناسب فکر و قدرت علمی خود از اندیشه ها و رازهای موفقیت استاد شهید مرتضی مطهری رحمه الله به شکلی شایسته بهره مند شوند و با آگاهی و بهره مندی از آن رموز، کمبودهای خود را جبران کنند و به هدف های عالی خویش دست یابند. این برجسته سازی و انتقال رازهای موفقیت استاد و الگوسازی، به عهده برنامه سازان دل سوز است.

3. دشمن زیرکانه می کوشد تا میان اسلام و ملیت ایرانی جدایی بیندازد و به نوعی بفهماند که این دو، راهی جداگانه اند و نمی توان هر دو را با هم حفظ کرد. استاد با ظرافت ویژه ای به این توطئه پی برد و کتاب گران سنگ خدمات متقابل ایران و اسلام را نوشت و نتایج ارزنده ای نیز در رویارویی با این توطئه به دست آورد که خلاصه آن عبارتند از:

الف) آیین اسلام به ذات خود، رنگ هیچ ملیت خاصی را ندارد، بلکه همسو با خواسته های فطری و عقلانی بشر است.

ب) اسلام آوردن ایرانیان با اکراه و اجبار نبوده، بلکه از روی عشق به حقیقت و عدالت بوده است و امروز ما بر اثر کوشش های علمی استاد است که می گوییم فرهنگ ایرانی و اسلامی جدایی ناپذیر است. متأسفانه به این نکته اساسی در رسانه کمتر پرداخته شده و جا دارد برنامه سازان به این امر مهم اهتمام بیشتری داشته باشند و برنامه هایی بسازند که پیوند روح ایرانی _ اسلامی و خدمات متقابل ایران و اسلام را نسبت به هم بازگو کند. افزون بر اینکه، از مسائلی چون خط گرایش به غرب و سکولاریسم نباید غافل

ماند. استاد سال ها پیش این خطرها را حس و راه کارهای مناسب را پیش کش کرد که باید از آنها بهره برد.

پیشنهادهایی برای برنامه سازی

1. گفت وگو با استادان دانشگاه های تهران که از نزدیک با ایشان در ارتباط و شاهد چگونگی تدریس علمی و عملی استاد شهید مطهری بوده اند. (با تأکید بر روش ها) همچنین، گفت وگو با دوستان نزدیک استاد و بهره مندی از نظرها و خاطره های آنها.

2. به جلوه های شخصیتی استاد برای الگوسازی توجه شود. امروز جامعه جوان ما بیش از هر زمان دیگر به جلوه های رفتاری استاد مثل تلاش علمی، فروتنی اخلاص، بلندنظری، جامع نگری، صفای باطن و جنبه های اخلاقی عرفانی نیازمند است.

3. در برنامه های خانواده، ویژگی های خانواده شهید مطهری، برخورد با همسر، تربیت فرزندان، مدارا با همسایگان و احترام به خانواده مد نظر قرار گیرد تا به عنوان الگوهای خانواده مطلوب اسلامی معرفی شود و می توان در مورد دیگر شخصیت ها نیز به این روش عمل کرد. نیز در این روزها باید با خانواده محترم این شهید گفت وگو شود.

4. جلوه های معنوی استاد، توسل به اهل بیت علیهم السلام ، تزکیه نفس، اخلاص استاد و نقش نیایش در زندگی ایشان در برنامه های گوناگون، به ویژه شب های جمعه به تصویر در آید. دراین باره می توان از خانواده و دوستان ایشان و استادان حوزه و دانشگاه کمک گرفت.

5. نکته های تربیتی بسیار مهم در نامه های استاد به فرزندانشان در برنامه های جوان و خانواده بررسی شود. کارشناسان محترم می توانند شیوه های روان شناسانه استاد در فهماندن و رساندن خواسته ها به فرزندان و واگذاری استقلال در مسائل شخصی و برخورد سازنده و ارشادی با فرزندان را ارزیابی کنند.

6 . باتوجه به اینکه تحصیل دانش آموزی در زندگی استاد جایگاه ویژه ای داشته، این بخش از زندگی استاد برجسته شود و احترام ایشان به استادان باید به عنوان الگوی مطلوب اسلامی مطرح شود تا شأن معلمی و رابطه سالم استاد _ شاگردی محفوظ بماند.

7. گفت وگو با استادان حوزه و دانشگاه که هم اینک سرگرم تدریس کتاب های ایشان هستند و آگاهی از چگونگی استقبال و بهره وری دانشجویان از کتاب های استاد، همچنین میزان بهره مندی از کتاب های استاد در حوزه علمیه و استقبال طلبه ها از اندیشه های نورانی استاد. دراین باره می توان با دانشجویان و طلبه ها گفت وگوهایی انجام شود.

8 . گفت وگو با پژوهشگرانی که تاکنون در ارتباط با زندگی استاد و آرای علمی و فرهنگی ایشان، پژوهش ها و آثار تألیفی داشته اند. همچنین، گفت وگو با هنرمندانی که در ارائه تصویری روشن از مقام استاد در زمینه فیلم، نمایش یا تهیه آهنگ و سرود فعالیت داشته اند.

9. گفت وگو با مسئولان انتشارات صدرا، درباره چاپ کتاب های استاد و شمارگان هر یک از آنها، کتابی که تاکنون بیشترین استقبال را داشته و مقایسه ای در جهت میزان فروش کتاب ها در سال های اخیر، بررسی علل

کاهش یا افزایش استقبال عمومی، میزان استفاده از کتاب های استاد برای تهیه هدیه ها در هفته معلم می تواند مدنظر باشد.

10. شیوه های کلاس داری و روش تدریس ایشان می تواند برای آموزگارانمان آموزنده باشد. از آن جا که با نام گذاری این روز به نام «روز معلم»، پیوند ویژه ای میان استاد مطهری و آموزگاران ایجاد شده، بهتر است با آموزگاران گفت وگو و از تطابق روش های تدریس آنان با معلم شهید، جلوه های رفتاری استاد با شاگردان و... سؤال شود. به طور غیرمستقیم نیز برخی ویژگی های مورد انتظار به آموزگاران جوان گفته شود.

11. در این روز معمولاً در مدرسه ها مراسم بزرگداشتی برای مقام معلم برگزار می شود. با حضور در این جلسه ها با دانش آموزان و دانش پژوهان گفت وگو و میزان شناخت و آگاهی آنها نسبت به شخصیت استاد مطهری ارزیابی شود.

پرسش های کارشناسی

1. به چه دلیل مقام معظم رهبری، آثار استاد را مبنای فکری نظام جمهوری اسلامی می داند؟

2. چرا به شهید مطهری ایدئولوگ انقلاب می گویند؟

3. نقش استاد در به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی را چگونه ارزیابی می کنید؟

4. از فعالیت های ایشان در شورای انقلاب چه می دانید؟

5. استاد در برقراری پیوند میان حوزه و دانشگاه تا چه حد موفق بود؟

6. چرا سخنرانی ها و نوشته های استاد، برای جوانان و توده مردم جاذبه دارد؟

7. نظر استاد را درباره خدمات متقابل ایران و اسلام خلاصه وار بگویید؟

8. استاد در برابر گرایش به غرب چه موضعی داشت؟

9. رمز موفقیت های علمی استاد در چه چیزی است؟

10. از ویژگی های معنوی استاد، مانند اهمیت به نماز اول وقت و توسل به اهل بیت علیهم السلام چه می دانید؟

11. چرا امام خمینی رحمه الله استاد را حاصل عمر و میوه حیات خود می دانست؟

12. آثار منفی و مثبت شهادت استاد را چگونه ارزیابی می کنید؟

13. چرا شهید مطهری در مسلک های شرق و غرب هضم نشد؟

14. درباره مبارزه استاد با جلوه های مادی گری و التقاطی چه می دانید؟

پرسش های مردمی

1. چرا امام راحل تمام آثار ایشان را بی استثنا تأیید کرد؟

2. از روش برخورد استاد با جوانان چه می دانید؟

3. شهید مطهری در چه بعدی می تواند برای ما الگو باشد؟

4. از ویژگی های معلمی استاد مطهری چه می دانید؟

5. انگیزه گروه «فرقان» در به شهادت رساندن استاد چه بوده است؟

6. از کدام یک از کتاب های استاد بیشتر بهره بردید؟

7. تاکنون کدام یک از کتاب های استاد مطهری را خواندید؟

8. از کدام یک از نوارهای سخنرانی استاد مطهری استفاده کردید؟

9. چند کتاب از استاد که درباره زنان نوشته شده را نام ببرید؟

10. چرا روز شهادت استاد به نام روز معلم، نام گذاری شده است؟

11. آموزگاران از چه جهاتی می توانند از استاد پیروی کنند؟

12. معمولاً پس از مطالعه کتاب استاد، چه احساسی نسبت به ایشان پیدا می کنید؟

پرسش های مسابقه ای

1. شهید مطهری در چه تاریخی به شهادت رسید؟

2. استاد مطهری به دست کدام گروه منحرف به شهادت رسید؟

3. آرام گاه استاد شهید مطهری در کجاست؟

4. بهترین کتابی که تاکنون از ایشان خواندید، چیست؟

5. یک جمله زیبا و به یاد ماندنی از شهید مطهری که در سخنرانی ها یا هنگام مطالعه کتاب به یاد دارید، بیان کنید؟

6. این جمله از کدام شخصیت است: «مطهری در طهارت روح و قوت ایمان و قدرت بیان کم نظیر بود».

7. این جمله را چه شخصیتی گفته است: «کتاب های این استاد عزیز را نگذارید با دسیسه های غیراسلامی فراموش شود».

8. این جمله از کدام شخصیت است: «شهید مطهری، به نظر من قوی ترین ایدئولوگ بود؛ هم عارف بود و اهل تهجد و هم اهل ذکر و یاد و گریه و دعا»؟

ص:148

9. این جمله درباره چه کسی گفته شده: «به راستی او روح قدس الهی بود»؟

10. پس از پیروزی انقلاب، شهید مطهری چه مسئولیتی را پذیرفت؟

11. چند تن از دوستان نزدیک شهید مطهری را نام ببرید؟

کتاب نامه

1. باقی نصرآبادی، علی، استاد مطهری در گذر اندیشه ها، کاشان، نشر مرسل، 1374.

2. جاوید موسوی، سید حمید، سیمای استاد در آیینه نگاه یاران، تهران، صدرا، 1371.

3. جوانشیر، کریم، نامداران راحل، تبریز، اختر، 1379.

4. خامنه ای، علی، حدیث ولایت، مجموعه موضوعی بیانات رهبر انقلاب، اداره کل اسناد و اطلاع رسانی.

5. سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، به روایت جمعی از یاران و فضلا، تهران، ذاکر، 1366.

6. شیخ شهید، تهران، صدرا، 1375.

7. صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی رحمه الله، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، 1361.

8. محدثی، جواد، روایت انقلاب، تهران، امیرکبیر، 1365.

9. محقق، جواد، تاوان عشق، تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، 1371.

10. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، تهران، صدرا، 1362.

11. ، انسان کامل، تهران، صدرا، 1367.

ص:150

12. ، بیست گفتار، تهران، صدرا، 1369.

13. ، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، صدرا، 1360.

14. ، پیرامون جمهوری اسلامی، تهران، صدرا، 1364.

15. ، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، 1367.

16. ، جامعه و تاریخ، قم، صدرا، 1369.

17. ، حکمت ها و اندرزها، تهران، صدرا، 1372.

18. ، حماسه حسینی، تهران، صدرا، 1363.

19. ، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم، صدرا، 1360.

20. ، ده گفتار، تهران، صدرا، 1364.

21. ، سیری در نهج البلاغه، تهران، صدرا، 1366.

22. ، عدل الهی، دفتر تبلیغات اسلامی، 1365.

23. ، علل گرایش به مادی گری، تهران، صدرا، 1372.

24. ، فلسفه اخلاق، تهران، صدرا، 1366.

25. ، فلسفه اسلامی، صدرا.

26. ، فلسفه تاریخ، تهران، صدرا، 1369.

27. ، گفتارهای معنوی، تهران، 1363.

28. ، مجموعه آثار جلد 2، تهران، صدرا، 1368.

29. ، مسئله حجاب، قم، انتشارات جامعه مدرسین،

.1361

30. ، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، 1369.

31. ، نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، تهران، صدرا، 1366.

32. ، ولاء و ولایت ها، قم، صدرا، 1369.

33. ، مطهر اندیشه ها، واثقی راد، محمدحسین.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109